
 <b>دانش‌آموز</b> <b>سال‌های دور</b> نوش آفرین انصاری ۱۳	 <b>عبدالرحیم</b> <b>جعفری‌زاد</b> <b>انجوی شیرازی</b> <b>می‌گوید</b> ۱۱	 <b>تاریخ جهانی</b> <b>نشر کتاب</b> کلی مقیسه ۷
---	--	--

گفت و گو با محمّد اسفندیاری

## از بهتر نویسی تا بیشتر نویسی

♦ برخی از نویسندگان حق خواننده را ادا نمی‌کنند و اصلاً نمی‌دانند که خواننده حقی به گردن نویسنده کتاب دارد

محمد اسفندیاری متولد سال ۱۳۳۸، پس از پایان تحصیلات در تهران، روانه حوزه علمیه قم شد. همزمان با تحصیل و استفاده از محضر استادان مختلف، به تحقیق پرداخت و کتاب‌های متعددی نوشت. وی تخصص نخست خود را اسلام‌شناسی و تخصص دوم خویش را کتابشناسی می‌داند و آثارش نیز در این حوزه گواه ارزنده‌ای است. برخی از آثار وی عبارتند از: کتاب‌پژوهی، کتابشناسی، کتابشناسی تاریخی امام حسین (ع)، کتابشناسی توصیفی ذکر علی شریعی، فتنه پاریس، بعد اجتناعی اسلام، خود و جموده، راه خورشیدی و همه ما برادریم.



گفت و گو با دکتر حبیب لاجوردی

## تاریخ شفاهی ایران؛ زاویه دید هاروارد



در یک روز تابستانی وقتی که تصمیم گرفتم تا چند و چون پروژه تاریخ شفاهی در ایران را بشکافم در نظرم تنها حیب لاجوردی مهم و اثر گذار بود و وقتی که از او خواستم از تاریخ و سابقه زندگی‌اش بگویم در چند جمله خود را چنین تعریف کرد: «من از سال ۱۳۶۰ تاکنون رئیس طرح تاریخ شفاهی ایران در دانشگاه هاروارد هستم. متولد تهران و تحصیلات عالی خود را در دانشکده مهندسی دانشگاه پیل و مدرسه مدیریت پارگانگی دانشگاه هاروارد به پایان رساندم. در سال ۱۳۴۲ به ایران بازگشتم و فعالیت خود را در گروه صنعتی شهپر آغاز نمودم. در سال ۱۳۳۸ مسؤلیت تأسیس مرکز مطالعات مدیریت ایران را (که با همکاری دانشگاه هاروارد ایجاد شد) به عهده گرفتم و تا سال ۱۳۵۷ در آن مؤسسه تدریس کردم. در سال ۱۳۶۰ از دانشگاه آکسفورد به درجه دکتری تایل شدم و کتاب انجاده‌های کارگری و خودکامگی در ایران را به رشته تحریر درآوردم.»

**فراوان فقط**  
**یک نام است**  
 اکسیر و یفرمایید بنشینید صدملی عزیز!

**عبور از حقیقت**  
 مریم رشید دانا از سال‌های پیش در عرصه ادبیات فعالیت می‌کند. او علاوه بر داستان‌نویسی دستی هم در ترجمه دارد اولین مجموعه داستان او شامل ۱۸ داستان مختلف است.



**کتاب‌ها**  
**و سینمای**  
**معمایی**

**کارگاه**  
**توصیف**  
**در داستان کوتاه**  
 فتح‌الله‌بی‌میزان



**اندز احوالات**  
**کتاب‌های**  
**طالع بینی**  
 شوخین تکانی،  
 گل‌ششامی ارشدنهن

**علوم غریبه و پرسش‌های بی‌پاسخ**  
 کتاب‌هایی با عنوان کامل «علوم غریبه» از جمله کتاب‌هایی هستند که سابقاً به سخن‌یاقت می‌شدند. کتاب‌هایی با موضوع‌های مربوط به سحر و جادو، چین و رمل و استرلاب و... این روزها در خیابان انقلاب و ناصرخسرو به راحتی می‌توان بسیاری از این کتاب‌ها را پیدا کرد و با قیمتی بسیار پایین خرید.

**یادداشت**  
**با کتاب، مرا**  
**جهان آشنا کن**  
**عزیز**  
 سید کاظم حافظیان رضوی



## انتشار علمی و فرهنگی

**تاریخ هنر**  
**پژوهشی در هنرهای تجسمی از سده‌دهم تا عصر حاضر - قیمت قطع رحلی کالینگور: ۱۸۰۰۰۰ ریال**

**نویسنده: دکتر جنسن**  
**عترچم: یوزبیز هوزبان**

مراکز توزیع انحصاری: شرکت انتشار کتاب، گستر - تلفن: ۰۲۱-۸۳۳۰۰۰۰۰ - ۰۲۱-۸۳۳۰۰۰۰۰  
 مراکز فروش: خورشیدگستر، ۱۰، خیابان تقی‌میرزا، تهران - تلفن: ۰۲۱-۸۳۳۰۰۰۰۰  
 فروشگاه‌های: ۹، بهبهان‌تکلا، جاده خوارق، آذر، تلفن: ۰۲۱-۸۳۳۰۰۰۰۰  
 دانشگاه دانشی کتاب گستر، خیابان آریا، چهارم تهران، تلفن: ۰۲۱-۸۳۳۰۰۰۰۰  
 تهیه کتاب: فروشگاه‌های معتبر سراسر کشور



دژ تاریخی

احمد مسجدجامعی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در رأس یک مباد فرهنگی و علمی برای انجام یک دیدار رسمی گروه وارد تاجیکستان شد. به گزارش روابط عمومی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مسجدجامعی و هیأت همراه در فرودگاه شهر دوشنبه، از سوی اکرام‌الله عالم ا.ف، مدیران تاجیک خود و جمعی از شخصیت‌های علمی و فرهنگی مورد استقبال قرار گرفت.

**در جمع خبرنگاران**

احمد مسجدجامعی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در بدو ورود در جمع خبرنگاران گفت: ایران به گسترش همکاری‌های فرهنگی با جمهوری تاجیکستان علاقه‌مند است.

وی افزود: هیأت ایرانی در این سفر با مقام‌های تاجیک در حوزه‌های فرهنگ، هنر و میراث فرهنگی تبادل نظر خواهد کرد.

وی گفت: مقدمات پیوستن تاجیکستان به استاندارد بین‌المللی کتاب فراهم شده است و امپدواریم در این سفر برای افرادی کردن این طرح اقدام مؤثر صورت گیرد.

وی افزود: در سفر اخیر وزیر فرهنگ تاجیکستان به تهران سلسله مباحث برای توسعه همکاری‌های فرهنگی بین دو کشور مطرح شد که فراتر است در این سفر این مباحث به صورت کارشناسی پیگیری خواهد شد.

**اهدای معادله‌های فرهنگی**

محجین در این سفر جمهوری اسلامی ایران و جمهوری تاجیکستان تقاضای اهدای همکاری فرهنگی امضا کردند.

این یادداشت تقاضای بن احمد مسجدجامعی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و اکرام‌الله عالم‌اوزیر فرهنگ تاجیکستان در شهر دوشنبه، پایتخت این کشور، به امضا رسید.

براساس این سند دو کشور در زمینه مبادله هیأت‌های فرهنگی هنری و تیز تبادل تجربه در بخش فیلم‌سازی، اسلاید، هنر نمایش و موسیقی همکاری خود را گسترش می‌دهند.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران و وزیر فرهنگ تاجیکستان پیش از امضای این سند در نشست مشترک، همکاری‌های فرهنگی بین دو کشور فارسی‌زبان ایران و تاجیکستان را بررسی کردند. مسجدجامعی در این نشست به مصادی تاجیک خود پیشنهاد کرد، برای گسترش همکاری‌ها، مرکز مطالعات و تحقیقات زبان و ادبیات فارسی با همکاری دو کشور تأسیس شود. وی گفت: با تأسیس این مرکز می‌توان با بهره‌گیری مطلوب از آرایشات و آثار پژوهشگران و دانشمندان دو کشور، در خصوص معرفی زبان و ادبیات فارسی در سطح جهانی و بین‌المللی اقدام کرد.

مسجدجامعی افزود: ایجاد این مرکز همچنین به احیای

نسخ خطی و قدیمی موجود در کتابخانه‌های دو کشور و نیز معرفی شخصیت‌های فرهنگی و ادبی ایرانی و تاجیک کمک خواهد کرد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در ادامه اظهار داشت: در راستای این همکاری‌ها ما آماده‌ایم هر سال یک نمایشگاه کتاب در تاجیکستان برپا و همچنین نسبت به چاپ آثار ادبی نویسندگان تاجیک در ایران اقدام کنیم.

احمد مسجدجامعی که برای شرکت در جشن‌های استقلال تاجیکستان به این کشور سفر کرده است، در ادامه این سفر با مقام‌های رحمت‌افزین جمهوری این کشور دیدار کرد.

**دیدار با رئیس‌جمهوری تاجیکستان و ابلاغ پیام تبریک خاتمی**

براساس این گزارش، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در جریان سفر به تاجیکستان با رئیس‌جمهوری تاجیکستان نیز دیدار کرد.

احمد مسجدجامعی او با مقام‌های رحمت‌افزین در این دیدار درباره راههای گسترش همکاری دو کشور در زمینه‌های گوناگون، گفت‌وگو و تبادل نظر کردند.

رئیس‌جمهوری تاجیکستان در این دیدار گفت: زمینه گسترش روابط و مناسبات دو کشور کاملاً آماده و مهیاست و ما آمادهٔ گسترش همکاری‌های خود با کشور دوست، جمهوری اسلامی ایران در زمینه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی هستیم.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در پایان این دیدار به خبرنگاران گفت: در دیدار با رئیس‌جمهوری تاجیکستان مسائل متعددی در خصوص گسترش روابط دو کشور در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مطرح شد.

افزود وی: خوشبختانه هم اکنون زمینه همکاری مشترک ایران و تاجیکستان کاملاً مهیاست و هیچ مشکلی بر

سراه گسترش روابط وجود ندارد.

وی گفت: مردم ایران و تاجیکستان دارای تاریخ تمدن، فرهنگ و زبان مشترک هستند و این مشترکات فرهنگی زمینه همکاری‌های گسترده‌تر در زمینه‌های گوناگون را فراهم می‌کند.

وی افزود: ایران و تاجیکستان در واقع مرزهای تاریک فرهنگ هستند و ما امپدواریم با بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در آینده شاهد تعمیق روابط دو ملت ایران و تاجیکستان باشیم.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین در این دیدار پیام تبریک رئیس‌جمهوری اسلامی ایران به مناسبت آغاز جشن استقلال این کشور را به مردم و دولت تاجیکستان ابلاغ کرد.

در بخشی از این پیام که از سوی احمد مسجدجامعی، رئیس‌جمهوری این کشور ابلاغ شده، آمده است: مؤلفه‌هایی که ملت ایران و تاجیکستان را به هم پیوند می‌دهد، بر پایهٔ پیوندهای دیرینه فرهنگی تاریخی و ادبی شکل گرفته است.

سیدمحمد خاتمی در پیام خود خطاب به رحمت‌افزین تأکید

کرده است که رویدادهای شگفت و بینگنر در گذار زمان توانسته است از ادای طبی، استقلال، خواهی، معنویت و معارف پروری ما را تحت شمع قرار دهد.

در بخش دیگری از این پیام آمده است: بسط مناسبات فرهنگی، اقتصادی و روابط گسترده سیاسی دو کشور نشان‌دهنده آینده امیدبخشی است که ریشه در میراث معنوی و فرهنگی مشترک دارد.

**آیین کشایش بزرگداشت تاصرخسرو**
محجین وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: حکیم تاصرخسرو از چهره‌هایی است که از او می‌توان اهل راژ نامید و او بی‌تردید راز جاودانگی لفظ در وی و تاریخ فارس زبان است.

احمد مسجدجامعی در آیین کشایش بزرگداشت هزاره تاصرخسرو در شهر دوشنبه، پایتخت تاجیکستان افزود: این شخصیت برجسته علمی جایگاه ویژه‌ای در جهان بیوه در بین فارس‌زبانان و فارسی‌اندیشان دارد.

وی گفت: در آثار تاصرخسرو قدر و عظمت علم و دانش پیش از نظر بسیاری از بزرگان، شاعران و دانشمندان مشاهده می‌شود.

مسجدجامعی افزود: دعوت به خرد و خرمندی، داد و آیین مقداری در آثار این شاعر بلندآوازه پارسی‌گوی موح می‌باشد.

وی گفت: تاصرخسرو دانشمند بزرگی بود که در عصر خویش این ابتکار را به خرج داد که زبان فارسی را به زبان علوم باج دنیا تبدیل کند و این خلاصت‌گویی‌های میننده در تاریخ، جواهرانه خواهد ماند.

مسجدجامعی افزود: امروز واقعیت این است که ملت ایران و تاجیک و پیش از همه لایقش و زبان فارسی به عنوان یک درخت توپند هزارساله در بین فرهنگ و تمدن جهان مطرح است و این مایه افتخار ماست.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین گفت: پرداختن به میراث درخشان نیاکان برای ما بسیار ضروری است و هیچگاه نباید از آن غافل باشیم و از این رو بزرگداشت هزاره تاصرخسرو در تاجیکستان را باید به فال نیک گرفت.

وی گفت: ما نیز خود را در برگزاری این آیین مهیام می‌دانیم و حضور جمعی از پژوهشگران ایرانی در این آیین بیانگر این واقعیت است که تاصرخسرو تنها متعلق به ملت ایران و تاجیکستان بلکه متعلق به تمام فارسی‌زبانان جهان است.

مسجدجامعی افزود: در ادامه این حرکت آیین دیگری برای پاسداری زبان فارسی لفظ در وی، سال آینده در ایران برگزار خواهد شد و از تمام پژوهشگران از جمله محققان تاجیک برای شرکت در این مباحث دعوت می‌کنیم.
در ادامهٔ آیین کشایش، هیأت بزرگداشت هزاره حکیم تاصرخسرو، معاون نخست‌وزیر تاجیکستان، بزرگوازی می‌باشی، به عنوان خاتمه‌ی مهر در تاریخ این کشور، یاد کرده و از برگزار کنندگان آن قدردانی کرد.

دکین حرف آوا گفت: حرکت فعال پژوهشگران و

## گزارش دیدارهای مسجد جامعی در تاجیکستان

ادبیست‌سال کنوهای مختلف در این کشور با یکدیگر جایگاه برجسته حکیم تاصرخسرو در بین فارسی‌زبانان جهان است. وی گفت: امپدواریم برگزاری کنگر و بزرگداشت هزاره

تاصرخسرو به گسترش روابط و همکاری فرهنگی تمام کشورهای فارسی‌زبان و نیز ادبیست‌سال زبان فارسی منجر شود.

کنگره بزرگداشت هزاره تاصرخسرو شاعر قرن چهارم هجری، به مدت دو روز در فرهنگستان علوم تاجیکستان برگزار شد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: ملت ایران و

تاجیکستان مرزهای تاریک فرهنگ و تمدن یک آیین هستند.

احمد مسجدجامعی هنگام بازدید از کتابخانه فردوسی تاجیکستان در گفت‌وگو با خبرنگاران این افزود: نخلی این یگانگی پیش از همه در حوزه فرهنگ متکب نمایان است.

وی گفت: امپدواریم با راه‌اندازی و فعال‌تر کردن حوزه جدیدی در بخش ایران‌شناسی، ظرفیت‌های نوینی در اختیار علاقه‌مندان و پژوهشگران دو کشور قرار گیرد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی افزود: کتابخانه ملی فردوسی شهر دوشنبه، آثار علمی، متنوع و گران‌بهای را در خود جای داده است و ما می‌تسیم برای افزایش فضای فرهنگی دو کشور در بخش فرهنگ متکب، از آن بهره بگیریم.

مسجدجامعی همچنین گفت: بودعشت‌های فرهنگی بسیار و ریشه‌های تاریخی بین ایرانیان و تاجیکان زمینه‌های خوبی را برای گسترش همکاری‌های فرهنگی دو کشور فراهم ساخته است و باید از این فرصت به نحو احسن استفاده کرد.

افزود: جمهوری اسلامی ایران و تاجیکستان در زمینه میراث فرهنگی نوینی تولد همکاری گسترده داشته باشند و در این زمینه ما آماده برگزاری دوره‌های آموزش

برای کارشناسان تاجیک هستیم.
وی گفت: تاجیکستان آثار هنری بسیاری از نیاکان ما را در خود جای داده است، به همین دلیل گسترش همکاری‌های دو کشور در بخش میراث فرهنگی برای ما بسیار اهمیت دارد.

کتابخانه فردوسی شهر دوشنبه با داشتن سه و نیم میلیون سند کتاب، آموختن محققان، دانشمندان تاجیکستان است.

**دیدار با هنرمندان نویسندگان**

ایران و تاجیکستان دارای مشترکات فرهنگی بسیاری هستند و ما امروز به عنوان هم‌زبانان عرصه فرهنگ باید از تقابلی معنویت و ادب خود دفاع کنیم.

احمد مسجدجامعی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در دیدار جمعی از نویسندگان، هنرمندان و فرهیختگان تاجیکستان با بیان مطلب بالا، افزود: جهان فرهنگی ما دارای ریشه‌های استواری است که می‌تواند به شجره ارزشمندی در جهان امروز تبدیل شود.

وی گفت: ما برای کسب موفقیت در جهان باید آثار گرانبهای گذشتگان از جمله آثار تاصرخسرو و فردوسی را در کتاب‌های جدید به جهان‌آباد ارائه کنیم.
وی افزود: ما در گذشته در شکل‌گیری فرهنگ جهان نقش برجسته داشته‌ایم و باید در آینده نیز با افتداز این نقش را ایفا کنیم و بی‌تردید در این راستا هنرمدان و نقیقه‌سکینی به عهده دارند.

مسجدجامعی گفت ایران و تاجیکستان دارای ریشه عمیق تاریخی و نمادهای فرهنگی بسیاری هستند و همین مؤلفه‌ها، ما را در کنار هم و در مجموعه واحد قرار داده است. وی افزود: ارتباط عمیق فرهنگی بین ایرانیان و تاجیکان، بیانگر این واقعیت است که ایران و تاجیکستان در واقع یک روح در دو بدن هستند.

وی گفت: امروز خوشبختانه زمینه همکاری فرهنگی بین دو کشور به طور کامل مهیاست و ما آماده گسترش روابط فرهنگی با تاجیکستان هستیم.

در ادامه نشست هنرمندان، نویسندگان و فرهیختگان تاجیک، وزیر فرهنگ تاجیکستان گفت: ایران در زمینه فرهنگی در سال‌های اخیر شرفقت چشمگیری داشته و ما نیازمند استفاده از تجربه ایران هستیم.

اکرام‌الله عالم‌اوزیر، افزود: در هفته جاری یک سند همکاری فرهنگی بین دو کشور امضا شد و چهارچوب این سند، همکاری خود را با جمهوری اسلامی ایران گسترش خواهیم داد. در پایان این نشست که از سوی رئیس فرهنگی ایران در تاجیکستان برگزار شد، جمعی از نویسندگان تاجیک خواستار ایجاد کتابخانه و فرهنگسگاهی عرضه محصولات فرهنگی ایران در تاجیکستان شدند.

پژوهش‌ها

منتشر شد

پژوهش‌ها و...  
فرهنگ اندیشه

**قابل توجه ناشران**

«خانه کتاب» در نظر دارد، در سال جاری نسخه هفتم کتاب **ولوح فشرده «اهنمای ناشران ایران»** را منتشر کند. لذا از تمام ناشرانی که در سال **۱۳۸۱** کتاب منتشر کرده‌اند، درخواست می‌شود برای تکمیل و یا اصلاح اطلاعات خود حداکثر تا **پایان شهریور ۱۳۸۲** در ساعات اداری به **جایزچشمبند**‌ها، به نشانی: **تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین فلسطین و صیای جنوبی، شماره ۱۱۷۸، طبقه اول، واحد اطلاع‌رسانی مراجعه کنند و** یا با شماره تلفن **۶۴۱۵۶۰۹ تماس بگیرند.**

**روابط عمومی خانه کتاب**

تذکره شماره ۱۳۷، شنبه ۲۲ شهریور ۱۳۸۲

## نمایشگاه بزرگ کتاب ولایت

واحد کتابخانه فرهنگسرای خانواده به مناسبت فرارسیدن میلاد باسعادت حضرت علی(ع) و هفته ولایت نمایشگاه بزرگ کتاب را از تاریخ ۲۲ تا ۲۸ شهریورماه برگزار می‌کند.

به گزارش روابط عمومی این فرهنگسرا، در نمایشگاه کتاب مذکور که با عنوان «ولایت» برگزار می‌شود، بیش از ۳۰۰۰ عنوان کتاب در موضوعات مختلف به نمایش درمی‌آید.علاقه‌مندان می‌توانند به فرهنگسرای خانواده واقع در پارک، میدان هلال اخمر، خیابان گلستان مراجعه کرده یا جهت کسب اطلاعات، بیشتر با شماره تلفن ۷۸۱۳۳۷۷ تماس بگیرند.

### کنگره سراسری شعر «پدر» در بروجرد

کنگره سراسری شعر پدر همزمان با ولادت حضرت علی(ع)در شهر بروجرد برگزار شد. در این کنگره یک روز، جمع کثیری از شاعران ونویسندگان کشور که برای مقام پدر و گرامیداشت ولادت مولای متفیان گردهم آمده بودند، آثار خود را قرائت کردند.این برنامه از سوی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی لرستان برگزار شد.

### سومین نشست سیری در ادبیات ملل

فرهنگسرای ملل (امریکیر) سومین جلسه از سلسله برنامه‌های «سیری در ادبیات ملل» را با موضوع بررسی ادبیات اسپانیا و امریکای لاتین با حضور «سعدآذین مؤلف، مترجم و استاد دانشگاه بزرگاز کرد.

به گزارش روابط عمومی فرهنگسرای ملل (امریکیر)سعدآذین در این نشست از سرزمین اسپانیا به عنوان سرزمین عشق، محبت و شعر یاد کرده که در مقابل دیگر کشورهای اروپایی از شعرهای بهتر، توانمندی تر و هنری تر برخوردار است.

وی سال ۱۳۹۴ آثار ادبیات اسپانیا و زمان رشد و شکوفایی آن، یعنی قرن طلایی، را در ورود وزن عروضی، مفاهیبه و تقیید در شعر دانست.سعدآذین اسپانیا را مهد امریکای لاتین دانست و در مقایسه ادبیات اسپانیا و امریکای لاتین، ادبیات داستانی امریکای لاتین را بهتر و قوی‌تر از ادبیات داستانی اسپانیا ذکر کرد.لازم به ذکر است چهارمین جلسه سیری در ادبیات ملل با حضور مدتیا کاشیگر و روز ۲۲ شهریورماه به بررسی ادبیات فرانسه می‌پردازد.

## خبر

## سالانه ۱۷ میلیون جلد کتاب

### در قم منتشرش می‌شود

سالانه ۱۷ میلیون جلد کتاب در استان قم منتشر می‌شود.
کل فرهنگ و ارشاد اسلامی قم با اعلام این مطلب به غیرتک کتاب هفته گفت:استان قم با انتشار بیش از ۹۰هزار کتاب‌ها و منابع پژوهشی حوزه دین مقام اول راظر انتشار کتاب‌های دینی در سطح کشور دارد.

وی افزود:قم از جمله استان‌هایی است که برای نشر کتاب مجوز صادر می‌کند که میانگین کتاب‌های منتشرشده در هر سال ۳۰۰۰ عنوان در قالب ۱۷ میلیون جلد است و فقط ۲ فصل آن در موضوعات عمومی قرار دارد.
احمدی با اشاره به اینکه سالانه ۱میلیون جلد قرآن در قم منتشر می‌شود،اشاره کرد:استان قم دومین استان در حوزه نشر و چاپ کشور می‌باشد که دارای ۵۵۰ مؤسسه انتشاراتی، ۱۰۰ چاپخانه و ۱۷۰ لیتوگرافی و صفحه‌آرایی است.گفتنی است روزانه بین ۱۰ تا ۱۵ عنوان کتاب در شمارگان شعاری نسخه برای هر عنوان در استان قم منتشر می‌شود و این استان بعد از تهران بیشترین تعداد ناشران را داراست.

## مراسم اهدای جایزه بنیاد افشار برگزار نمی‌شود

مراسم اهدای سه دوره جایزه بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار برگزار نمی‌شود.
ایرج رضایی مدیر عامل این مطلب به خبرنگار کتاب هفته گفت: «قرار بود طی مراسمی سه دوره جایزه بنیاد به خانواده مرحوم دکتر عبدالحسین زرین کوب، مرحوم فریدون مشیری وپروفسور کوزرینانگی دانشمند زاپنی اهدا شود اما به علت عدم حضور استاد زاپنی برنامه برگزار نمی‌شود».
وی افزود:پروفسور کوزرینانگی استاد بازنشسته دانشگاه تکیو اطلاع دادند که به علت بیماری متأسفانه قادر به حضور در مراسم نیستند ما هم تصمیم گرفتیم جایزه ایشان را به وسیله دکتر رجب‌زاده استاد ایرانی دانشگاه اوزاکی زاپن به دستشان برسانیم.»

رضایی ادامه داد: «جایزه مرحوم زرین کوب و مرحوم مشیری نیز به خانواده‌هایشان تقدیم خواهد شد.»
وی گفت: اما در نامه‌ای موضوع لغو برنامه و ارسال جوایز را به وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی هم اطلاع داده‌ایم، گفتنی است بنا بر وصیت دکتر محمود افشار، هر سال از محل درآمد بنیاد موقوفات دکتر افشار جایزه‌ای به یک ایرانی‌شناس برجسته یا کسی که در تعلیم زبان فارسی تلاش می‌کند، اعم از ایرانی یا خارجی اهدا می‌شود. این جایزه در دوره‌های قبل و از سال ۱۳۶۸ به افرادی چون پروفسور نذیر احمد (استاد دانشگاه علیگر هندوستان) دکتر علام‌حسین یوسفی (استاد دانشگاه فردوسی مشهد)، دکتر عبدالحمید بدوی (دانشمند مصری و متخصص ادبیات فارسی) دکتر محمد دبیر سیاقی (پژوهشگر ادبیات و استاد دانشگاه) دکتر ظهورالدین احمد (استاد دانشگاه پنجاب لاهور)، جان هون نین (دانشمند چینی) دکتر کمال عبی (ایرانشناس تاجیک) و… تعلق گرفته بود.

**اعضای کمیسیون فرهنگی با اشاره به برنامه سوم وچهارم توسعه مطرح کردند:**

## دولت به فرهنگ عنایت بیشتری داشته باشد

اکرم مصورمنش، عضو کمیسیون فرهنگی مجلس می‌گوید:تغییر وضعیت فرهنگی کشور نیاز به برنامه‌ریزی‌های بنیادین داشته و سیاست‌گذاری‌های کلان دولت را می‌طلبد.
وی گفت: در شرایط حاضر فعالیت‌های ابتکاری، زبانی‌ها و انگیزه‌ها از بین رفته و هیچ تحولی در عرصه فرهنگ ایجاد نمی‌شود.

عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی در ادامه با اشاره به فرهنگ بسیار غنی، کهن و ارزشمند ایران گفت: ما در سال‌های اخیر به دلیل مشکلات موجود و عدم هماهنگی‌های لازم بین دستگاه‌های فعال، همواره رگ‌وردا در این بخش شاهد بوده‌ایم. مصورمنش در مورد موضع کمیسیون فرهنگی مجلس و برنامه‌های آن برای تغییر در نگرش‌ها و وضعیت فعلی فرهنگ کشور گفت: متأسفانه مجلس نمی‌تواند تولیدات‌ها را تغییر دهد و همین امر، مجلس را در بخش فرهنگ کشور، تا کارآمد کرده است.

عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: مجلس تا امروز نتوانسته به صورت مطلوب و شایسته‌مانجیری کرده و در جهت رشد و توسعه فرهنگ کشور مثبت عمل کند و این بخش را به جایگاه مطلوب برساند.

وی تصریح کرد:یا توجه به حساسیت و همچنین اهمیت موضوع، لازم است دولت به این مقوله عنایت بیشتری داشته و برنامه‌ریزی‌های منسجم، دقیق،

### اخبار کوتاه

- نشست مشترک کارشناسان ایرانی و پاکستانی در حوزه اسلام یاد با موضوع جایگاه زبان فارسی در پاکستان، پروژ ناشر این زبان در ادبیات اردو برگزار شد.
- نمایشگاهی با «ا هزار جلد کتاب در ۳۰ عنوان از سوی اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان ارسجان تا ۲۰ شهریور برگزار شد.
- فرحضور وزیر مسکن و شهرسازی بزرگترین مجتمع فرهنگی - هنری آذربایجان غربی در شهرستان خوی افتتاح شد.
- مراسم بزرگداشت دکتر حسایی پدر علم فیزیک و مهندسی نوین ایران با حضور جمعی از مسؤولان، شاعران، نویسندگان و استادان دانشگاه‌های کشور در جوار آرامگاه وی در تبریز برگزار شد.
- بیت‌الله سیاحسین بدلا در سن ۹۸ سالگی درگذشت.
- مباحث سراسری بزرگداشت سعیدی در الیگودرز برگزار شد.
- بخت‌شناسی آثار جلال آل احمد، در نشست هفتگی خانه دانسان در فرهنگسرای باتو برگزار شد.
- خانه فرهنگ معرفت در راستای فعالیت‌های فرهنگی عمود و با هدف پرورش استعدادهای کودکان و نوجوان در زمینه شعر و داستان‌نویسی اقدام به برگزاری کارگاه شعر وداستان با حضور حمیدرضا شکارسی نموده است.



## جشن های امام علی(ع) در ۱۸ کتابخانه تهران

به مناسبت میلاد حضرت علی(ع) ۱۱۰برنامه فرهنگی، ادبی، هنری و ورزشی در غرب تهران اجرا شد. جشن مولود کعبه با همکاری و مشارکت ۱۸ کتابخانه، ۹ فرهنگسرا، ۲۲ خانه فرهنگ سازمانی، ۱۶ خانه فرهنگ مشارکتی، ۱۶ مسجد و ۶ مدرسه و کانون اصلاح و تربیت برگزار شد.

برگزاری مسابقات مختلف قرآنی، ادبی، مقاله‌نویسی، خوشنویسی و نقاشی با موضوع‌های مرتبط با میلاد حضرت علی(ع) از جمله برنامه‌های این جشن‌ها بود. مراسم شعرخوانی، مسابقات حضور، مولودی خوانی و تواضع از دیگر برنامه‌های مربوط به جشن‌های حضرت علی(ع) بود.

## طی نامه ای به وزیرفرهنگ و ارشاد اسلامی انجمن قلم ایران خواستار حمایت از نصرالله مردانی شد

انجمن قلم ایران با ارسال نامه‌ای به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی خواستار حمایت از نصرالله مردانی شد.

به گزارش خبرنگار ایرج مهر،راضیه تجار دبیر انجمن قلم ایران در نامه‌ای که خطاب به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نوشته است، از وی برای همراهی با خانواده این شاعر معاصر جلب استمداد کرده است.

در بخشی از این نامه آمده است: «در این لحظات حساس که متأسفانه قانون زندگی در نصرالله مردانی شاعر متعهد و معاصر رو به خاموشی است، استدعا می‌رود از معاونان و رأ دریابان».

گفتنی است این شاعر، به عارضه سرطان معده دچار شده و در بیمارستان بانک ملی تهران بستری است.

### اولین نشست مرکز نشر میراث مکتوب

اولین نشست در مرکز نشر میراث مکتوب با عنوان «راهگشایی برای عرضه بهتر متون» برگزار شد.

در این نشست ایرج افشار درباره شیوه مقدمه‌نویسی و استفاده از نسخ در تصحیح متون و ضرورت معرفی نسخه‌ها و روش تصحیح، سخنانی ایراد کرد. وی همچنین به بحث درباره ضرورت فهرست‌های پایانی کتاب پرداخت و گفت: «این بخش به منزله کلیدی برای راهمایی به محتوای متون محسوب می‌شود».

کامران قانی نیز ضمن بیان تاریخچه‌ای از تصحیح متون در فرنگ و نخستین مستشرقانی که به این کار پرداختند، درباره استخراج فهرست‌ها،دقت در ضبط شماره صفحات و انواع و فهرست‌های ضروری بر اساس مطالب و محتوای متون به مواردی اشاره کرد.

گفتنی است دومین نشست با عنوان «استفاده از متون در مباحث زبان‌شناسی» با حضور دکتر علی‌اشرف صادقی در روز سه شنبه ۲۵ شهریورماه در مرکز نشر میراث مکتوب برگزار می‌شود.

**تلفن: ۰۲۱-۸۳۷۷۷۷۷۷**
**شنبه ۲۲ شهریور ۱۳۹۳**



## یاد

## هادی غربایی در گذشت

**هادی غربایی** متولد ۱۳۳۴ در شهرستان لنگرود و دانش آموخته رشته حقوق سیاسی دانشگاه تهران است. پیش از انعام تحصیلات، مستگیر و همراه سایر مبارزان علیه رژیم سلفستی به ده سال حبس محکوم شد. در سال ۱۳۵۷ در جریان مبارزات مسلح ایران همراه زندانیان سیاسی دیگر از زندان آزاد شد.

پس از زندان آزاد شد، ۱۳۵۸ همکاری خود را با سازمان ویرایش و تولیددانشگاه آزادایران در سمت ویراستار آغاز کرد و از کلاس های درس تخصصی استاد سیمین گلایلی و دیگر استادان آن

مرکزبرخورد شد. ضمن آن تحصیلات خود را در رشته حقوق سیاسی به پایان رساند و مدرک لیسانس دریافت کرد. در سال ۱۳۷۱ به مدیریت نشرات پیام پوسنکو منصوب شد. تا سال ۱۳۹۹ قاضی دادست. از سال ۱۳۹۹ با

ایرانیاد و از سال ۱۳۷۰ در مرکز نشرات پوسنکو همراه گروه همکاری او با سازمان ویرایش و تولید - که مدتی حرم دانشگاه علامه طباطبائی بود. در پی مرگ نشر دانشگاهی و دفتر پژوهش های علمی و فرهنگی (مرکز نشرات) رابامرکز یادالمعرف ایران بنا نهاده بود. همچنین با هادنامه طبیعت و منابع نیز همکاری می کرد. تقریباً تا این سال ها مقالات متعدد و متنوعی در زمینه های علمی و فرهنگی ترجمه، ویرایش و تألیف کرد. وی این مقالات بدون نام یا با نام مستعار انتشار می داد و نهاد تعداد کمی از آنها به نام خود اوست. معرفی تیرین ترجمه اش که از نام او با همکاری یکی در ون دیگر منتشر شد، در هنگام قلم‌های سیمنا نوشته معروف روز سادل در دو جلد است و سرگذشت دولورس ایابوروی و سران و سلاطین (مشترک) از کارهای قدیمی تر اوست. از ویرایش های اخیر وی می توان به دیدگاههای دربارهٔ واکر کرکوتسکی اجتماعی اشاره کرد. دو سه جمله کتابتیکوگرا نیز همدغه غیر نامآزاد چاپ است. هادی غربایی آشنایی بودمکنی آژانه فرقی. و می‌آورد با تلف سیمی از دوست و آشنا و همه سن و سال پادش گرمی.

**م. غربایی** گفتنی است هادی غربایی ساعت هشت عصر روز جمعه، چهاردهم شهریور ماه بر اثر حادته زاندهگی (حکامی که ازشت به فرورین در حال مسافرت بود) جان باخت.

**منوچهر جراح زاده نویسنده، شاعر و طنزپرداز کشور دار فانی را وداع گفت**
منوچهر جراح زاده روزنامه‌نگار، داستان‌نویس، شاعر و طنزپرداز معاصر، در روزهای شنبه ۲۲ شهریورماه ۱۳۹۲ در تهران برای همیشه با زندگی خدود گفت.
جراح زاده متولد ۱۳۳۲ در بندر انزلی و کارمندباشته بانک در ۱۳۴۸ به دلیل کالیفتی در رشته شغلی خود، به عنوان بارزنشته نونه سال در نظام بانکی کشور انتخاب شد و مورد قضاوت قرار گرفت.
جراح زاده، عمده فعالیت‌های ادبی خود را پس از پیروی از انقلاب انجام داد و در این مدت، همکاری گسترده‌ای با مطبوعات داشت.

وی آثار طنز آمیز مطبوعاتی خود را با نام‌های مستعار، همچون قلندر، دریا، هریدیل، اثری جیب، میم جیب و غیره به چاپ می‌رساند. آثار آن دهه نمانگنور، دیوانه کتاب به نام‌های پوسه بر آتش، گیل آواز بر دیافه های خون، موج سازمان، زنده‌های می راز، خانه‌های شنی، یک آسمان پرواز، توفان در فنان، چکیده‌ها، خواب‌های قافلی، چلچله‌های جزیره، بابر و هیاهو منتشر شده و آثارش پیش از ۶۰قلم نقدی از ارگان‌ها و سازمان‌های مختلف را به خود اختصاص داده است. وی در پی احساس ناراحتی در دستگاه گزارش در سازمانی در تهران بستوی شد و پس از تیزوی داریو بیهوشی برای عمل جراحی، جان به جان آفرین تسلیم کرد.
یکبار آن مرحوم پس از تشییع، در قطعه هنرمندان بهشت (زهراش) به خاک سپرده شد.

تشنهٔ خیری به منظور معرفی اهداف و برنامه‌های شش ماهه دوم پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، در محل این پژوهشگاه و با حضور رئیس آن برگزار شد. به گزارش روابط عمومی این پژوهشگاه در این نشست محمد سجیمی - رئیس پژوهشگاه و سرپرست کتاب ماه گفت: به تشریح فعالیت‌های پژوهشگاه وروایت عنوان کرد. این پژوهشگاه باکترین معلومت پژوهش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شده است که از سه پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات تشکیل شده که هر کدام از آنها گروه‌های تخصصی را در خود جای داده و به فعالیت‌های پژوهشی اشتغال دارند. وی هدف پژوهشگاه را رهبری پژوهش‌های فرهنگی و هنری در کشور و تأمین نیازهای پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دانست و خاطر نشان ساخت: از زمانی که مدیریت پژوهشگاه را به عهده گرفته‌ام، چند هدف را مورد نظر داشته‌ام؛ اول اینکه فرهنگ احساس نیاز، در حوزه پژوهش فرهنگ و هنر را در فضای عمومی جامعه ایجاد کنیم و همه آحاد جامعه احساس کنند که مسائل و دغدغه‌های خود را با استفاده از پژوهش حل کرده و بهمند که حل هرگونه سیاستگذاری و برنامه‌ریزی در فرهنگ بدون در نظر گرفتن عامل پژوهش غیرعقلانی و نادرستی چیز دیگری نیست.

سجیمی افزود: اهداف دیگر پژوهشگاه ایجاد اطلاع‌رسانی وسیع در پژوهش‌های که در جای‌جای کشور صورت می‌گیرد است. ویکی دیگر از اهداف پژوهشگاه راه‌اندازی خانه پژوهش در سایر استان‌های کشور است. در این چند سال طرح‌های پژوهش و گروه‌هایی زیادی صورت گرفته بود که جای یک نگاه مدنی به نام خانه پژوهش خالی بود که به دست پژوهشگران آن شود و پژوهشگران زیر نظر خانه پژوهش، حوزه پژوهش فرهنگی را گسترش دهند. وی بهره‌گیری از ابزار نوین ارتباطات و اطلاعات را از اهداف دیگر پژوهشگاه دانست و اظهار داشت: در این راستا نظر شخصی تلقفی رایانه‌ای را طراحی کرده‌ام که نظرات جامعه را در خصوص مسائل مختلف فرهنگی جویا می‌شود. از این طریق، طرف چند ساعت در هر حوزه‌ای نظرات و افکار جامعه را سنجیده شده و صدایان فرهنگی بر طبق آن نظرات تصمیم‌هایی را اتخاذ می‌کنند. یکی دیگر از اهداف پژوهشگاه فرهنگ و هنر ارتباطات، انجام پروژه‌های مشارکتی در حوزه فرهنگ و هنر است که در این راستا سیاست‌های کلی قرار داده ایم که به سیاست‌های فرهنگی برداریم که بالای نیاز دستگاه‌های کشور و در مرحله بعدی، حل دغدغه‌های فرهنگی و معضلات آنها با استفاده از پژوهش‌های فرهنگی است.

رئیس جدید پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات در مورد فعالیت‌های انجام شده در زمینه هنر در سال گذشته عنوان کرد: یک پژوهشگاه هنر داریم که مسائل پژوهشی حوزه هنر را بررسی می‌کند که این پژوهشگاه فرهنگی دارد که مسائل را به صورت تخصصی بررسی می‌کند. رضا بهبهانی با معاون فائوری و اطلاعات این مجموعه نیز در ادامه در مورد بانک

## کتاب

## روی دک‌های جهان

**روی دک‌های جهان،** مهندی جندی‌نیا، تهران: روزنامه جام جم، ۱۳۸۱ (توزیع ۱۳۸۲)، ۱۳۶ صفحه

آشنایی بانشریه‌ها ونگاههای خبری جهان یکی از نخستین‌گام‌های هر پژوهشگر روزنامه‌نگار، سیاستمدار و سیاست‌تاست که در زمینه روزنویسی، افکار عمومی، روابط بین‌الملل و روابط فرهنگی فعالیت می‌کند.کتاب روی دک‌های جهان تلاشی در جهت آشنایی اولیه و ابتدایی با این نشریه‌ها و روزنه‌ای برای علاقه‌مندان و پژوهشگران برای تحقیق در این حوزه است.

## رسانه‌ها

## ادبیات داستانی

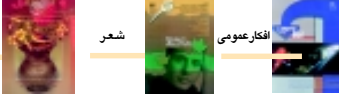
هفتاد و دومین ماهنامه ادبیات داستانی ویژه شهریور ماه منتشر شد.

به گزارش روابط عمومی انتشارات و مطبوعات سورمه ماهنامه ادبیات داستانی در این شماره ۱۷۷ رمان خواندنی به جراتان معرفی کرده است. سولوزئستین در پایان راه، داستان و تجربه مهاجرت (مقاله‌ای در مورد ادبیات مهاجرت)، میراث جلال آل احمد از نظر نویسندگان آقا جلال، گزری در میان خرمنه‌ها (مطلبی از خوانندگان در خصوص صادق هدایت)، عادات صلاح نوسنگی، تارون نوشتن (درباره زندگی و آثار کورنستانتین بوزیول کشور گوید نویسنده یونانی)، تعریف بست منوستیز، در ادبیات و عشق‌های آریه‌ده بلاراک، برنگیز از واقعیت‌ها از جبهه هنری، مدیر سوزلی حسن بنیابیان و زیر نظر شورای سرپریری (محمد رضا سرشار و احمد شاکری) منتشر می‌شود.

## نامه مشروطه

نامه مشروطه، خبرنگارمه کمیته پژوهشی (دانشگاه تهران) ستاد بزرگداشت کیهصدمین سالگرد انقلاب مشروطیت انتشار یافت. این خبرنگارمه به منظور اطلاع‌رسانی فعالیت‌های ستاد بزرگداشت کیهصدمین سالگرد انقلاب مشروطیت و آشنایی مخاطبان نشریه با مهمترین حوادث، شخصیت‌ها، نشریات و منابع و متون مشروطیت و دوام یک بار منتشر می‌شود.

## منتشر شد



## اهداف و برنامه‌های شش ماهه دوم پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

اهداف و برنامه‌های شش ماهه دوم پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات در محل این پژوهشگاه و با حضور رئیس آن برگزار شد. به گزارش روابط عمومی این پژوهشگاه در این نشست محمد سجیمی - رئیس پژوهشگاه و سرپرست کتاب ماه گفت: به تشریح فعالیت‌های پژوهشگاه وروایت عنوان کرد. این پژوهشگاه باکترین معلومت پژوهش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شده است که از سه پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات تشکیل شده که هر کدام از آنها گروه‌های تخصصی را در خود جای داده و به فعالیت‌های پژوهشی اشتغال دارند. وی هدف پژوهشگاه را رهبری پژوهش‌های فرهنگی و هنری در کشور و تأمین نیازهای پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دانست و خاطر نشان ساخت: از زمانی که مدیریت پژوهشگاه را به عهده گرفته‌ام، چند هدف را مورد نظر داشته‌ام؛ اول اینکه فرهنگ احساس نیاز، در حوزه پژوهش فرهنگ و هنر را در فضای عمومی جامعه ایجاد کنیم و همه آحاد جامعه احساس کنند که مسائل و دغدغه‌های خود را با استفاده از پژوهش حل کرده و بهمند که حل هرگونه سیاستگذاری و برنامه‌ریزی در فرهنگ بدون در نظر گرفتن عامل پژوهش غیرعقلانی و نادرستی چیز دیگری نیست.

سجیمی افزود: اهداف دیگر پژوهشگاه ایجاد اطلاع‌رسانی وسیع در پژوهش‌های که در جای‌جای کشور صورت می‌گیرد است. ویکی دیگر از اهداف پژوهشگاه راه‌اندازی خانه پژوهش در سایر استان‌های کشور است. در این چند سال طرح‌های پژوهش و گروه‌هایی زیادی صورت گرفته بود که جای یک نگاه مدنی به نام خانه پژوهش خالی بود که به دست پژوهشگران آن شود و پژوهشگران زیر نظر خانه پژوهش، حوزه پژوهش فرهنگی را گسترش دهند. وی بهره‌گیری از ابزار نوین ارتباطات و اطلاعات را از اهداف دیگر پژوهشگاه دانست و اظهار داشت: در این راستا نظر شخصی تلقفی رایانه‌ای را طراحی کرده‌ام که نظرات جامعه را در خصوص مسائل مختلف فرهنگی جویا می‌شود. از این طریق، طرف چند ساعت در هر حوزه‌ای نظرات و افکار جامعه را سنجیده شده و صدایان فرهنگی بر طبق آن نظرات تصمیم‌هایی را اتخاذ می‌کنند. یکی دیگر از اهداف پژوهشگاه فرهنگ و هنر ارتباطات، انجام پروژه‌های مشارکتی در حوزه فرهنگ و هنر است که در این راستا سیاست‌های کلی قرار داده ایم که به سیاست‌های فرهنگی برداریم که بالای نیاز دستگاه‌های کشور و در مرحله بعدی، حل دغدغه‌های فرهنگی و معضلات آنها با استفاده از پژوهش‌های فرهنگی است.

رئیس جدید پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات در مورد فعالیت‌های انجام شده در زمینه هنر در سال گذشته عنوان کرد: یک پژوهشگاه هنر داریم که مسائل پژوهشی حوزه هنر را بررسی می‌کند که این پژوهشگاه فرهنگی دارد که مسائل را به صورت تخصصی بررسی می‌کند. رضا بهبهانی با معاون فائوری و اطلاعات این مجموعه نیز در ادامه در مورد بانک

دانشگاه‌های دولتی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. اظهار داشت ماقبول داریم که باید فرهنگ احساس نیاز به پژوهش، در مسوئولان و مدیران به وجود بیاید. خیلی از دستگاه‌های اجرایی روی طرح‌ها، تحلیل‌های ثانویه کرده‌اند. ما باید بریم که پژوهش‌ها در حد مطولب نیست. رژی انفرادی‌باد بگیرند که مشکلات فرهنگی را بر حسب ذوق و سلیقه خود حل کنند. بلکه کمیته‌ی بررسی پژوهش‌های فرهنگی باشد.

موساسی در ادامه این بحث عنوان کرد: مهترین مسأله در بخش مطولب استانداردسازی پژوهش و تعریف استانداردهاست که با این کار اندازه‌زایدی جعلی‌شد پژوهش گرفته خواهد شد. البته در دانشگاه‌ها تعاریف استانداردها وجود دارد ولی آن‌ها کافی نیست باید دولت استاندارد را برای پژوهش تعریف کند.

سجیمی در پایان خاطرنشان ساخت: برنامه توسعه فرهنگی چهارم کشور در حال تدوین است. برای اینکه این برنامه غایب‌خود را پیدا کند و نیازهای واقعی جامعه را پوشش دهد، همایشی را همزمان با تدوین برنامه چهارم برگزار می‌کنیم تا نتایج صلحات در اختیار کمیته تخصصی فرهنگ قرار گرفته و نتیجه‌های روزی در برنامه‌های در ارائه خود قرار خواهد گرفت.

## کتاب

## ۱۶ کتاب آموزشی

۱۶ مجلد از مجموعه متن مرکز برنامه‌ریزی و

آموزش نیروی انسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

به همت انتشارات آن منتشر شد. عنوان کتاب‌ها و نام

پدیدآورندگان: ۱۶ مجلد یاد شده از این قرار است:

۱- آشنایی با مبکهای فلسفی در تعلیم و تربیت محمد

محمود زاده ادبیات (حسامی) ۲- فتح کشاورز: ارتباطات

جمعیت و روابط بین‌الملل امیر کیه‌قلمند سرنام‌ریزی

آموزشی (سپهریوش خلیلی شوریدی: تغییرات اجتماعی)

علم‌ایمگر کاروان‌سجی کارویدی و آزمون‌های روانی

کارویدی (هر شه‌اشملی زوزی: هوش انبختی در علم اجتماعی

و امور فرهنگی (سپهریوش خلیلی شوریدی: سیر تاریخ فرهنگ

و مدنیت اسلامی (محمد رضا خبری و شیوه‌های آموزش

ضمن خدمت (سپهریوش جیبی: حکامی قلم‌های بالادین

علی‌کامی در قلمرو مردم‌مستی و پیروگری (زرگر، گلرنگ و

صفحه‌ای) ۳- تکوان (فشار هم‌زمانی افق و پیوستگی

حسینی باکدیمی: مخاطب شناسی و انگار شناسی در

رسانه‌های جمعی (علی میرسعادت‌قاسمی و جلداسلمی)؛

مدیریت آموزشی (طیب شعبانی)؛ مرجع شناسی عمومی

(لیخ‌علی عری) ۴- بحث‌الله حسن (لاهیجی) ۵- پیشتر از این

مجموعه کتاب‌های آشنایی دارای آشنایی با مبای جاب و

نشر آشنایی با مردم‌فراهی کیه‌قلمندهای شیوه‌های دیگری

و مطالعه، فهرست نویسی، کام‌سازی و مرجع شناسی

فلسفی عری منتشر شده است.

## تسلیمت

سوزگار خاتمه سپیدمان دانشجو

درگذشت برادر ارگیمان و نامه و اندوه

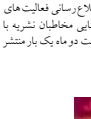
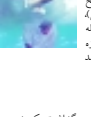
فراران گریه‌د

برای آن عزیز از دست رفته رحمت واسعه الهی

و برای جناب‌های صبر و سلالت از روزمندیم

تخریبیه خطاب فتنه

تخریبیه خطاب فتنه



## گلستان قرآن

## شعر

## انکار عمومی

## انکار عمومی



کتاب‌دانی

وحید رویین



روشنی

## نیاز به مطالعه بیشتر

می‌پردازد، یکی دیگر از دفعه‌ها و نگارنی‌های خود را به این‌طور بیان می‌کند. در غالب موضوعات و حوزه‌های مکتوب از این آثار ناطلوب هست. هم در حوزه هنر، هم در حوزه کودک و نوجوان و هم…

فصیح زاده می‌گوید: محتوای بعضی از کتاب‌ها هیچ تغییری در مخاطبان ایجاد نمی‌کنند، یعنی او را به درک و کشف و شهود نمی‌رسانند. این کتاب‌ها مخرب نیستند اما سودی هم به آدم نمی‌رسانند.

اما دسته دوم آثاری هستند که علیرغم اینکه



سودی را متوجه خواننده و مخاطب خود نمی‌کنند، به او زیان هم می‌رسانند و می‌توان این کتاب‌ها را به مواد غذایی فاسد تشبیه کرد که باعث مسمومیت در فکر آدم‌ها می‌شود.

این کتابفروش می‌افزاید: در خارج هم کتاب‌های بی ارزش و فاقد محتوا هست اما با جلدهای زرد و سبز و رنگ‌هایی که برای مخاطب، تعریف و پیش‌فرض دارد، از یکدیگر بخوبی تفکیک شده‌اند و هر کس هر کتابی را که دوست دارد، تهیه می‌کند و با آگاهی قبلی به سراغ کتاب می‌رود.

فصیح زاده می‌گوید: پیشنهاد می‌کنم که در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شورای به‌وجود بیاید که کتاب‌های بازاری و غیربازاری را دانشمندی و از یکدیگر متمایز سازد. این کار حتی قبل از انتشار کتاب نیز قابل انجام است.

«سراب» با پشتوانه فرهنگی و تاریخی‌اش، پرورش دهنده شخصیت‌های نامداری بوده و هست. با این توصیف، مردم آن از وضعیت کتاب و کتابخوانی در این شهر، رضایت چندانی ندارند. مه‌رانگیز روحانی که از دبیران باسابقه ادبیات در این شهر است و سال‌های متماد از عمرش را در خدمت به فرهنگ عمومی سپری کرده است، با بیان این مطلب به خبرنگار کتاب هفته، می‌گوید: متأسفانه کمتر کسانی پیدا می‌شوند که به فکر خواندن کتاب باشند و نسبت به این گنجینه عظیم بشری، توجه زیادی صورت نمی‌گیرد.

این دبیر ادبیات، با بیان اینکه مشکلات اجتماعی و دفعه‌های روزمرگی از آغاز پیدایش انسان تا امروز بوده است، می‌افزاید: چرا باید فکر کنیم که مردم به خاطر گرانی این کالا کتاب نمی‌خوانند، آیا در مقایسه با سایر کالاهایی که در بازار هست، کتاب از همه چیز ارزانتر نیست؟

روحانی می‌گوید: اگر به کتاب، اهمیت جدی بدهیم و در طول ساعات شنبه‌روژ خود، اوقاتی را که به کتاب اختصاص بدهیم، ممکن است زندگی‌مان به طور کلی دچار تغییرات مبارکی شود و حتی از نظر اقتصادی هم، به امتیازات بیشتری برسیم.

وی می‌افزاید: کمتر افرادی را می‌توان در جامعه امروز یافت که در زمینه شغلی که دارند، از اطلاعات کافی بهره‌مند باشند یا یک‌جینتی که انتظار می‌رود، در شغل خود ظاهر شوند. مثلاً اگر یک فروشنده لباس یا باورام خانگی، ادبیات برخورد با مشتری را بداند و درباره اجناسی که می‌خواهد بفروشد، اطلاعات خوبی داشته باشد، مسلماً ارتقای اقتصادی هم پیدا می‌کند. خوب، دستیابی به این اطلاعات، با خواندن کتاب‌هایی در حوزه‌های خاص، امکان‌پذیر است.

این دبیر ادبیات می‌گوید: متأسفانه آموزش و پرورش، سامتی را به خوان ساعت مطالعه، از راه سیستم آموزشی ایجاد نکرده، اما خود من، سعی می‌کنم در اداره کلاس شرایطی را به وجود بیاورم که دانش‌آموزان از کتاب‌هایی که خوانده‌اند یا می‌خوانند بخوانند، صحبت کنند.

وی می‌افزاید: در ایران متأسفانه باب نیست که مردم درباره کتاب با هم صحبت کنند؛ همان‌گونه که درباره مسائل مختلف اجتماعی و اقتصادی با هم به تبادل نظر می‌پردازند.

حسین فصیح‌زاده نیز از کتابفروشان باسابقه سرایی است. هر کتابی با هر موضوعی که فکرش را بکشد، در کتابفروشی او پیدا می‌شود.

فصیح‌زاده، جنونی است و با شروع جنگ به سراب آمده است. او زمان زیادی می‌خواند و علاقه خاصی به ادبیات فارسی دارد اما می‌گوید: علاقه شخصی من به کتاب‌های ادبی، دلیل نمی‌شود فقط کتاب‌هایی را تهیه‌کنم که به حوزه ادبیات ربط پیدا می‌کنند.

این کتابفروش تصریح می‌کند: جوانان و نوجوانان سرایی با به مطالعه کم‌علاقه می‌باشند و این باعث تأسف است. هر مقدار فکر می‌کنم، نمی‌دانم که آنها به چه نتیجه‌ای رسیده‌اند که دور کتابخوانی را قطع کنند! آند!

فصیح‌زاده با تأکید بر اینکه قیمت برخی کتاب‌ها تا اندازه‌ای بالاتر است که گاهی مخاطبان برای تهیه مورد علاقه خود، از بودجه و توان مالی لازم برخوردار نیستند، می‌گوید: امیدوارم دولت، پیش از پیش، در همکاری با ناشران و اختصاص قلم و رنگ و کاغذ با بهای مناسب به آنها تلاش کند، در این صورت ممکن است قیمت کتاب هم پایین‌تر بیاید.

فصیح‌زاده، کتابفروش شناخته شده‌ای که سال‌هاست در سراب به عرضه کالاهای فرهنگی

وی با تأکید بر اینکه تولید کارهای ارزش که با توجه اقتصادی ناشران خرعه می‌شود، بیشتر در حوزه کتاب‌های کودک و نوجوان اتفاق می‌افتد، می‌افزاید: نباید با رنگ و جلد شومیز و جذابیت‌های سطحی مخاطبان را فریب داد و فقط به فکر برگشت سریع سرمایه و تولید کار بازاری بعدی بود.

این کتابفروش می‌گوید: در این کتابفروشی واقعاً پارها خانواده‌های سرگردانی را از نزدیک دیدم که نمی‌دانند چه کتابی را برای فرزندان خود تهیه کنند. کتابی که مطلب داشته باشد، بازاری نباشد و اززان قیمت هم باشد!

این کتابفروش با اشاره از اینکه احادیوه کتابفروشان و ناشران در این شهر فعال نیستند، تصریح می‌کند: وقتی خود ما کتابفروشان او فکر برآورده ساختن مطابقت‌سنجی خودنمایش و جایگاه حرفه‌ای خود را جدی بگیریم، دیگر چگونگی می‌توانیم این انتظار را از مردم یا مسؤلان داشته باشیم؟

فصیح‌زاده در ترسیم کلی وضعیت فرهنگی سراب می‌گوید: البته تا همین چند سال قبل، رجوع مردم به کتابفروشی‌ها، کتابخانه‌ها و مراکز تولید و عرضه کتاب، بیشتر و چشمگیرتر بود. منظردم این است که نسل‌های قبل ارادت بیشتری به کتاب و کتابخوانی داشتند اما نسلی که تازه بهار عمر خود را تجربه می‌کند و از آن، انتظار افزایش اطلاعات عمومی و دانش می‌رود، در این زمینه واقعاً گوناخی می‌کند.

وی در پایان حرف‌های خود می‌گوید: به هیچ وجه نمی‌خواهم بگویم اگر جوانان و نوجوانان از من کتاب‌های بیشتری بخرند، وضع کتابخوانی اصلاح می‌شود. من شخصاً حاضریم به علاقه‌مندان یا قیمت و شرایط مناسبی کتاب اهدا بدهم. زیرا کسی که وارد حوزه فرهنگ می‌شود، قطعاً هدف ثروت‌اندوزی ندارد. اگر هم چنین انگیزه‌ای را بخواهد دنبال کند، از ساخته سخن نخواهد بود و این موضوع به نظر من ارزش است. نه بی‌خاستگی، زیرا نباید همه چیز را با معیارها و ملاک‌های مادی سنجید.



طریقه خرامان

### باور نکرده‌ا!

در سال‌های جوانی‌ام، کارگر یک چاپخانه قدیمی بودم. چیدن حروف‌سری در کنار یکدیگر و مهیا ساختن سفارشاتى که به چاپخانه می‌شد، در اوایل کار، مرا خیلی خسته می‌کرد، اما بعدها یک عادت لذیذبخش میل گشت و هیچگاه، خستگی آن سال‌ها را در وجودم احساس نمی‌کنم. در همان چاپخانه قدیمی که نقش سلیمان دراز عمر در دیوارش آشکار بود، از کتاب گریته تااطلمچه‌ها و نسخه‌های انمی همه‌ازیر حروف‌سری می‌پریدم. ولی امروز تعبیر و تحولات بسیار زیادی در عرصه چاپ و نشر به وجود آمده‌است. حروف‌ریز و سری‌های جدید شده‌اند آن سال‌ها ما کاغذ کاهی کجا کتاب‌های جدید کجا؟ نظرات این دو، واژه‌ها و فصله زمین تا آسمان است. با این همه، من هنوز برخی از آثار و کتابچه‌های قدیمی را در خانه‌ام نگاه داشته‌ام و با خاطراتشان، روزگار می‌گذرانم.

از میان کتاب‌های متنوع و رنگ‌به رنگی که در سال‌های اخیر منتشر می‌شود و در برگیرنده مطالب متنوعی نیز هست، می‌توان آثار خیلی خوبی را برای مطالعه انتخاب کرد. اما نسل من نمی‌تواند مانند نسل امروز که ادبیات متفاوتی با من نسل من دارد، با این آثار، خو بگیرد. دوست کتابفروشی در تهران دارم و چندنی پیش که با او دیداری تازه کردم، از کمبود خواننده کتاب و پایان بودن‌شان، کتاب، کتابخانه‌مدوبود. بارها یک‌بار خودم گفتم مگر خواندن یک کتاب در طول یک شبانه‌روزی بیشتر، چقدر از جوان امروز وقت می‌گیرد و چه مقدار انرژی او را صرف می‌کند که از این کار، حاصله گردد. می‌شود؟

پاره‌هم به یاد آوردم که هم‌راه با کتابخانه و گذار و گذر، کتاب می‌خواندیم، مشغولی و وهامه‌ها و وعظ می‌خواندیم، هزار و یکسک، باورن می‌زدیم و خلاصه در عالم کتاب و کلمات، قدم می‌زدیم اما هیچگاه احساس خستگی نمی‌کردیم. افراق نیست اگر بگویم که آنچه در آن دوران خوانده‌ام، امروز هم در برخی موارد، به‌کار می‌آید، حالا که به چاپخانه کاری می‌کنم و نه کاری به این کاردارم، فقط گاهی می‌نویسم و زمزمه می‌کنم.

### یادداشت

سیهان

سمیه-اصفهان

نورالله

سیمین

آرزو

مدیر کتابفروشی «آرزو»

### فقط سه گروه ، کتاب می خوانند!

اگر توقع داشته باشیم که آحاد افراد جامعه، کتاب بخوانند و در جریان امور محالی که به عینه می‌بینم این گروه از مخاطبان، به دنبال آثار خوب و مفهوم گزاه هستند، زیرا توانسته‌اند سطح آگاهی خود را افزایش دهند و قطعاً جاسز بیستند راهی را که تا نیمه طی کرده‌اند، مجدداً باز کرده‌اند. چنی وقتی کتاب‌های کینی را از نظر گذرانده‌اند، کتابت راضی می‌گردند که رویکرد دوباره‌ای به آثار سطحی و سطحف که در دهه‌های گذشته رایج بود، داشته باشند. از این سه دسته که بگذریم، متأسفانه خبری از دسته چهارم نیست، اگرچه برحی علائگی به کتاب را نهائناً گذرا می‌بینم و مطمئن هستم که جامعه فرهنگی ایران دوباره به سمت کتاب، بازخواهد گشت، اگران آن دسته که قدر و قیمت واقعی کتاب ندیده، انگاشته‌شود و نسبت به پشت عطفشان، معاقیم سکون در کتاب است، از این گنجینه عظیم و معالی فاصله بگیرد، به اعتقاد من، راه نزدیک کردن این نسل روشور، اما هم‌گت هم و رفاه‌خواه، فقط ساخت و ساز کتابخانه و برپایی نمایشگاههای استانی کتاب نیست، اگرچه این اقدام مثبت هم نتایج سازنده خودش را دارد، اگر اتفاق در جامعه بیفتد که جوان جسی کند راهی جز انباشت اطلاعات ندارد، آن وقت، با تمام توان، به مطالعه و رجوع خواهد کرد و این گوهر ناشناخته را باز خواهد یافت. تا کسی عصبان نخورد، علم شیرین آن را نمی‌فهمد. اما واقعاً همین مانده را نیز نمی‌توان با خوانش به کسی خوانند، باید جسم احساس خلأ کند و جان بیفروز تا قدر جایگاه آنچه خود را می‌شود، شناخته گردد. درباره کتاب و مخاطب امروز هم همین موضوع، معصدان عینی و علمی یافته است.

**کتاب هفته** شماره ۱۳۷ شنبه ۲۳ تیر ۱۳۹۳



**نگار و نگار**

داوود ملنگ‌زاده

**پرس وگو** با **اکسیر** به **بهبانه** چاپ مجموعه شعر «**بفرمایید بنشینید صندلی عزیز!**»

## فرانو فقط یک نام است

**اکسیر** را بعد از ده سال سکوت با طرح شعر **فرانو** در مجموعه‌ای به نام **بفرمایید بنشینید صندلی عزیز!** می‌بینیم به همین خاطر به سراغ **اکسیر** رفته‌ایم.

زیان مدار، مزار، معنی و زبان، لاله و لادن فرانو هستند.

چرا در فرانو پر روی ایجاز و طنز تا فکد شده است؟ آیا

**فرانو صرفاً شعر طنز است؟**

در عصر دیجیتال ایجاز یک نیاز است و طنز یک

پیش نیاز، به نظرم انسان گرفتار امروز را با این وسیله

می‌توان با شعر امروز آشنا باد. فرانو یک کتاب شعر جدیدی است که از فرط جدیت طنز آزر شده است. فرانو نصیری زندگی بشر امروز است. همان زندگی سگی که شاید

از سوزها را از دست نهد؟

هجری‌یاتی پیش می‌باشد.
در مؤخره مصیوعه فرمایید بنشینید صندلی عزیز! است

**پیشنهاد برای شناسایی شعر فرانو آمده است. بعضی**

امان از این انتخاب می‌گویند؛ فرانو در هر سه مرحله پیش می‌رود. از جانب گروهی مورد تمسخر واقع می‌شود چون خیال می‌کنند این هم یک سبک جدیدی است. گروهی طرد می‌کنند چون به مشکلات خویش نمی‌آید و اصلاً با اسم سازی و موج بازی مخالفتند. اما گروهی از افراد که اول شعرها را می‌خوانند بعد به تعریف و ویژگی‌های می‌رسند این کلمه را فقط نامی بر نوعی از شعر امروز می‌دانند خوب استقبال می‌کنند و گاهی نقلی بنده نوازی می‌کنند و کلی شرمند ساز.

در طی یک سال و اندکی که از طرح فرانو می‌گذرد، فرانو در نشریات مختلف به گونه‌های مختلف مطرح شده. **اولیای برخی‌ها** از طرح فرانو عودهای می‌گردند که البته تا حدود زیادی رفع شده است. چرا نشریات ادبی ما علیرغم ادعا در اینکه از گذشته‌های جدید استقبال می‌کنند در عمل خلاف را می‌بینیم؟

بعضی از نشریات نمی‌توانند که با احتیاط برخورد

کنند چون فرادستگ روی سبک بدنامی شود و بعضی‌ها هم طرح فرانو را در مجله‌اشان به نوبت گذاشته‌اند تا اگر فرانو حقیقتی داشت یک روز به طرح آن بنشیند. اندواهی استقبال از گذشته‌های جدید را می‌تند.

شعرهای فرانویی را نگاه می‌کنیم زبان ماری را به پای معنا مغانی حرکت می‌کنند این عادل بسیار با اهمیت است. حالا این حرف پیش می‌آید شعر دو روز روی معنا تا فکد داشت و شعر امروز فرق دو زبان شده است. فرانو با این دو چگونگی کنار آمده است؟

فرانو آبیاری از سنت و مدرنیته است؛ یعنی جدید باصطلاح روز و توجه به زیبایی‌های فراموش شده دیروز؛ طراوت صدای کاشی‌های مزار جنیان اسفهان از گلوی برج‌های گرانشی تهران. لذا هم معنی مداراست و هم

نام است به این نوع از شعرها که در ادبیات گذشته و معاصر مانده‌های موق فراوانی داشته است حتی ترجمه بیست مدرن هم نیست. چون گفته‌ام شعر پس از مدرن گفته‌ام. شعر فرانو از نو نیامی و این همان ادامه منطقی انقلاب نیمه‌آمان است.

در شماره ۱۳۸۲/۱ **روزنامه اقتصاد مقاله‌ای از شما** با عنوان **طرقی هند عشق شد سیاحت** به چاپ شد. فکر نمی‌کنید هدف این دو نمونه به خصوص **عشق خیالی** از سوزها را از دست نهد؟

در مقاله مزبور و چند مقاله دیگر با مراحت نوشته‌ام که دو مشخصه مهم فرانو ویژگی از شعرهای دوران جدانیت است. لذا فرانو از طرح

سیاسی و عاشقانه‌های لوس است. فرانو از این دو طرح دور آن جدانیت است. در جای جای این شعرها می‌توانید جامعه امروز را با درهای پیکانش لمس کنید و اخلاقی ترین شعرها را در قالب مخاطبیتی چون پندو مادر و خانواده و همسر مشاهده نمایید. فرانو به مبارزه با شعر شویی و شعر تکلیف آمده است و می‌خواهد با توجه به اشیا و پدیده‌های می‌هویت پرآمو، با ندی

انسانی به گسترش شعر اخلاقی و اجتماعی بازی بدهد. هر چند که هیچ یک از این مقالات وظیفه پرسندی شعر امروز نیست!

باز هم در مؤخره «**بفرمایید بنشینید…**» می‌خوانیم **کاشف فرانو یک فرد یا یک جریان ادبی نیست و با توضیحاتی که در ادامه نشان داده‌ام فرانو یک دغدغه صورت گرفته است که بعداً آن را پیشنهاد می‌کنند. شاید باز هم فرانسید روی این تأکید کنید که سبک جدیدی در کار نیست.**

من باز هم نگار می‌کنم به کشفی جدید. نابل نیمه‌ام بلکه به انسجام پایزی گسسته بر خنثی‌مان و این نام را پیشنهاد داده‌ام که شعر امروز از بحران مخاطب به سلامت بگذرد و مخاطب مهم با شعر امروز آشنا کند. در این راه من تنها نیودام گذشته از شاعران گرانگس ایران، دوستان خوبم در آستانه منصور بنی‌مجدایی، داوود ملنگ‌زاده، آرش نصرت الهی و افشین خادرمه در این نوع شعر موقبت‌های داشته‌اند کم و بیش در طرح و معرفی این نوع شعر با نمونه‌های مورد قبول در حد توان خود تلاش کرده‌اند.

### کشت و گذار

کیواوش

### آیا مدیران هم کتاب می‌خوانند؟

البته وجود نمایشگاه و فروشگاه ثبت مؤسسه آموزشی و پژوهشی مدیریت و برنامه‌ریزی به تنهایی فرصتی برای معرفی کتاب‌های بیشتری در این حوزه می‌سازد ولی از آنجایی که شاید خیلی از کارمندان و مدیران ادارات و وزارتخانه‌های مختلف فرصت مناسبی برای ارتباط با این فروشگاه نداشته باشند، این نمایشگاه موقعیت و فرصت مناسبی برای معرفی وزارتخانه نیرویوه است. حضور روزیروز معولین و مسازران ارشد این وزارتخانه از کتاب‌فالی توجه برگزاری چنین نمایشگاهی بوده است. نکته فالی توجهی که شاید نباید به آن پرداخت برگزاری این نمایشگاه در تمام وزارتخانه‌های باشد. یکی از سوزترین نمایشگاه کتاب‌های مدیریتی می‌گردد. پس از تمام نمایشگاه در وزارت نیرو، لانلاسه در وزارت امور اقتصادی و دارایی مدیریتی سوزهایم شد و این برنامه در تمام وزارتخانه‌های امری شده. کتاب‌های نمایشگاه که با تخفیف ۲۰ درصد فروشی می‌رسد فرصت مناسبی برای علاقه‌مندان و خصوصاً دانشجویان رشته مدیریت است تا با زمانتهی‌های خود در زمینه کتاب و گدایگی مختلف را بر طرف سازند. اصول مدیریت علمی، اصول مدیریت اسلامی، برنامه‌ریزی استراتژیک، جایگاه روابط کار در مدیریت، فرهنگ سازمانی، و. از جمله کتاب‌هایی است که در این نمایشگاه می‌توان یافت. اینکه مجموع کتاب‌های موجود در نمایشگاه، به ۱۰۰ عنوان هم نمی‌رسد ولی فروش نمایشگاهی می‌گردد، به دلیل کمبود جا و برخی مشکلات دیگر این فرصت فراهم شد که تمام کتاب‌های مؤسسه را که به ۱۰۰ عنوانی می‌رسد در نمایشگاه داشته باشیم. در عین حال فروشگاه و نمایشگاه مرکزی در خیابان سنج‌ات‌نالی شاید بهترین فرصت برای تهیه چنین کتاب‌هایی باشد.



فرانو از بومی گرای هم خالق شده. برای مثال می‌بینیم که هم در شعر شما هم سایر شاعران استرایی از کلمه «حجران» و «کلمات» بومی استفاده شده حتی بدون توضیحات، بومی گزایی فرانو تا چه حد شبیه شما است؟

توجه به پدیده‌های اطراف با نگرشی جدید و شخصیت‌بخشی به اشیا، پیرامونی اگر درست به کار گرفته شود خود به خود بومی‌گرای را نیز به روال طبیعی وارد شعر می‌کند. و الا آوردن کلمات اجنبی و وحش محلی، بازو رنگ و صدمین سریش با زیر نوشت‌های اجنبی داری را دوا نخواهد کرد. بومی‌گرای شما به وجهی ساختگی نبوده است، شما در شعر دست به جاشنیتی واقعی زده است لذا شعرش بی نقاب و دروغ است. او توکاری به جای بلبل و شاخ تالین را به جای شاخ چنار قالب کرده است. هر چه این اطراف خود دیده‌همان طوری وارد شعر کرده است. این صداقت مقبول افتاده و پرسوناژهای او را مخاطب‌پذیر کرده است. دقت در پدیده‌های اطراف و درگیر شدن در روابط آنها بهترین شعرهای عینی را به ارمان می‌آورد.

شعرهای فرمایید بنشینید صندلی عزیز! را می‌خوانیم احساس می‌کنیم مبادا با کمبود موضوع مواجه شویم و به تکرار برسیم یا این ساله چه طور کتابی آید؟

افاقاً تنها چیزی که در فرانو نام‌شدنی نیست سوزها است. هر طرقت را که خوب بنگری سیل سوزها است. به قول صائب: در بند این مایش که مضمون نمانده است. بعد از سزودن ۱۰۰ قطعه فرانو این امر بر من ثابت شد که اگر شاعر خود را درگیر این نوع شعر کند، قوت کسبک را یابد. اندک شعرگدهای حاصل زبانی را درونی کرده باشد و در کمین شعر بنشیند هر چرق‌ای شعر ساز است و فرانو بدون دعوت قلبی بر دفترش خواهد نشست.

**حالا کمی مدل سؤالمان را عوض کنید چه قدر فکر می‌کنید قشطنی بشود؟**

با عرض مذارت مجبورم بند آخر شعر بخوانم؛ مخاطب را ادویاز بخوانم، «راستی قشطنی خودی؟» **آقای اکسیر کشتنقتی نفسی فرمایند** من از همین جا اعلام می‌کنم که شعر هدایت‌بخشا که با همانا جمله فرمایید بنشینید صندلی عزیز! آغاز می‌شود. ژانینگ همزبانی ایران است که پاسپورت اروپا و دیگر کشورها را بگیرد چرا در هر جا فرانو مطرح شده این شعر را هم کارش آورده‌اند؟

این سؤال شما را به عنوان طنزی جالب می‌پذیرم و با درود به روان نامد ند کیشوت‌های عالم، فقط می‌گویم پیشنهاد فرانو اگر مورد قبول دوستان شاعر و منتقد واقع شود برای من کافی است. به پاسپورت اروپا نیازی نیست. شعر اگر اصالت داشته باشد جایش را در هر جایزی می‌کند. باقی آرزوی بچه‌گانه‌ای پیش نیست و اما در مورد شعر هدایت، به نظرم بازی‌های زبانی در شعر هدایت خوب جا افتاده است. و دیگری اینکه مردم به خاطر نام هدایت به این شعر لطف دارند.

**آقای اکسیر!** از رودکی تا حال تک‌های فرانو وجود دارد یعنی **چچی**، یعنی **هنه** حنه این بزرگان؛ فردوسی، حافظ، سعدی، نظامی، خیام و… تک‌های فرانویی دارید؟ اگر بگویم **نام بریده**، چه؟

یعنی اینکه فرانو اصالت شعر ایرانی را با خود دارد

و مخاطب ایرانی اش را می‌شناسد و نمونه‌های فرانویی

در ادبیات دیروز و امروز، دارد، و نام تقویمی منظر

من نبوده است. می‌توان با حفظ و ملوئی همزمان

بود و فرانو از میشل فوکو و دریدا و بارت اندیشید. فرانو

دعوتی به خود نگرینست یا چلمنی دیگر و صدای

بسانتی انسان دوزخه از گلوی امروز است.

**نگار**، شماره ۱۳۷، شنبه ۲۲ شهریور ۱۳۸۲





**چاپ کتاب فرایندی انتحالی، صنعتی و بازاری است که در یک کتاب جمع شده پندار کردن یک تعریف که هر کتابی را در بر بگیرد مختص است، اما میزان فرهنگی اجتماعی میزان عمل کتاب را این طور تعریف می‌کنند.انتشار خودروده‌ای نشراتی که بدون در نظر گرفتن جلدشان حداقل ۶۹ صفحه‌باشند این تعریف همه کتاب‌ها را در بر می‌گیرد،به جز نشراتی که دوره‌ای منتشر می‌شوند و کتاب خوانده می‌شوند. برای مثال کتاب**

**کتاب در جهان** متدین تأثیر زیاد دارد.ندان ما محصول چیزی است که ما به آن فرهنگ کتاب می‌گوییم.کتاب‌ها را به هزاران شیوه تحت تأثیر قرار می‌دهند:هر شاخه مذهبی ما نوشته‌های مقدسی دارد که رعایت اصول اخلاقی و حکمت پیشینان را در بر دارد.سیستم آموزشی ما براساس متن‌های توراتی بنا شده است.سیستم سیاسی ما به کتاب‌های حقوقی، تاریخی و جغرافیایی وابسته است.کتاب‌ها در عین اینکه سرگرمی هستند، مردم اطلاعات می‌دهند و آنها در مراحل مختلف زندگی‌شان از کتاب‌ها آلیهم می‌گیرند.
کتاب به تنهایی یک تکنولوژی مدرن و تولیدی محسوب می‌شود.کتاب تقریباً یک رسانه کامل برای خوانندگن سطحی با مطالعه عمیق است.تاریخ نشر کتاب،تاریخ اختراع تکنولوژی هم هست که با تغییراتی در جامعه دربار اختراع تکنولوژی و گسترش دانش مردم توأم است. هر شاخهٔ مهمی که باعث شد امروز کتاب منتشر شود، حظه، کافه و چاپ است.

اول، حظه.قبل از اختراع خط در قرن چهاردهم قبل از میلاد مسیح،سومریان درباره آن فکر کرده بودند.بر آن زمان مطالبات تنها از طریق گفتار،تک‌گویی روزمره انتقال پیدا می‌کردند.در ابتدا هیچ ترجمه‌ی به خط برای انتشار-اطلاعات نمی‌شد.اما شیوه‌های برای ثبت نظریه‌های مذهبی،تشریحنامه‌ها، وقایع‌ها بود.در عصر باستان و دورهٔ در قرن وسطی، خط یک ویژگی برای گسترش و حفظ مذهب بود.فقط در یونان قدیم، روم و چین جاهی که قانون تئوری نوبت‌هیچ چیزی نبود.تجارت انتشار امروز وجود نداشت و مردم حاصل از انتشار به عنوان کمک هزینه برای انتشار کتاب بعدی در نظر گرفته می‌شد.

دوم،کافه.می‌دانیم که کافه توسط چینی‌ها در سال ۱۰۵ میلادی اختراع شد.ترکیبی از پوست درخت و کفک که البته نظریهٔ آن تا سال ۷۵۱میلادی،یک از بود.تاریقی که عرب‌نویسه تولید کافه را از یک گروه چینی در سرسند یاد گرفته‌اند این صنعت را از آنها یاد گرفته‌اند.
در اروپا اولین کافه‌ها در سال ۱۶۵۰که گوتنبرگ یافته مشهور آن را اختراع کرد، پدید آمده.
کتاب چاپ یک صنعت مجرد نبود و شامل کافه، خط، جوهر و پین‌جانه هم می‌شد.چند سال بعد از گوتنبرگ فناوری در جهان رخ داد و صنعت چاپ در تمام اروپا گسترش پیدا کرد.نیچه گوتنبرگ کمتر از یک انقلاب بود که هنوز هم در بعضی

**ریشه‌ها**
International Book Publishing an Encyclopedia
ترجمه گلن مقبیه

## تاریخ جهانی نشر کتاب

از قسمت‌های جهان گسترش پیدا نکرده است.

**ریشه کتاب‌ها**

چهار، پنج هزار سال طول کشیده است تا کتاب‌ها در شکل‌های اولیه به شکل‌های دیگر تغییر پیدا کنند.قدیمی‌ترین کتابی که موجود است داستان سیل ناشدودن است که ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد پروری کتبه‌های گلی خلق شده است و کمی بعد از آن یعنی ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد نخستین کتاب توراوت و کتاب برگ مصری، که تاریخ آن تقریباً ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح است باقی مانده‌اند.

مصری‌ها از ورق‌های پاپیروس به عنوان متون انتقالی استفاده کرده‌اند که از گیاه پاپیروس تهیه می‌شد. این گیاه در سواحل رودخانه نیل به وفور رشد می‌کرد. پرچم‌هایی از پاپیروس را در معابد مصری آویزان کردند و پاپیروس را به صورت روزه در آوردند تا قابل حمل و نقل باشد.

یونانی‌ها و رومی‌ها از پاپیروس استفاده کردند. یونانی‌ها آن را از تئوسپی به نام پاپوسی به دست آوردند که نام شهر از دو کلمه نیل (الجی) و پاپیروس (تاجل شش‌اسی) می‌آید. رومی‌ها به ورق‌های پاپیروس (Charta) یا (Vatmen) می‌گفتند. کلماتی که واژه زبان انگلیسی شد. آسوری‌ها و بابلی‌ها هم بر روی کتبه‌های گلی و با خط میخی (کوتیوموم) می‌نوشتند که به نوشته‌نویسی مشهور شد. هر کتابی شامل چند

کتبه می‌شد که داخل جعبه‌ای قرار می‌گرفت. چیزی‌ها تا زمان اختراع کافه از کتبه‌های مایومی استفاده می‌کردند. در هندی پوست درخت نرس و پوست خرما را به نخ به وصل می‌کردند و از آن برای نوشتن استفاده می‌کردند و ماده دیگر چرم بود که در جاوایانه رایج بود. کافه پرسی با پوست حیوانات که حیفا توسط آتیر روم از یونان در حدود ۲۰۰ سال قبل از میلاد مسیح اختراع شد. دفتر پاپیروس لیل حلال و نقل و سبست تلفقه بود. هیچ بود کتاب‌ها به شکل امروزشان نزدیک می‌شوند تا نسخه‌های خطی و زمانی که خر آن ورق‌های پاپیروس برای اینکه به صفحه تبدیل شوند شکل یافته بودند و بعد از آن کتبه‌ها با واکس چوب پرشیده و به وسیله نخ محکم می‌شدند. بعد از آن پوست حیوانات جایگزین پاپیروس در نسخه‌های خطی شدند و برای قرن‌ها استفاده شدند.

واژه کتاب ظاهر از کلمه قدیمی‌آلمانی بوک (book) مشتق می‌شود و به معنی ادراخت ران است. منظور چوبی است که در محفظی از آن استفاده می‌شود.

اولین کتاب‌ها اصولاً مذهبی و در مورد مذهب تفری بود سرودهای مذهبی، نمازها و آیین‌های مذهبی. این متون بر علم ساحری، پزشکی، تاریخ و انترتینامی و طالع بینی هم تأثیر گذاشتند. آثار علمی از بزرگترین مذهب‌هایی که هنوز هستند، مثل یونانی‌های و شوه‌های حماسی هالندارانه، به این ترتیب از زنجیسی به شخص دیگر حفظ شدند و گسترش پیدا کردند.

**یادداشت**
سجاد صاحبان زند

### از هردوت تا راولز



توشین درباره هر کدام از یادداشت‌ها و مقاله‌های کتاب، خود مقاله‌های مستقل می‌نویسد. پس در اینجا به نکات کلیدی درباره کتاب می‌پردازیم و در ادامه به پرسش‌ها می‌پردازیم.
۱- کتاب از ۲۲ پاره

یادداشت تشکیل شده که متفکران مختلف از هردوت تا راولز آن را نوشته‌اند که البته کتابی از یک کلیت‌مند، چند یادداشت آورده شده است که اتفاقاً کتابی با هم متفاوت و متضادند.
۲- در شروع هر یادداشت که از کتاب‌های متفاوت انتخاب شده و هیچ کدام به تنهایی و مستقل یک یادداشت محسوب نمی‌شوند، توضیحاتی آورده شده که این توضیحات کمک زیادی به فهم آن نوشته می‌کند.
۳- شاید برای شما جالب باشد که هردوت ایرانیان را از پیشگامان مردم‌سالاری در دنیا دانسته است، حتی نام کسی که سوادی این عمل را داشته هم برده شده؛ هرتوت، یکی از دوستان کارپوش اول که مخالف پادشاهی مملکت معلقه است. هرتوت می‌گوید، سد قدرت و به پادشاهین انسان‌ها سبید، خواهد دید که می‌درنگ و رفتارشان دیگرگونه خواهد شد.

۴- افلاطون مردم‌سالاری را فرزند مسوئلیت‌گرمی می‌داند. او اعتقاد دارد که بعد از مردم‌سالاری، در فرماگان بر مردم حکومت خواهند کرد. البته افلاطون، انتخاب حاکم را و به وسیله قرعه کشی نفی می‌کند و برای یک حکومت مردم‌سالار هیچ راه دیگری را مفروض نمی‌شود، البته

**اخبار کوتاه**

- مسئله‌نامه آثار منحصر به فرد موجود در کتبیه موزه هروی معاصر در دست تهیه است و در صورت امکان در قالب کتاب یا مجموعه منتشر خواهد شد.
- خسین جشنواره طنز استان سیستان با شرکت ۷۰ اثر طنز در قالب شعر، داستان، تحقیق و… در تالار بهمن فرهنگسرای مهر شامروید پایان یافت.
- بهرای بینندگان تیرج تصمیم دارد در هر فصل، بزرگداشت‌هایی را تحت عنوان نشست ادبی قلمرو، برای شخصیت‌های ادبی برگزار کند. علاقه‌مندان تا ۲۵ شهریور فرصت دارند تا آثار خود را درباره آثار و افکار بنیما بفرستند. برای اولین بار برنامه به آدرس تهران، صندوق پستی ۱۳۴۳-۱۳۴۵ ارسال کنند.
- در زودستی که روح جوان نیا تلشجری علوم کشاورزی و صنعت طیور دانشگاه گلگان آماده‌نکات شد که می‌توان از پوست لاله آفلیگریان، کافه تولید کرد.
- حجین ادبیات داستانی خراسان با همکاری اداره امور فرهنگی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی عصرهای پنجم به هرفته اقدام به برگزاری کارگاه‌های آفرینش داستان، مانی نقد ادبی، رمان وب، کرده است.
- فرهنگ فرهنگ ارشد اسلامی شهرستان پاکدشت، به منظور ایجاد پیوند قسیمی با کتاب اقدام به تأسیس جشنواره کتابخوانی کرد.
- سلسله جلسات تبادل شناسی با حضور دکتر سیدحسین حسینی توسط مرکز آموزش‌های ادبی هروی پنجمه هرفته در تالار ادبشهر برگزار می‌شود.
- کتابهای ویژه نوجوانان و جوانان برگزار می‌کند. علاقه‌مندان می‌توانند آثار خود را تا ۲۵ شهریور ماه به خانه فرهنگ شیخ هادی واقع در خیابان جمهوری، خیابان شیخ هادی ارسال کنند.
- خسین کتاب اطلاعات تروت و منابع آموزشی حوالی اطلاعاتی، نشریات و دانشگاهی مردمی در سوادساز، می‌باشگاه کتابخوانی زن و مدطعات تخصصی زن از
- در این نمایشگاه آثار نویسندگانی چون چستان‌ناری، عرفان نقد نهار، سید سلیمان، فریبا ظهرف و راضیه نجری به نمایش در آمد.
- جلسه نقد و بررسی داستان کوتاه با حضور مسئولین بنیاد جوان در تالار اجتماعات حوزه هنری استان مرکزی برگزار شد.
- جشنواره فرهنگ شعر و ادب منطقه یک کشور با معرفی نقرات و آثار برتر در مجمع فرهنگی هنری بهشر به کار خود پایان داد. ۶ نفر از برگزیدگان این جشنواره به مرحله کشوری که همزمان با میلاد امام زمان (عج) از ۱۷ تا ۱۹ مهر ماه در مشهد برپا می‌شود، راه یافتند.
- محاضرت تخیلی از نویسندگان جوان در گرگان با حضور نماینده ولی فقیه دبیر ستاد اطلاع نماز و برخی مسؤولان محلی برگزار شد. در این مراسم اولین دبیر ستاد اطلاع نماز استان گشتارگشته، این استان به ترتیب رتبه‌های دوم و سوم را در مسابقات کتاب و مقاله در سطح کشور کسب کرد.
- هنری نخستین بار در کشور اولین جشنواره فرهنگی کارگران در استان مرکزی برگزار گردید.
- خسین دوره آموزش مقدماتی تبیین اندیشه اسلامی با حضور دانشجوین بسیجی در شامین شهر برگزار شد.
- محاضرت محاضرت روز با امان توحیدی، ویژه آشنایی و هم‌کلامی جوانان ایرانی با اقلیت‌های دینی همراه با کارگاه‌های آموزشی به مدت ۳ روز در مرکز سازمان فرهنگی شورای عالی تعاون کارگران شد.
- خسین نشست از سلسله گفتارهای فرهنگی دفتر طرح ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با عنوان «آسب‌های اجتماعی » و با سخنرانی دکتر فریروز رئیس دانا پژوهشگر ارشد دانشگاه پارسینو برگزار شد.
- مباشگاه تخصصی کتاب بانوان در محل پژوهشگاه جوان شهرستان اراک برپا شد. در این باشگاه ۲۰۰ عنوان کتاب در ۲۰ هزار جلد و با ۱۰۰ تصدیف عرضه شد.
- جمع عمومی فوق العاده هیئت مدیران و نویسندگان سنیای ایران در تالار اجتماعات خانه مسابقات برگزار شد.
- احمد کتابخانه فرهنگسرای خاوران به مناسبت ولادت امام علی(ع) اقدام به برگزاری مسافه کتابخوانی با عنوان ولایت کرد.

**تاریخچه**
شماره ۱۳۷ خنینه ۲۳شهریور ۱۳۹۳



یادداشت

شمس‌الدین تابرزی،کارشناس ارشد هنر

## اندر احوالات کتاب‌های طالع بینی

مرد متولد برج ثور را پیشانی بزرگی باشد، دراز بالا، تمام قد، سیاه چشم و سیاه مو، بالا کشیده... احتمالاً خواندن کتاب «الفقه» اوریحان بیرونی به قصد آینده‌نگری یا به‌دست آوردن رایجه (همان رسم جدول‌های نجومی برای دستیابی رایزهای آینده) کار رایجی نیست. چراکه این روزها کتاب‌های نجوم، ستاره‌شناسی، طالع بینی هندی و چینی و هزار نوع کتاب دیگر در زمینه‌های طالع بینی و فال در بازار کتاب پیدا می‌شود که خواندن آنها به مراتب راحت‌تر و جذاب‌تر از خواندن «الفقه» است. اما همیشه این سؤال مطرح بوده است که آیا خوانم لیندا گورمن (یونسکه کتاب عالم‌های ستاره‌ای) که کشایش مرجع اصلی علاقه‌مندان به فال و رایزچینی بود... است این همه دانش و توانایی را به صورت مازدآزادی داشته یا واقعاً کتاب‌های اوریحان بیرونی، خواجه نصیر طوسی و سکاکی زاده است!

به هر حال حتی اوریحان بیرونی هم به گفته خودش با دسترسی به آثار معروف یونانی مثل کتاب‌های پلیموسی و نیز نوشته‌های ساسانی که غالباً ترجمه شده از منابع یونانی به پهلوی بوده و حتی نوشته‌های مربوط به ستارگان که از عهد مانوی به جا مانده و نیز با احاطه بر علم دانشمندان هندی توانسته کتاب‌هایی چون «الفقهی فی الصناعة التنجیم» یا «الجماهر فی المعرفة النجواهر» را بنویسد. کتاب‌هایی که نسل حاضر اگر هم اسمش را شنیده، برای امتحانات کنکور بوده و پس...

اما شاید موضوعی که در پیدایش این کتاب قابل توجه و نیز جذاب توجه باشد، علاقه‌مندی تمام حاکمان آن دوران به آینده‌نگری بوده است! احتمالاً اکثر اطلاعاتی که اوریحان در کتاب‌های مذکور باز آگراه و دوتی درباره علوم خفیه و تنجیم می‌نویسد، به قصد متعبر کردن مطالبش نزد بزرگان بوده است. کتاب‌های طالع بینی معروف اروپایی یا هندی است که می‌تواند توجه هر انسان کنجکاری را جذب کند.

یک مثال خوب برای این نوع نوشته‌های قدیمی طالع زان برج ثور است:ژن متولد از دیهشت:برج طالع مارد عیسی(است و ازونی باشد نیک مظهر و بلندبالا و خوش گفتار و خانه‌نگه‌گذار و از پارسایان و داناان باشد. اگر چیزی به مردم دهد در دادن خندان و در گرفتن گریان و گاه گاه مثل آتش افروخته شود:جالب اینکه در کتاب طالع بینی ژن متولد از دیهشت زنی است توانا و دست و دلیاز که گاهی از مصیبت مثل گاو خشک‌بین می‌تازد...

ایحسانت که آدم دلش می خواهد بداند که مثلاً فلان یونسکه خارجی که کتاب بینی هندی یا چینی را نوشته و اسمش را در هیچ آدمی نیتزتی نمی‌توان پیدا کرد، برای نوشته‌هایش از چه منبعی استفاده کرده است...

البته اگر شما از آن دسته افرادی باشید که هیچ علاقه و اعتقادی به اطلاعات مربوط به رایجه و پیشگویی‌ها نداشته باشید، در این صورت «بیرونی» را شادمان کرده‌اید چرا که خود او بارها و بارها در حاشیه نسخه عطفی تنجیم پیشگویی را امری کاذب و دروغ محض معرفی کرده و با خواجه نصیرالدین طوسی به زور هو لاکوی مغول مجبور به تألیف کتاب‌های رایجه شده است. ولی اگر علاقه‌مند به اینکه به مطالب هندیه نیز به این اعتقاد دارید، باید بگویید به این سؤال بسیار مهم پاسخ دهید: یونسکه کتاب کب طالع بینی چه کسانی هستند و نیز چقدر قابل اعتبار و اعتماد هستند؟ و سؤالات دیگری چون این اطلاعات را از آنجا آورده‌اند و شایعت مطالب این کتب جدید با کتاب‌های قدیمی ایرانی و اسلامی این حوزه به چه دلیل است؟

آیا این کتاب‌های جدید با نظر جمله‌های جذاب و ادبیاتی امروزی همان کتاب‌هاییست که سال‌ها زبانی جذاب و متفاوت با عنوانی مختلف وارو بازار می‌شوند؟ اینها سؤالاتی است که شاید برای هر محقق در این زمینه قابل تأمل باشند ولی من پس از کفلی رونویسی از کتاب‌های اوریحان و پرسه جلوی دانشگاه و تروق کتاب‌های طالع بینی و جادوگری و علوم خفیه به این نتیجه نزدیک شدم که کتاب‌های جدید این حوزه در حقیقت نسخه‌برداری ساده‌ای بود از کتاب‌های قدیمی که البته بعضی از آنها هم به صورت غیرمجاز چاپ می‌شوند. هر چند که فرصت تحقیق و تخصص دقتیتر برای این دسته از کتاب‌ها باقی است.

کتاب‌هایی با عنوان کلی «علوم غریبه» از جمله کتاب‌هایی هستند که سابقاً به سختی یافت می‌شدند. کتاب‌هایی با موضوعات مربوط به سحر و جادو، جن و عمل و اسطرلاب و... این روزها در حیوان انقلاب، پارس‌خسرو و مراغی می‌توان بسیاری از این کتاب‌ها را پیدا کرد و با قیمت بسیار پایین خرید.

فراوانی و در اختیار بودن این کتاب‌ها سؤالاتی را با خود به همراه دارد چه کسانی این کتاب‌ها را چاپ می‌کنند؟ مخاطبان این کتاب‌ها چه کسانی هستند؟ نظراتی بر وجود این کتاب‌ها هست؟ وجود این کتاب‌ها چه عارضی به همراه خواهد داشت؛ خرافه‌پرستی یا تقویت باورها؟ یا... و نهایت اینکه چه کسی باید به این سؤالات پاسخ بدهد؟

اگر خواهی کسی را احضار کنی این صورت را روی هفت قطعه کاغذ زرد نوشته کنار گذار و بعداً همین صورت را روی قطعه بزرگ کاغذ و یا مس نقش نموده به نام طالب و مغلوب، در ساعت سعد یا مفران آفتاب باشد و به مشتری نزدیک و تحت الشعاع باشد رجوع به جدول مجدد سکاکی بعداً هفت کاغذ را که نوشته و حاضر است کنی زار دل گرفته‌گذاشته، و دل را در گل گردید در آتش گزود دفن کند و یکی در آب روان انداخته و مویق به آب انداختن یا کسی نخود سنجیده سوم را در باد آویزد چهارم را در پیاننی دفن نموده و پنجم را در آتش سوزاند و ششم در چاه آبی پاک انداخته و هفتم نیز دفن کند و اما لوح را با پریشم رنگ در خانه طالب آویخته و روز هفتم با هفت دانه فلفل سیاه...

نوشته بالا قسمتی از کتاب طلسمات ملطعم هندی یا تسخیر روحانیات و عزائم جنیان است.

یادم می‌آید کوچکتر که بودیم یعنی خیلی سال‌ها پیش با آقایون یعنی پدربزرگ کتابی داشت که همیشه در صندوقچه‌اش نگه می‌داشت. یک بار که بر حسب اتفاق قفل صندوقچه‌اش باز بود و ما هم از زوری کنجکاری شده بود رفتیم. باسواد نداشته‌ای که داشتیم هر چه تلاش کردیم نتوانستیم آن دست خط‌ها را بخوانیم. کتاب پر بود از عدد و شکل آدم و حیوان که روی آن حرفی نوشته شده بود. گرم ورق زدن کتاب بودیم‌ها آقایون سرسپید و بعد از کتک مفصلی که خوردیم گفت: یک بار دیگر سراغ این صندوقچه و این کتاب بیاید تبدیل گریه شاید هم کلاغ شوید. یادم نیست مثل اینکه بعد گفت ممکن است جن‌ها هم به سراغشان بیایند. مادرم می‌گوید بعد از آن تا چند روز وقت هر کس شیخ می‌زدی و از خواب می‌پردی، بعد از آن روز دیگر نه سراغ آن صندوقچه رفتن و نه سراغ اتق آقایون! بعد از سال‌ها که بزرگ شدیم و خدا رحمت کند آقا جون را وقتی فوت کرد آن صندوقچه باز کردم. حالا دیگر کتاب را براحتی می‌توانستم بخوانم. کتاب فنون تسخیرات کواکب و تسخیرات جن و انس سراج‌الدین سکاکی بود.

آن روزها این کتاب‌ها خیلی کم بود و هرآنکاهی کتاب را به دانشگاه می‌بردم و باجبه‌ها از روی آن می‌خواندیم. هر چند که خودم و بعضی از دوستان فکر می‌کردیم این علوم غریبه شاید خیلی هم می‌توانستند ولی هیچ وقت به صورت جدی سرافشان ننویم. اما این روزها شاید موضوع این کتاب‌هاات آنقدر قابل توجه و شاید هم جالب توجه شده باشد که عده‌ای خواهند به این پروازند البته نمی‌دانم به چه چیز آن‌هم وجودشان و یا یونسکه‌ها! اگر قرار است به

بودن آنها پرداخت باید به چگونگی بودن، چگونگی مصرف و در اختیار چه کسانی بودن و حتی چگونگی مراحل چاپ آن پرداخت. چرا که اگر مسافر راسته حیوان انقلاب بایدید کمتر دستفروشی کتابی را می‌توانید ببینید که در کنار دهما عنوان کتاب قسمت کتاب‌هایی با موضوع علوم غریبه نداشته باشد.

مجموعه علم زما، تألیف خواجه نصیر طوسی؛ احضار ارواح، سحر جادو، دیدار ارواح و شایین طلسم‌ها، مجموعه علوم جفر، خودآموز آموزش فن علوم غریبه و... از جمله کتاب‌هایی است که به این مسائل می‌پردازند. این کتاب‌ها که تعداد آنها شاید به ۱۰۰ عنوان هم برسد همه به صورت غیر قانونی تکثیر می‌شوند. برای جلد خیلی از آنها نوشته شده است چاپ هند و یا چاپ پاکستان؛ قیمت این کتاب‌ها که اکثراً به دو هزار تومان می‌رسند از کتاب‌های پرفروش دستفروشی‌های انقلاب می‌باشند. یکی از دستفروش‌های انقلاب می‌گوید: «سابقاً هر جلدی از این کتاب‌ها به ده هزار تومان هم می‌رسیدو شاید در کتابفروشی‌های پارس‌خسرو و وجود دستگاه‌های چاپ جدیدو نیز دستگاه‌های



## کتاب‌های علوم غریبه حالا با کمک ریسوگراف فرصت تولید یافته‌اند

ریسوگراف فرصت بیشتری برای تولید این کتاب‌ها فراهم شده است.»

**راهی برای اسامی**

یکی دیگر از دستفروش‌های انقلاب می‌گوید: «زن‌ها و بعضی از شهرستانی‌ها مشتین مخاطبان این کتاب‌ها هستند و می‌دهد که بعضی برای استفاده و به کار بردن کتاب‌ها در سخنانشان اینها را می‌خرند و عده‌ای هم از زوری کنجکاری و کسب اطلاعات عمومی نتوع کتاب‌ها آنقدر زیاد است که می‌دانم سراغ کدام یک بروم. یکی از دوستان می‌گوید شاید کدام مطلب کتاب‌ها شیب هم باشد و از روی یکدیگر به اسامی متفاوت در سال‌ها گذشته نگارش یافته‌اند. از مردمی‌سنی که اهل علم آریاد است و به دنبال کتاب هفتاد و دو دیو می‌گردد، می‌پرسد: این کتاب‌ها به چه دردی می‌خورند که می‌گوید: این کتاب‌ها همه از روی ادعیه اسلامی نوشته شده‌اند و برای سلامتی انسان‌ها و تکامل هستند.

بازی قوی دارد. البته کاربده این کتاب‌ها بدون اسناد بسیار خطرناک است. همچنین فکر می‌کند اعتقادات، چیزی مثل روانست کشیدن کتاب‌ها که کتابفروش دیگر هستند و از او سؤال می‌کنند که این کتاب‌ها به چه دردی می‌خورد. دستفروش می‌گوید: من چیزی نمی‌دانم. پیرمردی که موهای بلندش را بسته است می‌گوید، به درد تو که بارشان نداری

## کشت و کژار مرتضی قدیمی

## علوم غریبه و پرشش‌های بی پاسخ

نمی‌خورد. می‌پرسد: چطور مگر؟ جواب می‌دهد: او که باور داشت توانست حمانی را با یک شیخ روشن نگاه دارد.
چیزی برای گفتن نداشته و به سراغ یکی دیگر از دستفروش‌ها رفتیم.

**تیردسته خودروشنی زنده**

کتابی گفتی سلیبت را ورق می‌زنم. جوانی برای طالب طلسم استکلر پول می‌دهد، از می‌پرسد این کتاب از برای چه می‌خوری؟ می‌گوید: «عا می‌نویسم. می‌گویم: برای خوت چه، تا به حال برای فوت نوشته‌ای؟ جواب می‌دهد: من برای ندایم. می‌گویم: عیب ندارد. دعا کن صد میلیون تانها باشی که می‌خندد و می‌گوید شما تهرانی حافظ دنبال پول هستید و به هیچ چیز دیگر فکر نمی‌کنید. می‌گویم: نمی‌توانی؟ می‌گوید: ما برای خودمان نمی‌توانیم. تیر که نمی‌تواند دسته خودش را بزند!

سراغ کتابفروشی‌های پارس‌خسرو می‌روم که آنجا هم می‌توان این کتاب‌ها را دید. مرد میانسانی که گوهر هر چارچ را می‌خرد، می‌گوید من دنبال اسرار هستم؛ دنبال رمز عدد سه، عدد هفت، عدد چهل. دنبال چیزهایی هستم که هر کس روی نمی‌داند و هر کجا نوشته‌اند، او فکر می‌کند شاید سرخ‌هایی را نوشته‌اند و این کتاب‌ها پیدا کند. در پارس‌خسرو با یک عارضی‌سنگر هم برخوردیم؛ گفت که او هم می‌گوید: «عاشق‌ای اثر نیست ولی باید اعتقاد داشت. باشی در عین حال شاید تو از بخاری ولی او پوهتوان بدعهد پیرمرد می‌گوید، ما که دعا می‌نویسیم، مانند عریضه نویسان جلوه دادگانه هستیم و تو که دعا را می‌خوانی اسکاکی باید باور داشته باشی. در اصل عاکنده تو هستی...

که من هیچ شکی در ارزش و اهمیت ادعیه ندارم اما این سؤال برام باقی می‌ماند که در کنار دعا هزار یک رفتار دیگر در ایم کتاب‌ها وجود استخوان فلاح حیوان نوشتن اعداد و حرف‌ها دارند. مثل لیداکر ذکر یک مرده، پوست گوسفند، استخوان طلاح حیوان نوشتن اعداد و حرف‌ها در قطره، بچگونه می‌تواند محبت را جلب کند یا رفع بلا کند و هزاران سؤال دیگر که سؤوال کتابفروشی اسلامی می‌گوید: البته شاید مواردی هم به این کتاب‌ها اضافه شده باشند ولی اصل اینها درست است. استفاده از این کتاب‌ها نیاز به توان و شایستگی کامل دارد. کتابفروشی کتیب و جمع الدعوات صغیر را چاپ می‌کرده ولی به علت اینکه این کتاب‌ها مجوز چاپ نداشته‌اند، دیگر آنها را چاپ نمی‌کنند و می‌گوید: بعضی از آنهاملل گوهر پنج‌چارچ مجوز چاپ گرفته‌اند و در قم چاپ می‌شوند.

**مغایبی چاپ**

خوشبختی‌کنک را پیدا نکردم‌ها که جواب درستی در مورد زمانبندی چاپ این کتاب‌ها بدهد و از طرفی هیچ کدام از کتابفروش‌های این گونه کتاب‌ها هم از تولیدکنندگان این کتاب‌ها اطلاعی ندارند و دیدم بهتر باشد بگویم اطلاعی نمی‌دهند و اکثر می‌گویند که برایمان می‌آورد و نمی‌دانم چه کسانی هستند. بیشتر جالب توجه شده است تا خواندن آنها غیر قانونی در اختیار مخاطبانی است که بسیاری از سؤالاتشان بی پاسخ مانده است و این روزها حضور و پیدایش چنین کتاب‌هایی در افرادی که این کتاب‌ها را نوشته و دیده‌ای برای پاسخگویی به مشکلات قرار داده‌اند بسیار زیاد شده است. شاید اصلاً محسوس رد و یا نباید چنین کتاب‌هایی باشد ولی تقریباً همه‌ای یک بار در روزنامه‌ها می‌خوانیم. لایان رمال یا دعائوسی موجب قتل یا کلاهبرداری شد.





**داستان‌های کوتاه زیادی به دستم می‌رسد که شماری از آنها ضمن به نمایش گذاشتن استعداد نویسنده‌هایشان در یک نقطه ضعف یا هم وجه اشتراک دارند؛ شروع داستان کوتاه با توصیف طولانی یا کاربرد توصیف زیاد در وسط متن یا هر دو به همین دلیل بر آن شدم که براساس آموزه‌هایی که مدرسیان ادبیات داستانی کشور، خانم‌ها، جناب و صادقی و آقایان؛ طی داده‌ام، **اصطوری محمدعلی، ابراهیمی، بهارلو، سلیمانی، جزینی و مرعشیان** اینکتاب **جمع‌بندی و تدوین کرده‌اند** تا با عنوان **تذکره یادآور شوم**.**

۱- تا حد امکان داستان کوتاه را با توصیف، خصوصاً توصیف طولانی شروع نکنید؛ زیرا گرچه پیش از حرکت ذهن خواننده، او را با آراش به سکون دعوت می‌کنید، اما به لحاظ روانی او زیاد نمی‌تواند در اتاق انتظار، صافت بیازرد بماند هر چه زودتر او را با کشش و گفت‌وگوهایی شخصیت یا شخصیت‌ها مواجه دهید. ۲- توصیف‌های وسط داستان را طولانی نکنید، ولاً خوانندگان آنکه طری مدت زمان مطالعه به حداقل برونی، عاوضتة شدن نویسنده است. متن را رها می‌کنند، توصیف فضای داستان، سر و وضع شخصیت‌ها و چیزهای مشابه، خواننده را سس می‌برد. از آنها می‌گذرد و سراغ سطرهایی می‌رود که خیر از کشش و گفت‌وگو دارند.

آن توضیح را نقل کرده‌ام، واقعه، عمل، سرگذشت یا حالت‌هایی بدانیم، در آن صورت شامل وقایع نقلی می‌شود که تعیین کننده نیستند و در عین حال نمی‌توان آنها را یا فایده و زمان تلقی کرد. اگر صحنه یا زله تصویر متحرک از واقعه و عملکرد شخصیت‌های داستان بدانیم و جایی که جهان متحرک داستان در گردش است (یا به اصطوری صحنه یا نمایگر تصویرهای متحرک بدانیم که با نظریه‌های هستهنگی یادآور آلفا برای داستان کوتاه جهانی‌تر از زمان است. داستان کوتاه به لحاظ حجم اندک هست. وقت گذشتی زیاد به رابطه همی لازم را بین خواننده و داستان قرار ندهد، و خواننده او را وسط و دنیای داستان قرار دهد، بنابراین داستان کوتاه باید بیشتر از تالیفیر که به «پاسنگی» منجر می‌شود، برای

## کتاب‌ها و یاد



فرید امین اسلام



## موقیعت و میزان توصیف در داستان کوتاه

بگیرد این بی‌پاسنگی بارزاصحنه ایجادمی‌شود؛ پس صحنه که به خاطر برخورداری از تحرک گامی بر آن واحد به انجام چند دقیقه معطوف می‌پردازه افلا معرفی شخصیت، مکان، زمان، رابطه، اوبرسرآن داستان را هم تشذیب می‌کند. در داستان کوتاه خصوصاً شرویت پیشتر دارد. در واقع صحنه نمایش ادبی عمل خاصی است که در مکان خاص و زمانی خاص روی داده‌است. در صحنه، نویسنده به خواننده امکان می‌دهد چه می‌گوید. در این حالت خواننده به جهان داستان نزدیک می‌شود.

صحنه بارزترین و جذاب‌ترین ابزار روایت است و آن را باید به لحظه تعیین کننده داستان، لحظه‌هایی که عمل ازیخشی صورت می‌گیرد، لحظه‌هایی که درگیری‌های مهم رخ می‌دهد، لحظه‌هایی که وضعیت‌های مهم پیش می‌آید و لحظه‌هایی که احوال هر کتبه یا تاجیح مهم می‌رسند، اختصاص داد. اما توصیف چنین نیست؛ توصیف ازله تصویر سازی از شیئی بدون است. در توصیف، جهان متحرک داستان موقیعت می‌شود و ما یا بخالد و کشش ما به سیستم، در نتیجه بحث از فشرگی یا عدم فشرگی معنی ندارد. دنیای ساکن بیرون با تصویر سازی دنیای بیرون آن بخش از داستان است که کشش یا گفتاری در آن اتفاق نمی‌افتد. در نتیجه در توصیف، نگاه خواننده روی مکان یا شیئی خاص متمرکز است. در اینجا خواننده خود بحث عمل داستانی و عمل فیزیکی پیش می‌آید. عمل داستانی، حرکت پشرف ماجرا و مسیر بارورده شدن اهداف است. این حرکت، بر دوش عناصر و اجزای داستان است. عناصر و اجزای داستان یا اینکه در عمل داستانی شرکت دارند، اما ممکن است خود یا حرکت و عملی نظری و فیزیکی همراه نباشند. یا به تنگی، بنابراین وقتی جهان متحرک داستان موقیعت می‌شود و خواننده به خواننده می‌گوید که چه می‌بیند، توصیف رخ می‌دهد، به عبارتی رخ روایت از گونهٔ توصیفی می‌شود. به همین دلیل

### کتاب‌ها و یاد



فرید امین اسلام

### کتاب‌ها

فتح الله می‌نیز

روایت را کند می‌کند و به خواننده امکان می‌دهد تصویر ذهنی از یک منظرهٔ خارجی با حالت روحی پیدا کند. اشکل مکان، فیه انسان، احساسات، خصصهٔ آنصورت توصیف به جهان داستان، بعد و تقاسمی بخشد و موقیعت آن را نظر نور، سایه، صدا و حرارت و پوز و مژه معلوم می‌کند در نتیجه خواننده حس می‌کند که جهانی که شخصیت‌ها او خوانده‌اند در آن گیر می‌کنند، از گدازات بی‌جان دوست نشده، بلکه زنده است. واقعیت دارد. یعنی برای آن را دیده‌اید، لمس کرده‌اید، چندین بار شنیده‌اید.

توصیف، به عنوان بنانهٔ و گفت‌اشیا و احساس موضوع موضوع توصیف را تصویر کند و به خواننده تفهال دهد، و چه انکتیسر سوسیتی باشد، گفت‌اشیا و اشخاص را به صوتی که در ذهن نویسنده منعکس شده، تصویر کند، باید در حداقل نگاه داشته شود؛ چون طولانی شدنشان خواننده را ازار می‌دهد. توضیح بسیار مهم، چون توصیف را به مثابه حلقهٔ وسطی بین صحنه‌ها تلقی کنید، ذخیره‌اش را نویسنده متلاً مجدد گفت؛ «مخاطر نسیتم یک ریل خارج اشکانات کتبه، مرم، ضناک سرش را برگرداند و همچنان که زیر نگاه می‌نگرفتند نمی‌دند و رویه بود چشم دوخت که شفقی سر سبز بود و چون دیده‌ای آن آن دیده نمی‌شد و کشی درتر به برگی می‌پیوست که بگم مرطبی در آن هوای گرم و رطوبتی روی آن در حرکت بود. آید بلند می‌کشید، ناگهان جانی این مرمطی بود و آرمش را به سمت قبل برگرداند و تصویر ماتم حامی را روی دیوار محو می‌دید. سایس به روز زد که حالا بخندید پیروزمندانه ای لب داشت و دود سیگارش حلقه‌وار در هوا می‌رفته»

در اینجا شما هم توصیفی از فضای اطراف کرده‌اید و هم در صحنه را به هم انداز داده‌اید. گذار از صحنه به توصیف یکی از بهترین شیوه‌های گذار از صحنه به توصیف است. با توصیف به صحنه این است که توصیف از نگاه شخصیت صورت گیرد و این صورت‌گیری، مشاهدهٔ طبیعی شخصیت باشد؛ همان شخصیتی که در صحنه پیشین عملی انجام داده یا حرشی زده است. با قرار است در صحنه بعدی عملی انجام دهد و در طرفین، ملاحظهٔ نظر که در بالا کردیم گزارا توصیف به صحنه نیز برعکس است به همین شکل باشد. به هر حال گذار از صحنه به توصیف و از توصیف به صحنه باید به لحاظ منطقی، پاسخگویی داستان باشد.



**گفت و گو با مریم رئیس دانا، نویسنده**

# عبور از حقیقت

مریم رئیس دانا متولد ۱۳۴۷ از خانواده‌ای فرهنگی است و از سال‌ها پیش در عرصه ادبیات فعالیت می‌کند. او علاوه بر داستان‌نویسی دستی هم در ترجمه دارد و آثار شاعران و نویسندگان فرانسوی را به فارسی ترجمه می‌کند که بعضی از این ترجمه‌ها در مجلات مختلف ادبی چاپ اولین مجموعه داستان او تحت عنوان «عبوره» به‌وسیله انتشارات نگاه چاپ شده است که شامل ۸ داستان مختلف است. تقریباً همهٔ آن‌ها «مظلومیت زن ایرانی» است. این مصاحبه به پهانه چاپ این مجموعه داستان انجام شده است.

**چرا «عبوره» از چرایی انتخاب نام کتاب برگزید.**

هائیت عزیز جمله بسیار مشهوری دارد؛ دردهٔ زندگی زخمی‌هایی هست که مثل خون روح را آهسته در انزوا می‌خورد و می‌تراشد. و روز خاک‌سپاری مرحوم هوشنگ گلشن‌پور از قول پدر گفت: هوشرن از هوشنگ گلشن‌پور، تو همیشه می‌گفتی از هر زخمی در زندگی‌ات یک اثر بساز جاسید داشتی من که بدادم نمی‌که بداند همی که بداند هم. در داستان‌های من مانند گل‌بوسه به «بوشه‌های سبز» و «سوسه» فرم پهلای مهمتر از مضمون است؛ تا چه حد معتقد هستی که فرم داستانی باید پیچیده باشد؟

**فقری می‌کند فرم محتوا.**
**نوع زبان سخن و همه چیز دیگر در واقع وابسته‌های مضمون یک زنجیر هستند**
**که کلیت یا زنجیر هستند یا مآخذ و داستان را**
**می‌سازند و داستان بر این‌ها بنا می‌شود**
**این مآخذ و داستان خود را دارند و داستانی می‌تواند موقیعت باشد که فرم و محتوا یا هم در یک نقطه به‌یگان برسد و هیچ یک**

**فقری می‌کند فرم محتوا.**

**نوع زبان سخن و همه چیز دیگر در واقع وابسته‌های مضمون یک زنجیر هستند**

**که کلیت یا زنجیر هستند یا مآخذ و داستان را**

**می‌سازند و داستان بر این‌ها بنا می‌شود**

**این مآخذ و داستان خود را دارند و داستانی می‌تواند موقیعت باشد**

**که فرم و محتوا یا هم در یک نقطه به‌یگان برسد و هیچ یک**

آنچه در ادبیات موقی آمیگا و اروپا پیش از هر چیز جلب نظر می‌کند، موضوع پیچیده است و نه فرم پیچیده. ادبیات آن‌ها مطرح کننده روابط پیچیده آدم‌هاست در قالب‌های نه چندان پیچیده.

فکر می‌کنم فرم، محتوا، نوع زبان، سخن و همه چیز دیگر در واقع وابسته‌های متصل یک زنجیر هستند که کلیت داستان را می‌سازند و داستان بر اینها بنا می‌شود. نگاه تک این موارد یعنی خود را دارند و داستانی می‌تواند موقیعت باشد که فرم و محتوا یا هم در یک نقطه به‌یگان برسد و هیچ یک

همان خرواستن است و در نگار بیرون، البته نه مانند ماشین

یا رویات بلکه آگاهی-شاید به همین دلیل بود که اروپچان

تا آخرین لحظه عمر به دنبال حل و جواب معمایین بود.

اما درس مهم در تمام زندگی فروتنی است، اینکه

بدانیم از هر جا عبور می‌کنیم و به هر جا می‌رسیم فقط

اشتباه و انسان هستیم و این همه یعنی هیچ، تا بدان

جا رسید داشتیم من که بدادم نمی‌که بداند هم.

در داستان‌های من مانند گل‌بوسه به «بوشه‌های سبز» و «سوسه» فرم پهلای مهمتر از مضمون است؛ تا چه حد

معتقد هستی که فرم داستانی باید پیچیده باشد؟

**فقری می‌کند فرم محتوا.**

**نوع زبان سخن و همه چیز دیگر در واقع وابسته‌های مضمون یک زنجیر هستند**

**که کلیت یا زنجیر هستند یا مآخذ و داستان را**

**می‌سازند و داستان بر این‌ها بنا می‌شود**

**این مآخذ و داستان خود را دارند و داستانی می‌تواند موقیعت باشد**

**که فرم و محتوا یا هم در یک نقطه به‌یگان برسد و هیچ یک**

آنچه در ادبیات موقی آمیگا و اروپا پیش از هر چیز

جلب نظر می‌کند، موضوع پیچیده است و نه فرم پیچیده.

ادبیات آن‌ها مطرح کننده روابط پیچیده آدم‌هاست در

قالب‌های نه چندان پیچیده.

فکر می‌کنم فرم، محتوا، نوع زبان، سخن و همه چیز دیگر در واقع وابسته‌های متصل یک زنجیر هستند که کلیت داستان را می‌سازند و داستان بر اینها بنا می‌شود. نگاه تک این موارد یعنی خود را دارند و داستانی می‌تواند موقیعت باشد که فرم و محتوا یا هم در یک نقطه به‌یگان برسد و هیچ یک

صورت‌پذیرد و احتیاج به یک تصمیم جمعی دارد. در همین

فرانسه منمدن دخراآل از پیش از جنگ جهانی دوم حق

دوچرخه‌سواری نداشتند و در مخطاتی مثل جیروم کرس

که به نرسیتیزی شهرت دارد زن بودن بعضی وقعات مثل

توئند است.

من قویاً اعتقاد دارم ذهن یک مرد مدرن، زن را مساوی

با خود می‌تاند. غیر از این باشد زن بوده‌اند ولی زنجیرش

بیده نمی‌شود. بحث در نگاه کلیان این است، سخن یک

انسان مدرن، هر انسانی را ساری با خود می‌تاند و غیر از

این باشد انسان برده است. به همین دلیل در فریاد برای

داستان‌ها موضوع به قول شما حول محور مظلومیت زنان

گردیده و در واقع بیان و شرح یک درده بود. لایق، من به

هیچ وجه ناسخ‌اسام جنس در نظام نفاق ندهد؛ اگرچه

در طول تاریخ شدت جنس زن مقهور زنان کمتر است؛

زنی که در زمان‌ها و انتعار مورد ستایش و تجدید و پرستش

قرار می‌گیرد در زندگی واقعی، در زندگی بیرون از شعر و

ادبیات در حق او احصاف می‌شود. زنی که همواره به او

نگاه جنسی می‌شود

کم نیستند. قریب بالظل هارا اندازی که در فرهنگ

خودمان نشان از جنس دوم بودن زن دارد. با وجود این

سایه من هرگز هیچ جنسی را برتر از جنس دیگر

نیستم و نام و گننام بر این است که ذهن برین، صاحب

تعصب جنسی نیست. هرمدانم که به تعالی نوع بشر

فکر کند پیش از آنکه قمیمیت باشد، اندوختست

فرار می‌گیرد. این دو جنس اگر بتوانند در کنار هم و با

همکاری زندگی کنند و از نظر روحی یکدیگر را کامل

کنند تا آسایش می‌رسند، در چنین وضعیتی ذهن به‌طور

کامل باروری می‌شود.



محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

**چرا جامعه ما فرهنگ کنفرانسی رایج نشده است؟**
فرهنگ ما در فرهنگ کنفرانسی روح یافته است، بلکه بهتر از آن، کتاب گزینی هم به چشم می خورد. در میان برخی از لایه های جامعه ما، کتاب چون طاقون و تابلو شده است که به دلیل از آن گریخت و هرگز بدان نزدیک نشده، میزان مطالعه در جامعه ما بسیار آنکه است و موجب جهلست، بجز دانش آموزان و دانشجویان و طلاب، که کنفرانسی را می توان در شان خواندنش دانزد. در میان دیگر فشرهای جامعه، گزینی از کتاب متعارف و چهارست، محترمانه تر بگویم که به فرهنگ جامعه ما فرهنگ شفاهی است. نه فرهنگ کتابی، به عبارت دیگر، معلومات مردم بیشتر بر پایهٔ اسموعات آهنگاست و نه مقررات. روشن است که در فرهنگ شفاهی و بدین دلیل است، ناامنی و نا درستی و تحریف بیشتر است و بدین دلیل است که در احادیث ما صمیمه شده که دیدن از راه افواه ارجح است. گوییم مثلاً اینکه دانشی که از دیده‌ها به دست می آید، پذیرفتار است و در حافظه نمی ماند. این نکته هم در اهمیت آمده بود دانش، امید و کتاب قیده (اندک است). دانش، چینی با کتاب می توان دانست و راه بند نگهاند و نگاه داشتن، سز آنجا است که نیست، «حافظت علمی» نیست و بر مبنی که کتاب نمی خوانند، حافظه علمی ندارند.

اکون در کشور ما روشهای فراوانی برای سوادآموزی شده اما برای کتابخانهی کشور کوشیده می شود. حال آنکه سواد آموزی هدف و منتهای آمان نیست، بلکه مقدماتی برای کتابخانهی است. اگر در جامعه‌ای حتی یک نفر هم سواد آموخته‌اند، ما کتابخانه می توانست آن جامعه هیچ نقاری با یک جامعه مدنی و سوادآموز ندارد. ما سوای آن که کتاب نمی خوانند مطالعه می‌پسرای است که نمی تواند کتاب بخواند. پس در کنار کوششهایی که برای سوادآموزی می شود باید برای کتابخوانی هم کوشید. هم موضوع مهم اهتمام خود، در غیر این صورت آن کوششها بی حاصل، بلکه ضایع، می شود.

به اصل سخن برگردیم، کتاب، کتاب گزینی در جامعه ما به یک علت، که علل متعددی دارد و اگر ما همت گزینج کتابخوانی در جامعه را فراهم یابیم باید علل کتاب گزینی را بشناسیم و از میان بسیم. در کنار آن مقدمات کتابخانهی را در جامعه فراهم سازیم. برای این مقصود موجود، معام مفقود باشد و اگر موجود باشد، و مانع مفقود نباشد و مانع مفقود نباشد و مقصود موجود باشد، هیچ آرمان و برنامه‌ای محقق نمی باشد و با این همه چنین می نماید که برخی از علل کتاب گزینی عبارت است از:

۱.گران بودن یا نودن قیمت کتاب نسبت به نیازگران بودن قیمت کتاب، بلکه گران نمودن قیمت آن نیز از علل کتاب گزینی در جامعه است. همین که مردم تصور کنند قیمت کتاب گران است خرید آن خود را می کنند، از طرفی کتاب گران است و بدین ریمان به مردم ثابت کرد که قیمت کتاب گران است و باید کتاب خرید. آلمان باید، خود احساس کند که کتاب ارزان است.

۲. کمبود کتابخانه، بروز کیفیتهای هلی که برخی کتاب به امانت دهند و به محل سکونت و کار مردم نزدیک باشند.

۳. کتاب زدگی و به عبارت دیگر، سرخرودگی از کتاب به سبب خواندن کتابهای سست و سطحی و بی محتوا و فویر کتابهای بازاری و ضعیف و سست در جامعه ما موجب شده است که عده‌ای پس از مدتی کتابخوانی، چون قایده و کتابی از این کتابها ندانند، بکلی کتاب زده شدند. آری، هر کس به حدی ضعیف موجب کنارزدگی می شود و کتاب زدگی نیز موجب کنارزدگی می شود.

۴. کمبود با بود وقت، همیشه است هنگامی که مردم برای بگردن آن شگم می بیج بیج، مجبور شوند که دو شغل اختیار کنند و این شگم تا شام باقی نماند، دیگر وقت و فرصتی پیدا نمی کند که به کتاب اختصاص دهند.

۵. قدرت تحریمات تلویزیون، به نظر من یکی از مهمترین علل کتاب گزینی هم، در جامعه ما و هم در دیگر جوامع، وجود این جبهه جادویی علیه مطالعه است که آن را تلویزیون می خواند، هرگز نمی تواند، معلومات مطالعه شاخص نشان دهد و هر چه تلویزیون آمده، کتاب را تحت اشباع قرار



محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

**چرا جامعه ما فرهنگ کنفرانسی رایج نشده است؟**
فرهنگ ما در فرهنگ کنفرانسی روح یافته است، بلکه بهتر از آن، کتاب گزینی هم به چشم می رسد. در میان برخی از لایه های جامعه ما، کتاب چون طاقون و تابلو شده است که به دلیل از آن گریخت و هرگز بدان نزدیک نشده، میزان مطالعه در جامعه ما بسیار آنکه است و موجب جهلست، بجز دانش آموزان و دانشجویان و طلاب، که کنفرانسی را می توان در شان خواندنش دانزد. در میان دیگر فشرهای جامعه، گزینی از کتاب متعارف و چهارست، محترمانه تر بگویم که به فرهنگ جامعه ما فرهنگ شفاهی است. نه فرهنگ کتابی، به عبارت دیگر، معلومات مردم بیشتر بر پایهٔ اسموعات آهنگاست و نه مقررات. روشن است که در فرهنگ شفاهی و بدین دلیل است، ناامنی و نا درستی و تحریف بیشتر است و بدین دلیل است که در احادیث ما صمیمه شده که دیدن از راه افواه ارجح است. گوییم مثلاً اینکه دانشی که از دیده‌ها به دست می آید، پذیرفتار است و در حافظه نمی ماند. این نکته هم در اهمیت آمده بود دانش، امید و کتاب قیده (اندک است). دانش، چینی با کتاب می توان دانست و راه بند نگهاند و نگاه داشتن، سز آنجا است که نیست، «حافظت علمی» نیست و بر مبنی که کتاب نمی خوانند، حافظه علمی ندارند.

اکون در کشور ما روشهای فراوانی برای سوادآموزی شده اما برای کتابخانهی کشور کوشیده می شود. حال آنکه سواد آموزی هدف و منتهای آمان نیست، بلکه مقدماتی برای کتابخانهی است. اگر در جامعه‌ای حتی یک نفر هم سواد آموخته‌اند، ما کتابخانه می توانست آن جامعه هیچ نقاری با یک جامعه مدنی و سوادآموز ندارد. ما سوای آن که کتاب نمی خوانند مطالعه می‌پسرای است که نمی تواند کتاب بخواند.

۱.گران بودن یا نودن قیمت کتاب نسبت به نیازگران بودن قیمت کتاب، بلکه گران نمودن قیمت آن نیز از علل کتاب گزینی در جامعه است. همین که مردم تصور کنند قیمت کتاب گران است خرید آن خود را می کنند، از طرفی کتاب گران است و بدین ریمان به مردم ثابت کرد که قیمت کتاب گران است و باید کتاب خرید. آلمان باید، خود احساس کند که کتاب ارزان است.

۲. کمبود کتابخانه، بروز کیفیتهای هلی که برخی کتاب به امانت دهند و به محل سکونت و کار مردم نزدیک باشند.

۳. کتاب زدگی و به عبارت دیگر، سرخرودگی از کتاب به سبب خواندن کتابهای سست و سطحی و بی محتوا و فویر کتابهای بازاری و ضعیف و سست در جامعه ما موجب شده است که عده‌ای پس از مدتی کتابخوانی، چون قایده و کتابی از این کتابها ندانند، بکلی کتاب زده شدند. آری، هر کس به حدی ضعیف موجب کنارزدگی می شود و کتاب زدگی نیز موجب کنارزدگی می شود.

۴. کمبود با بود وقت، همیشه است هنگامی که مردم برای بگردن آن شگم می بیج بیج، مجبور شوند که دو شغل اختیار کنند و این شگم تا شام باقی نماند، دیگر وقت و فرصتی پیدا نمی کند که به کتاب اختصاص دهند.

۵. قدرت تحریمات تلویزیون، به نظر من یکی از مهمترین علل کتاب گزینی هم، در جامعه ما و هم در دیگر جوامع، وجود این جبهه جادویی علیه مطالعه است که آن را تلویزیون می خواند، هرگز نمی تواند، معلومات مطالعه شاخص نشان دهد و هر چه تلویزیون آمده، کتاب را تحت اشباع قرار

به اصل سخن برگردیم، کتاب، کتاب گزینی در جامعه ما به یک علت، که علل متعددی دارد و اگر ما همت گزینج کتابخوانی در جامعه را فراهم یابیم باید علل کتاب گزینی را بشناسیم و از میان بسیم. در کنار آن مقدمات کتابخانهی را در جامعه فراهم سازیم. برای این مقصود موجود، معام مفقود باشد و اگر موجود باشد، و مانع مفقود نباشد و مانع مفقود نباشد و مقصود موجود باشد، هیچ آرمان و برنامه‌ای محقق نمی باشد و با این همه چنین می نماید که برخی از علل کتاب گزینی عبارت است از:

۱.گران بودن یا نودن قیمت کتاب نسبت به نیازگران بودن قیمت کتاب، بلکه گران نمودن قیمت آن نیز از علل کتاب گزینی در جامعه است. همین که مردم تصور کنند قیمت کتاب گران است خرید آن خود را می کنند، از طرفی کتاب گران است و بدین ریمان به مردم ثابت کرد که قیمت کتاب گران است و باید کتاب خرید. آلمان باید، خود احساس کند که کتاب ارزان است.

۲. کمبود کتابخانه، بروز کیفیتهای هلی که برخی کتاب به امانت دهند و به محل سکونت و کار مردم نزدیک باشند.

۳. کتاب زدگی و به عبارت دیگر، سرخرودگی از کتاب به سبب خواندن کتابهای سست و سطحی و بی محتوا و فویر کتابهای بازاری و ضعیف و سست در جامعه ما موجب شده است که عده‌ای پس از مدتی کتابخوانی، چون قایده و کتابی از این کتابها ندانند، بکلی کتاب زده شدند. آری، هر کس به حدی ضعیف موجب کنارزدگی می شود و کتاب زدگی نیز موجب کنارزدگی می شود.

۴. کمبود با بود وقت، همیشه است هنگامی که مردم برای بگردن آن شگم می بیج بیج، مجبور شوند که دو شغل اختیار کنند و این شگم تا شام باقی نماند، دیگر وقت و فرصتی پیدا نمی کند که به کتاب اختصاص دهند.

۵. قدرت تحریمات تلویزیون، به نظر من یکی از مهمترین علل کتاب گزینی هم، در جامعه ما و هم در دیگر جوامع، وجود این جبهه جادویی علیه مطالعه است که آن را تلویزیون می خواند، هرگز نمی تواند، معلومات مطالعه شاخص نشان دهد و هر چه تلویزیون آمده، کتاب را تحت اشباع قرار

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

طرح بجهای جدید و جدی و دست و پنجه نرم کردن با نظریات نژ دزمی در پاره‌ای دیگر از کتابها مانند کتابهای تاریخی، تحقیق و تتبع و استقصا، چنانکه باید، ملاحظه نمی شود و یک خط در میان اسامی سخن سرورده شماری دیگر از کتابها نامتن کند. بازها و حمله‌های جامعه نیست و بر حسب اولویتها و ضرورتها نوشته شده و بود و نبود آن یکسان است. در برخی دیگر از کتابها به کلی گویی دربارهٔ مسائل پرداخته می شود. بسیاری از نویسندگان به جای اینکه همهٔ زوایا و احیاء جزئیات یک موضوع بپردازند و بفرع فروع کنند، صرفه در این می بینند که به کلی گویی بپردازند و به همان مطالبی که دیگران گفته اند، نوشته اند. بنسده کند. آخرین سخن این بود، از اغلب کتابها وقت و پارگی نیست. اوقات ملاحظه نمی شود، از میزان وقت نویسندگان معاصر مانده است و به سرعت آنان افزوده شده و بسیاری نویسی و سر به نوشتنی سلاح رایج گردیده است.

۱.گران بودن یا نودن قیمت کتاب نسبت به نیازگران بودن قیمت کتاب، بلکه گران نمودن قیمت آن نیز از علل کتاب گزینی در جامعه است. همین که مردم تصور کنند قیمت کتاب گران است خرید آن خود را می کنند، از طرفی کتاب گران است و بدین ریمان به مردم ثابت کرد که قیمت کتاب گران است و باید کتاب خرید. آلمان باید، خود احساس کند که کتاب ارزان است.

۲. کمبود کتابخانه، بروز کیفیتهای هلی که برخی کتاب به امانت دهند و به محل سکونت و کار مردم نزدیک باشند.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.



**کفت و گو با محمّد اسفندیاری**

# از بهتر نویسی تا بیشتر نویسی

**محمّد اسفندیاری** متولد ۱۳۳۸، پس از پایان تحصیلات در تهران، روانه حوزه علمیه قم شد. هم‌زمان با تحصیل و استفاده از محضر اساتید مختلف، به تحقیق پرداخت و کتاب‌های متعددی نوشت وی تخصص نخست خود را اسلام‌شناسی و تخصص دوم خویش را کتابشناسی می‌داند و تأثیرش نیز در این حوزه گواه ارزنده‌ای است. برخی از آثار وی عبارتند از: کتاب‌زودهی، کتابشناخت، کتابشناسی تاریخی امام حسین (ع)، کتابشناسی توصیفی دکتر علی شریعتی، قند پاریس، بعد اجتماع اسلام، خود و محمود، راه خوشبختی و همه ما پادرمی

طرح بجهای جدید و جدی و دست و پنجه نرم کردن با نظریات نژ دزمی در پاره‌ای دیگر از کتابها مانند کتابهای تاریخی، تحقیق و تتبع و استقصا، چنانکه باید، ملاحظه نمی شود و یک خط در میان اسامی سخن سرورده شماری دیگر از کتابها نامتن کند. بازها و حمله‌های جامعه نیست و بر حسب اولویتها و ضرورتها نوشته شده و بود و نبود آن یکسان است. در برخی دیگر از کتابها به کلی گویی دربارهٔ مسائل پرداخته می شود. بسیاری از نویسندگان به جای اینکه همهٔ زوایا و احیاء جزئیات یک موضوع بپردازند و بفرع فروع کنند، صرفه در این می بینند که به کلی گویی بپردازند و به همان مطالبی که دیگران گفته اند، نوشته اند. بنسده کند. آخرین سخن این بود، از اغلب کتابها وقت و پارگی نیست. اوقات ملاحظه نمی شود، از میزان وقت نویسندگان معاصر مانده است و به سرعت آنان افزوده شده و بسیاری نویسی و سر به نوشتنی سلاح رایج گردیده است.

۱.گران بودن یا نودن قیمت کتاب نسبت به نیازگران بودن قیمت کتاب، بلکه گران نمودن قیمت آن نیز از علل کتاب گزینی در جامعه است. همین که مردم تصور کنند قیمت کتاب گران است خرید آن خود را می کنند، از طرفی کتاب گران است و بدین ریمان به مردم ثابت کرد که قیمت کتاب گران است و باید کتاب خرید. آلمان باید، خود احساس کند که کتاب ارزان است.

۲. کمبود کتابخانه، بروز کیفیتهای هلی که برخی کتاب به امانت دهند و به محل سکونت و کار مردم نزدیک باشند.

۳. کتاب زدگی و به عبارت دیگر، سرخرودگی از کتاب به سبب خواندن کتابهای سست و سطحی و بی محتوا و فویر کتابهای بازاری و ضعیف و سست در جامعه ما موجب شده است که عده‌ای پس از مدتی کتابخوانی، چون قایده و کتابی از این کتابها ندانند، بکلی کتاب زده شدند. آری، هر کس به حدی ضعیف موجب کنارزدگی می شود و کتاب زدگی نیز موجب کنارزدگی می شود.

۴. کمبود با بود وقت، همیشه است هنگامی که مردم برای بگردن آن شگم می بیج بیج، مجبور شوند که دو شغل اختیار کنند و این شگم تا شام باقی نماند، دیگر وقت و فرصتی پیدا نمی کند که به کتاب اختصاص دهند.

۵. قدرت تحریمات تلویزیون، به نظر من یکی از مهمترین علل کتاب گزینی هم، در جامعه ما و هم در دیگر جوامع، وجود این جبهه جادویی علیه مطالعه است که آن را تلویزیون می خواند، هرگز نمی تواند، معلومات مطالعه شاخص نشان دهد و هر چه تلویزیون آمده، کتاب را تحت اشباع قرار

به اصل سخن برگردیم، کتاب، کتاب گزینی در جامعه ما به یک علت، که علل متعددی دارد و اگر ما همت گزینج کتابخوانی در جامعه را فراهم یابیم باید علل کتاب گزینی را بشناسیم و از میان بسیم. در کنار آن مقدمات کتابخانهی را در جامعه فراهم سازیم. برای این مقصود موجود، معام مفقود باشد و اگر موجود باشد، و مانع مفقود نباشد و مانع مفقود نباشد و مقصود موجود باشد، هیچ آرمان و برنامه‌ای محقق نمی باشد و با این همه چنین می نماید که برخی از علل کتاب گزینی عبارت است از:

۱.گران بودن یا نودن قیمت کتاب نسبت به نیازگران بودن قیمت کتاب، بلکه گران نمودن قیمت آن نیز از علل کتاب گزینی در جامعه است. همین که مردم تصور کنند قیمت کتاب گران است خرید آن خود را می کنند، از طرفی کتاب گران است و بدین ریمان به مردم ثابت کرد که قیمت کتاب گران است و باید کتاب خرید. آلمان باید، خود احساس کند که کتاب ارزان است.

۲. کمبود کتابخانه، بروز کیفیتهای هلی که برخی کتاب به امانت دهند و به محل سکونت و کار مردم نزدیک باشند.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

محمدمهدی باقری، نویسنده و محقق کتابهای متعددی است.

(دقیق باشد.

۲.روحیهٔ نقادى، چنانکه می‌دانیم کشف عیبا حاصل عیبجوی است و چون یکی از کارهای ویراستار کشف عیبهای یک اثر است، لذا وی باید فردی عیب‌بین و حتی عیبجو باشد و روحیهٔ نقادى داشته باشد. کسی که آسانگیر و نلن‌العریکه و عیب‌پوش و اهل اغماض باشد، روحیهٔ نقادى ندارد، و کسی که روحیهٔ نقادى ندارد، نه می‌تواند زشتی یک اثر را ببیند و نه زیادهای آن را به‌نگه تسلیم آن می‌شود. وی می‌بازد صورتی بهتر غیر از آن ممکن نیست. البته عیب‌بینی و عیب‌پوشی یا عیب‌ستیزی و عیب‌تراشی تفاوت دارد و مقصود ما آن است و نه این. لابد می‌گوید که حافظ گفته است:
اگر هر که بی‌هرز گفته نظر به عیب کند،
اما در کار ویرایش نظر به عیبا هر است، چنانکه نظر نکردن به هرزا نیز عیب است.

۳.فداکاری، از آنجا که نمرهٔ آثار ویراستار، در نهایت، به نام نویسنده است، پس وی باید فردی فداکار باشد تا حاضر شود که نمرهٔ کارش را دیگری برداشت کند. این درست است که ویراستار در مقابل کاری که انجام می‌دهد مورد دریافت می‌گردد، اما با پول نمی‌توان همهٔ اجتناب ویراستار را جبران کرد. تجربهٔ هم نشان داده است که اگر فردی در ویراستاری خرم باشد، دقیق و فکرمند باشد، اما اهل فداکاری و از خودگذشتگی نباشد، ویراستار خوبی نیست. از قول من بودیسه که «ویراستاری، و فداکاری، قرین یکدیگرند. آنکه فداکار نیست، ویراستار باوفایی نیست، و آنکه تنها به نام و نان خود می‌اندیشد، نمی‌تواند به جرگهٔ ویراستاران را نماند. شترنده سخن آنکه «خرده‌بینی و خرده‌گری» و «از خودگذشتگی» سه ویژگی مهمی است که هر ویراستاری باید دارا باشد.

**مهمترین ویژگی‌ای که هر نویسنده باید داشته باشد، چیست؟**



### ◆مهمترین ویژگی‌ای که هر نویسنده، بلکه هر فرد، باید بدان آراسته باشد، در یک کلام، عبارت است از «تقوای فکری»

مهمترین ویژگی‌ای که هر نویسنده، بلکه هر فرد، باید بدان آراسته باشد، در یک کلام، عبارت است از تقوای فکری. شرح این کلام نیازمند به یک کتاب است، چه تاکنون از تقوای فکری سخن گفته نشده و این موضوع مهم به نماند، که گد ناپدید مانده است. اما دریا که لیکن امکان بسط کلام دربارهٔ تقوای فکری نیست تا فاد آن داده شود و تاگریزیاید به اشرافای اقتضار گردد.

آیات وروایاتی که دربارهٔ تقوای فکری، داشته‌اند، می‌شود که تقوای سه قسم است: تقوای فکری، تقوای قلبی و تقوای عملی. به دیگر سخن، تقوای فکری و قلبی و جراح است. تقوای فکری در مقابل گناه فکری (اجود فکر و شرک است و تقوای قلبی در مقابل گناه قلبی (اجود قیل و تلفظ است، و تقوای عملی در مقابل گناه عملی (اجود فعل و تقوای زبان است. همان گونه که گناهان به سه بخش تقسیم می‌شود، تقوای نیز بر سه گونه است. از میان اقسام گناه گناه فکری بزرگتر و مهم‌کنگتر از دیگر گناهان و بزرگترنده به آنهاست. چنانکه از میان اقسام تقوای فکری مهمتر از دیگر اقسام تقوا و زکن و اساس آنهاست.

تقوای فکری عبارت است از داشتن فکر و عقیدهٔ مطابق باواقع و حقایق، گوشش برای رسیدن به آن، به عبارت دیگر، تقوای فکری یعنی حق‌جویی و دوستی باحقیقت و درست‌گویی و دوستی کدوسمعی به قدر امکان برای دست یازیدن به آن. باشر این‌کسی که یک‌سورگ و جهرت‌زاده و شخصیت‌زده و مطول‌بن و معصب است آنچه را نمی‌داند، رد قبول می‌کند یا صاحب و معصب به مسائل می‌نگرد و واقع نیست و تقوای فکری می‌تواند به پیشداوری باشد، درست فکر و شخصیت‌زدگی و این گونهٔ ویژگیها از گناهان فکری و حجاب معرفت است و کسی باید این ویژگیها نمی‌تواند به فکر درست و عقیدهٔ راستین دست یابد.

بازی، سخن در این برده که مهمترین ویژگی هر نویسنده، تقوای فکری است. هر نویسنده باید در روند تحقیق به حق بیندیشد، و باحق حق را درآفدند و بسواً شرح گوشش خود قرار دهد. و از گناهان فکری بپرهیزد و آنگاه که قلم بر کاغذ می‌نهد، جز حق نویسد و برای حق نویسد.

## زنگ و واژه

شهاب ذوالریاضیان

## در گفت و گو با کتاب هفته

# عبدالرحیم جعفری از انجوی شیرازی می‌گوید



دیدارش می‌رفتید ـ چه خاطره یا خاطره‌هایی از آن دوران به یاد دارید؟
انقلاب برای من پیش‌بیباید، زمان مرحوم انجوی شیرازی از من خواست به مدرسه که آن موقع یکی از چندین یادگیر و مصمم‌تره در خبیانان جعفری چرا افتاد. کار خود را توسعه

می‌دهی، این فرگشتها را برای چه تأسیس می‌کنی؟ این سروصداها چیست که در اطرافت بلند کرده‌ای، آن موقع اکثر سبها انتشارات خوارزمی و شرکت سهامی کتابهای جیبی و دبیرالعلمای صاحب‌به امیرکبیر و گذار شده بود. مرحوم انجوی آن روز گفت تو نمی‌دانی که چه سرزهایی پشت سرت در آرزوه‌اند، نکن آقا، چنانگشور «استر فدیک و دهانگ و مذهبگاه» است، نکن آقا، نکن. به عادت هیستگنجی خود این کلمهٔ «نکن» را با تغییر و تکمیل می‌گفت. من آن سالها هم چندان در عالم بلندپروازیهای خود و انتشار بی در پی کتاب توسعهٔ امیرکبیر و جهانگه و فرورنگانهها بودم و به این تصاحب توجهی نمی‌کردم. بعد از انقلاب و هنگامی که از زندان آزاد شدم به دیدم آمد و با لیسندهی ملاحظه و سرزشتن آمیز گفت به تو نمی‌گفتند، در این مملکت جای این کارها نیست باید پیاده شوی و دبیرگران ببری، مرحوم انجوی از دانشندان و دستداران زیادی داشت که به او علاقه‌مند بودند و دوست داشتند که ملاقات بود که آدم در آن احساس آرازش می‌کرد هم از مسالحتی او لذت می‌برد هم در معاملاتش اضافه می‌شد. آقای انجوی با آن جبهه و این صفای مخصوص خود در اتاق کرچکتش که در روزهاور آن را نقش‌های کتاب بودی می‌نشست و بجای سیاه خود را در فرش می‌انداخت و از دستانتش پادبازی می‌کرد، با این که از مال زیاد زیاد بهره‌مندی بود. در خانهٔ کوچکش همیشه بازی بود. کمتر مومنی بود که در خانهٔ ایشی سته باشد. محفل او محفل بحث و نقد کتاب و اثبات و شعر بود. حرف از او که روز از میان ما رفت ـ او کارگشای گرفتاریهای مردم اهل محل خود بود هر چند بضاعت چندانی نداشت اما از هیچکوه کمک مالی به دستمندان محل خود دروغ نمی‌گردد و شریک درد و غم و گرفتاریهای آنها بود و همیشه تألمت می‌خورد از اینکه نمی‌توانست زندگی من بود.

از دستانتی که یاد می‌کنید شنیده بودم که آقای انجوی با سدهای از پاران معروف به اصحاب سه‌شنبه سالها روی سینه‌ای از حافظ کار کار چه شد؟

در آن سالها می‌شنیدم که آقای انجوی با چند تن از دانشندان، یعنی دکتر مهدی پرهام، دکتر مصطفی مقربی، دکتر شادالین خراسانی، اسماعیل صارمی، ولی‌الله دردیان، اسماعیل نیاورانی همکاری می‌کند و یک نسخه از دیوان حافظ را با کمک آنها تصحیح کرده است.

یکی از روزهایی که به دیدنش رفتم بودم، گفت آقای جعفری دیوان حافظ که روی آن ده دوازده سال کار کرده‌ام و چند نفر از او تو چاپ و منتشر کنی، به این اعتماد دارم. به ایشان گفتهٔ آقای انجوی شما می‌دانید من حالا ناشر نیستم خانه نشینم و دستم‌گم را تصرف کرده‌اند ـ چرا به ناشر خودتان نمی‌دهید. گفت من می‌دانم تو حالا ناشر نیستی ولی همهٔ چاپخانه‌ها و ناشران با تو دوست هستند، ناشر خودم همان نسخهٔ قبلی حافظ را که چندبار چاپ کرده تجدید چاپ خواهد کرد. اما من از تو نمی‌خواهم مسئولیت چاپ این حافظ جدید را قبول کنی و زیر نظر خودت به وسیلهٔ هر ناشری که مایل باشی چاپ و منتشر شود.

پس از درگذشت آقای انجوی، آقای دردیان که یکی از همکاران او در تصحیح این حافظ بود نظارت بر کار خروچینی و تصحیح آن را به عهده گرفت پس از چند سال با برسیبهای مجددی که همکاران آقای انجوی کرده‌اند این حافظ برای چاپ آماده شده است و بد که سالهاست به اجبار زمانه دستم از کار نشتر کوتاه شده است این کتاب را به آقای علی دهخانی دستم از کار نشتر کوتاه شده است این کتاب را نزدیک بودند سیدرم که هر طور صلاح می‌داند عمل کنند.

سه شنبه ۲۵ شهریور سالروز خاموشی زنده‌یاد استاد سیدابوالقاسم انجوی شیرازی است. وی یکی از ستون‌های اصلی جمع‌آوری و تدوین فرهنگ مردم بعد از زنده‌یادان دهخدا و هدایت به شمار می‌رود و آثار ارزشمندی در این زمینه ماندگار خواهد ماند. انجوی متولد ۱۳۰۰ در شیراز بود آشنایی با هدایت (۱۳۷۸) در زندگی انجوی نقطهٔ عطفی به شمار می‌رود. این آشنایی به دوستی عمیقی مبدل شد که تا پایان عمر صادق هدایت ادامه یافت. انجوی شیرازی فعالیت مطبوعاتی هم داشته است که منجر به حبس و زندان برای او شد. عشق به فرهنگ مردم و ادامه راه هدایت انجوی را به یاد می‌کشاند. از حدود اوایل سال ۱۳۴۰ برنامهٔ فرهنگ مردم» را بنیاد گذاشت که ماهی یکبار در ابتدا به مدت نیم ساعت و بعدها هفتاد یکبار از رادیو پیش می‌شد که تا سال ۱۳۵۷ ادامه داشت. دو همان دوران اقدام به تأسیس «مرکز فرهنگ مردم» کرد. این مرکز تنها امکانی بود که شیوهٔ صحیح گردآوری فرهنگ مردم را به علاقه‌مندان می‌آموخت. وی در سالهای پس از انقلاب به اجبار خانه‌نشین شد. در این دوران از جمله ویرایش جدیدی از دیوان حافظ را که در سال ۲۵ منتشر کرده بود با همراهی گروهی از یارانش آماده کرد. استاد سیدابوالقاسم انجوی شیرازی سرانجام روز ۵ شنبه ۲۵ شهریور ۱۳۷۱ در بیمارستان آبان درگذشت. پادش گرامی یاد به یاد او در سالروز خاموشی‌اش با یکی از دوستان نزدیکش به گفتگو نشسته‌ایم که می‌خوانید.

قبل از هر چیز خراسم خواستگم از اولین آشنایهای خود با آقای انجوی بگویند، کی و بعداً بود؟
از اوایل تأسیس فرورنگاه امیرکبیر در ناصرخسرو که آقای انجوی روزنامهٔ آشتیبار منتشر می‌کرد با ایشان آشنا شدم. هر از چندگاهی به آن فرورنگاه می‌آمد. این فرورنگاه نزدیک میدان ارک بود که ادارهٔ رادیو در آنجا قرار داشت. سر راه هنرمندان و نویسندگان برنامه‌های رادیو بود. مرحوم مسیحی مهدی هم زیاد به این

فرورنگاه می‌آمد. یک روز انجوی از من خواست که با هم به خانهٔ آقای علی دشتی برویم که در ریخستان شیراز نزدیک خانهٔ آقای عباس مسعودی مدیر روزنامهٔ اطلاعات بود. آن روز زنده‌یاد آقای عبدالرسولی خطاط معروف هم در خانهٔ دشتی حضور داشت که دیوان حافظ را خوشنویسی کرده

بود. و به من پیشنهاد کردند که آن را به سرمایه امیرکبیر چاپ کنیم. ولی سیدعلی که عبدالرسولی می‌خواست در مقدمات یک ناشر بخش خصوصی نبود و مذاکرات بی نتیجه ماند ـ چند سال بعد آن نسخه را فرج پهلوی برای نشوین و فخرزادنی و کمک به آقای عبدالرسولی به سه میلیون و پانصد هزار تومان خریداری کرد که پس از انقلاب در سال ۱۳۴۷ به قطع بزرگ با تقاضای و تذهیب توسط پوسنگو در تهران منتشر شد. چندی بعد علی دشتی کتاب شاعری دیرآشنا را برای چاپ به امیرکبیر داد که انجوی شیرازی تصحیح مطبعی اول و دوم آن را انجام می‌داد. از آن تاریخ بود که روابط من با مرحوم انجوی نزدیکتر و صمیمانه‌تر شد.

شما در سالهای قبل از انقلاب علاوه بر دوستی و آشنایی با آقای انجوی ناشر آثار او هم بودید. چه شد که انجوی همکاری خود را با شما آغاز کرد؟
پس از این که «خاقانی شاعری دیرآشنا» منتشر شد انجوی که چاپ و نفیسات آن کتاب را دید تصمیم گرفت با امیرکبیر همکاری کند و بدین ترتیب یک پژوهشگر و دوستی ما ادامه پیدا کرد. به عنوان یک پژوهشگر و نویسنده در بین صدها نویسنده و پژوهنده که با امیرکبیر کار کرده‌اند آقای انجوی دارای چه ویژگیهایی بود ـ دوستی و آشنایی شما در بعد از انقلاب چگونه بود؟

اطلاعات عمومی و مردم‌شناسی و روابط او با اهل قلم زیاد بود ـ برنامهٔ رادیویی «فرهنگ مردم» را با تخلص «نحوه از رادیو تهران اجرا می‌کرد که در ایران و جهان طرفداران زیادی داشت. شجاعت و صریح‌اللهجه بود. آدم می‌توانست به او اعتماد کند ـ شجاعت و بلندفطرتی و طرز صحبت کردن او مرا مجذوب خود کرده بود ـ او علاوه بر مؤلف برای من یک دوست و رفیق از مبلغین انتشارات امیرکبیر بود ـ زندگی مرا از آغاز می‌دانست و به من التفات زیاد داشت. در کتاب خاطرات خود از او یادها کرده‌ام.

شما از یاران و نزدیکان آقای انجوی بودید که به طور مرتب و منظم به

در آستانه تدوین **برنامه توسعه چهارم اقتصادی** در مجلس شورای اسلامی همه چندسده به مجلس در خدمت آمده‌است. چشمن صحت و معنای بیژن گفنی، استیضاح، نهادنش و درمان آموزش بیروزش، آموزش عالی و تخته وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و ریوسجموعه‌های گسترده و عظیم خود، اهداف ملی که برای تصویب پرداختن نیم درصد از اجزای اعتبارات عمرانی به بخش‌های مردمی فرهنگ، آموزش عالی و ارشاد اسلامی اختصاص نیم درصد از اعتبارات عمرانی دستک‌های اجرایی به بخش‌های مختلف

فرهنگی و هنری از تصویب حیات دولت گذشت. به این ترتیب ۹۰ میلیارد ریال از اعتبارات عمرانی به فرهنگ اختصاص داده خواهد شد. در صورت تحقق شدن این میزان اعتبار، اجرای بودجه در عرصه فرهنگ و هنر کشور ایجاد خواهد شد. با تطبیق این لایحه برای اولین بار دستک‌های مختلف به تخصیص بخشی از اعتبارات بود برای توسعه فرهنگی کشور منگنه می‌شوند.

در شرایطی که بخش فرهنگ در سه برنامه توسعه اقتصادی گسترین نگاهها را به خود مصروف کرده بود، تصویب این‌زمانه شاید قدرتی از تکرارِ ما را در این حوزه کاملن دهد هرچند که تاکنون بخشی فرهنگ هنوز بر تاقهای پود و سپس بر سطح فعالیت‌ها بودجه در بخش‌های مختلف نظام را وارد می‌نماند. مهدی افشار مدیر انتشارات واپژا و مدیرمجموعه با اوزان گوناگی از چشم‌انداز نقش فرهنگ در برنامه توسعه چهارم، مبنای مستند است این‌زمانه به تهنایت نتوانماد تاوانست باقی‌مانده از مشکلات مالی این حوزه بیاورد. راه حل‌های گسترش‌زود، اجرایی‌ای و طولانی مدت‌تر می‌میلد.

در آستانه تدوین برنامه چهارم اقتصادی، به نظر می‌رسد نامیاری از مبان اعلیٰ فرهنگ بروجع می‌ماند، بسیاری از آنان حتی کوچکترین اطمینانی به ایجاد شرایط یمنه‌ای برای نشز روند چاب کتاب، صدور مجوزها، شناگران ک فروش کتاب ندارند. به عقیده شما برنامه توسعه چهارم یا چه چشم‌اندازی می‌هواه است؟

اما از یکجور توسعه برنامه‌های توسعه اول تا سوم در قلمرو فرهنگ منگوب چندان موفق بوده‌است. این ناکامی را نباید تنها به حساب ارشاد گذاشت که از منظر محدودیت‌های انحصاری حاکم بر نشر و فرهنگی که بر وزارت ارشاد وارد می‌شود نیز باید درگرسنت. عظمی‌است که فعالیتت عطفی و بی‌اساسان محسوس در قالب مبان و دولشان بر خاندانه‌های اینگوزگان اثر می‌آوردن می‌تواند رواج‌نگاری نشاند متعلق بین‌اساسان محسوس در قالب مبان و دولشان بر خاندانه‌های

راه انحراف می‌کنشاند. اما در عین حال بر این باورم که بیان عطفی و ابراز احساسات مهروزانه بالاخص بین دو جنبش معنایی می‌تواند جامعه جوان‌مارا به سوی احساساتی درست‌تر انگیزی و درواز خندرتن سوق دهد. سخت‌گیرب‌هایی که در انتشار کتاب به عمل می‌آید حتی که به صورت گنگ‌نظری مشامده می‌شود- که البته بیشتر مربوط به گذشته ارشاد است تا امروز- آن نیز جوانان را از خوانندگی بازمی‌اندازد. می‌گردد و عطفاً اثر را تبدیل به عطش‌های اعلیٰ و در حد آشنش‌های بی‌نیستی با تزل‌ی‌شده، سخت‌گیرب‌هایی که در آن حداست که کتابی که ستاییده‌شده و پروده بینش‌های جمهوری اسلامی رفته یا تزل‌ی‌شده جمهوری اسلامی بدیشاند داده شده‌بمی به تصویر کشیده شده‌است. اجازه ارشاد نشز نمی‌آید و این عصبیتی است در قلمرو کتاب که خواننده را با مطالعه بازمی‌راند و شوق مطالعه را فرد می‌مشکند و در نتیجه با گذشتن متن از صفای‌های مختلف، آنچه به جای می‌ماند غفای بی‌معنی است که قافز

گزارایی است و جوانان شیشه احساسات و وابسته به عواطف را به آن زنجیرب‌بستند. در هر حال محسوس در سال‌های اخیر ارشاد گزینشده‌است تاوانبر شناش‌های افراد کند ساربن‌های غیرسوزل‌مطالعت کند. لیکن در مواردی پاره‌ای جوسنیم ندانسته و بسیاری از زیبای‌های آثار اطراف منگوب شده‌است و آنچه مانده اثری بی‌معنی است. باز هم باید تأکید کنم که فریج‌نگاری و فریج‌گوئی مطراوت از بیان عواطف و عطفانه و لطافت‌های احساسی است که جامعه را تطبیق می‌کند. میل به خندرتن را از این می‌رود و به جای آن جریان‌سالم اجتماعی را باید می‌آورد.

در برنامه توسعه چهارم همه ادبشده‌ها در قلمرو فرهنگ باید مصروف به مخاطب شود. این مخاطب است که به جریان نشر جوسنیم و پرتکت می‌بخشند. اگر مخاطبان را جلب کند کنییم تاوانستیم رونق فرازان نشر پیدا و به تکرلی همه این تلاش‌ها سالانه به اتفاق موضوع می‌شود. در برنامه پیشین عددنگاه‌ها به نشر و نیز حمایت از نشر به جهت تولید انبوه و افزایش ناشران که نشره آن تولید انبوه و ماندگار شدن آثار چاپ شده در ازب‌های ناشران بود. ولی در این برنامه نباید نگاه به مخاطب باشد و این امر تحقق نمی‌آید. باید مگر آنکه تدابقی



## ♦ برنامه‌های توسعه اول تا سوم در قلمرو فرهنگ منگوب چندان موفق نبوده‌است

تمام در حوزه کتاب‌های که موقف بوده‌اند به عمل آید. موفقیت کتاب‌هایی چون *نامه‌های تطبی و معنای شنب و چاه‌های پنهانی*، *پدیده‌های کتاب‌های سیاسی* می‌تواند زمینه را برای جذب کتاب، به عقیده منگوب هر چه گسترده‌تر و عمیق‌تر نگاه بقلمرو کتاب راد و جامع‌گیران گریزان با کتاب بیرون‌گردد.

به عقیده شما روبرگه سه برنامه توسعه اقتصادی نسبت به کتاب چه بوده‌است آیا از حدکنار امکانات برنامه‌های اقتصادی مذکور برای توسعه فرهنگ منگوب بهره گرفته شده‌است یا بخشی از بودجه‌های این بخش بیشتر صرف امور لایه‌های در حوزه فرهنگ شده‌است و کارکرد اجرایی خود را از دست داده‌است؟

به باور من از حدکنار ظرفیته موجود سه برنامه توسعه عمرانی پیشین بهره گرفته شده و ریشه آن را باید در مراحل چندنی حسیت‌وجوگرک مهمترین عامل شیوه نگاه نظام به فرهنگ منگوب است. این نگاه در میان دولیان اقتدار فراز و فرود داشته که سردرگمی در عی او رده و بسیاری از خاندان تولید فرهنگ منگوب جلیگ‌ها خود را دقیقاً نمی‌شناسند. در سال‌های نخست انقلاب رویکرده نظام نسبت به کتاب به طور اغم و کتاب‌های سیاسی و ادبی به طور اغضغی، رویکردهی همرا با تشامع و شامعل بود تشامع و تشامغی که تنها در سنه‌های نخست ظهور اسلام می‌توان یافت.

از روزگار آل همه استقامت‌ها را اندیشیده و هر اقتصاددی اجازه انتشار آفته‌های نمود را داشتند و در دهان افواز کتاب‌های در قلمرو‌های مختلف تلف شده‌شد و به نظر صوم مردم و صاحبزاده رسیده‌است. همین شیوه برخورد به کتاب و کتابت است که موجب گردید که در قرون بعجم، ششم و هفتم چنان آثار شکوهمندی ظلم شود ولی از بعد از نمانس با اروپایان حالته جنگ‌های مسلحی، اسلام اسلامی منگوبی و تعب و از مسیحیان آموخ و اگرچه آنان به نوعی آن نصیحت‌ها را رها کرده‌اند ولی جامعه اسلامی همچنان درگیر با این نوع گرفتاری‌است. بی‌تردید اگر آن تشامع و شامعل نبود، هرگز نمی‌توانستیم کتاب‌های که نوع ارتدی زانقی داشته باشیم. عمل‌های ثوابی را در یود یا کسوت‌مداران فرهنگی

باید جست‌وجو کرد بسیاری از مشکلات باید آمده در قلمرو نشر از سوی تدبیری و تکرلی مداوم و عدم برنامه‌ریزی سرحشمه می‌گردید. دروه‌مداران بعجمه به عرصه نشر و فرهنگ منگوب، رایج بسیاری از این مشکلات خواهد بود.

یکی دیگر از راههای مقلبه با جریان نشر بالا بودن و افزایش تعداد مراکز عرضه کتاب‌است. وقتی کتاب و همه جا وجود و منتشر باشد و تعداد عرضه کتابت کتاب‌ها بر تعداد سکارگوشی‌ها فرونی گردد، اطمینان کامل که در تعداد کتابخوان‌ها نیز افزوده خواهد شد.

چند سال پیش طرح به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی درموضوعی و رینی‌شادانم، «اروازمی‌گردد، کتابت‌گردد، نسخه دروید» تهیه شده که تکلوروشی‌ها بودند در ماتالی عزمی کتالوروشی قرار گردند و شیواری اجزه شده که هر فردی که علاقه‌مند است تکالورشی رایر کند. هرگاه دیدو آثار و روه حیایان خود را برارد و آن را نامیل به تکالوروشی کند و تا زمانی که به تقابف عرضه کتاب مشغول‌است، نشرهای مبلدی تاوانشدن این تقبیه بر این اصل بنیاد گرفته بود که در همه جا و در همه مشاطل و سرحه‌ها تعداد عرضه کتابت منگوسوزی بر تعداد تولیدکنندگان آن فرونی چند برابر دارد برای مثال در سلخ تهران حاکنم ۱۰ تا ۱۵ واحد تولید سوسیس و کتابش است و تعداد سالدوچ و رینی‌شادانم، «اروازمی‌گردد، کتابت‌گردد، نسخه دروید» نشر تقبیه منگوسیب است. یعنی تعداد ناشران ۵ هزار و تعداد عرضه کتابت کتابت‌سختی به ۱۰ هلامی‌ساده‌تر نسبت همین است که می‌تسیم. باربان باید کتاب یا به هر ترتیب که می‌توان در دندرس همگان قرار داد تاکنی است نامحله‌ای و دصاحب فردی حیوان آثار و روه حیایان خود را برارد و تکالوروشی را کند و از این طریق فضای آن مبله واروشنگ کند. چه بسیار کتابکان و بیروجوانان زیرا سگنال که منگوب این کتاب کوچک فرهنگی خواهد شد. در همان روزها با شهرها در وقت خواب آفتی ازکشی گنگسوز کرده و اشراف از این طرح استقبال کردند و واروت فرهنگ و ارشاد اسلامی بروجوقت خود، را اعلام یصتتت، اعلامی‌شده، «چرا کنی که به مورد اجرا گذارنده، در همچنان سگنکارهای وقت.

از انقضانی که در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در حوزه نشر وارد می‌نماند، کمک‌هایی است که با نشران دولتی یا صرف بودجه‌های فراوان و سنگین دولتی آثار را چاپ می‌کنند که کمتر خواننده فرهنگ آنها را بدینی گرفته و با بر لزوم چاپ آن آثار در جامعه و شرایط فعلی باید کرد.

**فکر می‌کنید در برنامه توسعه چهارم وضعیت این ناشران را چگونه باید روشن کرد؟ چه اندازه به آنها باید نگاه کرد؟**

دیگر و روتنه به خصوص سیار سحر او این واقعیت دارد که از پاره‌ای از فعالیت‌های دولتی چندان کتابت‌سیده‌است و این بالاخص در حوزه نشر محسوس تراست. کتابت‌ها به کتاب‌هایی که توسط دولت منتشر می‌آید، هرچند مبلدی، هر چه عظیم‌تر و هر چقدر آمولت‌بند شد، چندان منفی نیست. چرا که در عین اریحان نهدیبه شده که بخشی از انتشارات دولتی تبلیغاتی و بخش دیگر آن نشریاتی است و به همین خاطر است که بسیاری از آثار ارچسند انتشاراتی توسط دولت، در انبارها می‌ماند و می‌ماند و سرجام خوبی می‌شود. به همین جهت اصطلع آن است که تعداد ناشران دولتی بسیار کدک و فعالیت‌های آنان بسیار محدود شود و به جز در موارد بسیار محدود اقدام به نشر کتاب کنند و امر نشر را به ناشران خصوصی سپارند.

مشکل دوم ناشران دولتی بودجه تقطیعی است که دریافت می‌کنند که مطمئن بخش سهمی از بودجه‌های که به حوزه نشر و فرهنگ منگوب اختصاص می‌آید توسط ناشران دولتی جذب می‌شود که خود اسسی شدید بر یکره نمبف نشر است.

**یکی از ضعف‌ها و ایرادات وارد بر مدیریت بخش فرهنگی علاوه بر عدم وفوق برداش کفایی و کارآمد در حوزه مدیریت و امور فرهنگی در میان مدبران (که این البته ضعیفی است که فقط بخش فرهنگ از آن برخوردار نیست و همه سطح را در بر می‌گیرد) وضع سیاستگذاران در تعیین پهی‌دینی و گونه‌مندم‌مدیران است؟ به گونه‌ای که مدیران پادشاه سرگذشتش فریب ازین عطف‌ها بدون آنکه امکان استفاده از تجربیات کتاب را داشته باشد، بالاخص بسته دیگری برای او در نظر گرفته می‌شود. جایگاهی مدبران**

**صدهای بی‌امور فرهنگی که تپاز به برنامه‌های ریوی**

**طریق‌الهدت فزانه، دوره، دوره می‌آورد؟**

در خصوص تعیین مدیریت در عرصه فرهنگ منگوب باید گفت عددت‌این تعیین‌ها موافق سلیقه سناستران کاران نشر می‌شود. مدیریت که پس از سالها فعالیت با حوزه نشر تجربه اندوخه، به ناکله تغییر می‌کنند و بسیاری بدون سالها زمان نیاز دارد و تا موزاد بسیار به جهت بی‌تجربگی مسئولان‌های مدیر پیشین را ویران می‌کند.

موضوع بعدی در تعیین مدیریت هانتلی از فرورد جاسمی تا مدبران باید فراخ از سناطر سیاسی و جاسمی باشند. جهت قانوناً باید فراخ از سناطر سیاسی و جاسمی باشند. جهت رونده‌های سیاسی از صحنه و نامه می‌شوند. تجربیات لیسان‌هایناشران سیاسی از صحنه و نامه می‌شوند. تجربیات که با فرهنگ بیگانه‌اند و تا به حد لزوم فرجه و روشگی شوند. دیگر کار این عرصه کتاب گذاشته می‌شود. عرصه فرهنگ است. عرصه سیاست نیست. قلمرو آسانی، تلفظ و فراجه‌های است. باید و بود از برای‌های سیاسی باقی بماند تا زمینه‌ای رشد جامعه‌ای را که به واقع فرهنگ از نان شب هم برایش واجب‌تر است، فراهم آورد تا آبدیهای روشتر، بهیشتان، رونیختن، ترانه، تبلیغی

**پاره‌های اینکه برنامه توسعه چهارم بخشی از اختصاص نیم درصد از اعتبارات عمرانی را برای برنامه‌های فرهنگی خواهد داشت. اما اولاً آیا این بودجه می‌توانست باسکتری همراه مشکلات اقتصادی این بخش باشد تا ثبات کاشن بودجه چه تأثیری در روند این برنامه‌ها خواهد داشت؟**

هرگز روشن نیست که بخشی از این بودجه بتواند به عنوان مثال در حوزه نشر کتاب صرف شود. اصولاً فعالیت‌های فرهنگی به دلیل ثبات عقب و درازمنشی که دارند، هر رسیدن به منابع سرمایه‌های جاری شده به این بخش و هم آسیب دیدن آن اختراق عدم توجه به این بخش در طولی مدت حاصل می‌شود. مثلا فرض کنید قیمت نان در جامعه افزایش یابد. بالاخص تمام بخش‌های مدبران آن تلاش می‌کند تا کاران بدیندشت کتاب کمترین تأثیر گرفته‌شده در سالها مشارا در

در بلندمدت بسیاری از خوانندگان آثار از کتاب دور می‌مانند. در نهایت نبعات کسوت‌ها و البته سرمایه‌گذاری در بخش فرهنگی جدیدی، تر ذهنی‌تر و طرانی مدت‌تر هستند. به همین دلیل بخش فرهنگ در میان بخش‌های دیگر کشور همواره مورد اصحاب فراسی گرد و میروان گنگر اضافتی به نسل دارند. عطفاً از اینکه عدم توجه به فرهنگ در جامعه‌ای که نسل جوان اکثریت قریب به ایتان جمعیت آن است، با توجه افزایش فاصله به دلیل خواهد داشت. کتابت کتابت‌ساعت‌تعمین‌سگنال‌کنفی بنیادین‌نگاه خواهد دید که آنها کوچکترین احساسی به برای رسوم و عتی عطفات مذهبی، این همه به دلیل آن است که می‌توجهی به بخش فرهنگ، چهراه تمام ناخص‌های فرهنگی که در جامعه محسوس کرده‌است.

در چنین جامعه‌ای درد لیجاست که اولین به ثان بارانه می‌دهند اما به کتاب خیر، جوان با شیشه بار کسبتت، کمترین، فضل گنگسوز و انگرگاست آثار زبان‌گوشی‌ها را غمی نمی‌کند. حاکمیت هم با برنامه‌های ناگوشی، جامعه از ارزش‌های فرهنگی کسب بک است.

**یکی از مشکلات مدبران ما در این بخش شفاف نبود اهداف فرهنگی است. هدف موهوم، برنامه‌ریزی موهومی نیز به دنبال دارد آیا نمی‌توان طرح روشش از اهداف برای این حوزه داشت؟**

اینکه اهداف این بخش نامشخص است به دلیل این است که مدیران چوه هدف نامین‌شانند. اگر موهوم باشد، می‌توان آن را بیان کرد. کسی که هدف روشش از برنامه‌های فرهنگی ندارد، اصولاً لوگوم را نمی‌شناسد و امکان‌های توسعه و اجرایی آن را نیز نمی‌شناسد. امکان دارد کسی که برنامه‌ریزی می‌کند، در این زمینه شفاف نباشد. موزه‌ای که چندان اطلاعاتی از آن برخوردار نیست و همه مدبر خوب حتماً ساعت‌ها ناله و گاهه‌ها وقت صرف می‌کند. بک گفتوگر، نظرخواهی و تحقیق در حوزه‌مدرو نظر موهوم کند. پس اگر می‌تسیم که بسیاری از برنامه‌های فرهنگی، موزگان و مهمه‌مند هستند. دلیل عدم تشخیص است که مدبران ما از حوزه‌های مورد نیاز



دانش آموز سال های دور

مریم جباری

## جوجه اردک زشت شدی ؟!

### گفت وگو با خوش آفرین انصاری

به گمان ما این همه فعالیت و پشتکار در زمینه ادبیات، به گذشته و سال‌های دور زندگی نوش‌آفرین انصاری بازمی‌گردد امل فرهنگی که همگان وی را به عنوان یکی از چهره‌های خاصین کنه‌اندازی ایران لقب داده‌اند طبق قرار قبلی، با او تماس گرفتیم. تازه ۵ دقیقه به خانه آمده بود. همچنان شاد و گرم و سمیمی، عاری از خشکی و مشغله کاری روزانه، سر صحبت را باز کرد و بی‌درنگ رشته کلام را به دست گرفت و برپیمانان از دوران دانش‌آموزی کار گفت. بخوانید

بعد از مکتب کوبه، بی‌ی‌گردد به سال‌های دور حتماً می‌گویید جوانی را با چوچاقی خانه به‌الهوریز از آن جهان زمان که گذرد، بود. شسته بازی و کتبخانگی‌های کودکی‌هاش، باصدای گرم و دلخوش مارابه آن سالهای دور کودکی‌هاش بر دم می‌گویید، در هند موقت شدم. هوز صدای مزمزه‌های لالایی زن بویستار برمی‌خیزد از دگر گوش می‌شود. لالایی‌های حلش مرا آرام می‌کرد، تا اینکه به کشور سرزمین سوئد رفتم، آنجا دیگر مادر بزرگ شعر می‌خواند، دیگر باصدای گرم مادر بزرگ شدم، بی‌ی‌ خودم و من لذت می‌بردم، قصه‌های کزوی قلقلدن را و سفیدبونی را هنوز به یاد دارم. به کلاس مدرسه می‌رسیدم، دستی به سرم می‌کشیدو دستم زوی حواهای سوز می‌سپید،وهمزمان شاهانه و شاعرانه به زبان‌سه و به گونه‌های گردنگاه و دلیلم می‌لایم می‌خواندم، مثلاًسه‌ه باره گشتیم به ایران، خاطره‌های رنگ و بکم رنگ تر می‌شوند، گویی هیچ خاطره‌های در ذهنم نقش نمانده‌است،مدرسه مدتی در رشت، بعد مدتی در اصفهان و شیراز بود، به یاد دارم که خوری از کتبخانه عمومی شعر و کتبخانه مدرسه نبود.دخاطرات دور آن کوی ام با کتاب و کتبخانگی نقش بسته‌است. هر جاکتبخانه کتاب‌دردنم، هم در آن بود و هم در غیر خواندم. **اولین کتابی که تأثیری به‌اصطلاح خاص روی شما گذاشت را به یاد دارید؟**

می‌خواندم و می‌خوشیدم. اما هیچ‌گاه از یک زشت یاد می‌کردم. آن کتابی که در سن ۹۸ سالگی تأثیر ویژه‌ای بر روی من گذاشت.

شاید در آن زمان خودم را با جوجه اردک زشت همراه می‌دیدم. البته با بخشی از تپه‌های جوجه اردک خود همراه می‌دیدم و هنوز هم همیشه به عنوان یک نماد به آن فکر می‌کنم. و الان بعد از آن کتاب که گفتند سال‌ها به بسیاری از موارد وقتی دانشجو بنامیدم به‌همین‌ان می‌شود. می‌گویم جوجه اردک زشت شدم وی و آن لقب آنجا ابتدا کشی بی‌اراست می‌شود. ولی وقتی به عمق آن در داستان نگاه می‌کنند متوجه منظور من می‌شوند.

### نگار و نگار

کیسیا امیری

**گفت‌وگو با فرهاد حسن‌زاده، رمان‌نویس و داور جشنواره دانش‌آموزی کرمان**

### اگر درس بگیریم

و به موضوع تازگی در آنها دیده می‌شد. اما بعضی داستان‌های کوتاه یا مضامین آزاد بسیار زیبا و کلاغی حرف‌های گلخانه شده بود. که برای من جویز نبود. هوری که حس می‌کردم تازگی از صادق هدایت یا ساعدی می‌توانم داستان‌های متوسط هم در میان آثار دیده می‌شد که حرف تازهای نداشته، منتهی با توجه به سن نویسندگان قابل قبول بودند.

**چه پیشنهادی برای بهبودی این مسافات و روند رو به رشد آن دارید؟**

اگر به این جشنواره نگاه کنیم نمانده باشیم، اگر به دید پژوهش آن را ببینیم، اگر درس بگیریم و مثل تلم ملی قوتال به آن نگاه کنیم که چون در گرامر و مسافات همیشه به آن ابروسیم و بعد از تمام مسافات همه چیز فراموش می‌شود تا سال‌ها رسال‌های دیگر و طرف یک‌دیگر و همه مقدمات ستاره‌های بعدی را فراهم کنیم، اگر پس از تمام جشنواره و اعدای لوح سماع بجمعا و به پیشه مطالعه می‌رویم، برایشان هزینه کنیم، کتاب و مجله در اختیارشان بگذاریم، به کلاس‌های ستاد نویسی غریبستان، اگر در هفته‌ها داستان‌ها در جماعت مطیع دبیرستان و شهر و استان از داستان‌نویسان محلی استفاده بریم به از تعلیمات اشیا یا مریام توردستی و چندی از دیگرها فقط کیفیت نوشتن بالا خواهند رفت.

**اروزهای کلی شما از وضعیت داستان‌نویسی نوجوانان چگونه است؟**

با توجه به امکانات و محدودت‌هایی که در شهر ما وجود دارد، به‌توجه به شمارگان اندک کتاب‌ها و مضامین مالمی خود ادها برای خرید کتاب با توجه به کلاس‌ها و جلسه‌ها داستان‌خوانی که تداریم و رعایت به حذف درس‌اش از ساعات درسی مدارس، باز هم به نظرم خوب بود و آثار این جشنواره همه ظرفیت داستان‌نویسی ما تیره و درسته، نوجوانان این نظم نوشتن گرایش به آثار بزرگ‌سالانه دارند نه کتاب‌هایی که برای خواندن نوشته می‌شود و بیشتر از آن اعتماد به کارهای ترجمه دارند نه آثار تلقی.

در آنها می‌توانیم نگاه کنیم و حسینه نماندیم بگویم به‌تمام مستط‌ها در آن جشنواره با این امید که گذشته و امروز را چراغ افرازد کنند.

گفتند که این کتاب اصلاً برای شما مناسب نیست و من برای اولین بار با استناد در کتبخانگی زده‌ام و شد. برام خیلی جالب بود. البته وقتی که بگویند که نباید کتاب یا چیز خاصی را بخوانی معمولاً خشک‌اش اتفاق می‌افتد و این سئاله در آن زمان در مورد من صدق می‌کرد. من آن کتاب را خواندم. در همان سن ۱۵ سالگی با کتاب آشنا شدم و آن کتاب را هم هدیة گرفتیم کتاب از نظر سبک، آمیزش جالب بود که حقیقت زن جوانی بود که خاطراتش را می‌نوشت و آشنا شدن با آن سبک به من کمک کرد تا من برای اولین بار خاطرات روزانه‌ام را بنویسم.

بله از همان سن ۱۶ سالگی نامه‌ها داشتم، بهترین اما این خاطرات نویسی فقط تا ۲۲ سالگی ادامه داشت، بهترین تأثیری که خاطره نویسی در من گذاشت، این بود که به لحاظ روحی و روانی به من کمک کرد تا به تاریخ فرانسه

**می‌رسیم آن زمان هم پدر کتاب خاصی را برای خواندن پیشنهاد می‌کرد؟**

می‌گوید بله، پدر یک مجموعه از کارهای باژاک داشتند که اصرار می‌کردند حتماً باید باژاک بخوانم. بنابراین دوباره از انگلیسی برگزیده به فرانسه تجربه بزرگی بود و در ظل آن دوران خیلی چیزها را یاد گرفتیم. البته این سئاله را به عنوان یک بحث گذاشته نمی‌گویم، من تألیف باژاک را در همان زمان که می‌خواندم حس می‌کردم باژاک کتاب دارد که نمی‌دانم شاید ترجمه شده باشد، امکانه بود و زن جوان که آن هم کتاب بسیار خوبی بود.

نوش‌آفرین انصاری وقتی گفته‌هایش را ادامه می‌دهد، این بار ما را به گذشته‌اش در مسگر می‌برد و می‌گوید وقتی به مسگر رفتیم، یک نوع بی‌ثباتی فرهنگی برام اتفاق افتاد. آن زمان ۱۳۱۶ ساله بودم، اما می‌تازم همین آن یاد دارم که با یک کتاب بسیار پرحسنه، آمریکایی که در مدرسه بین‌المللی درس می‌داد، آشنا شده و در دست داشته‌ایم، این کتابی باعث شد که من بسیاری از زمان‌های اصلی ادبیات روس را بخوانم، کلاس هم کلاس می‌بود که می‌بایست رمان خوانیم و بعد نمایش رمان را به صورت تئاتر می‌دیدیم.



بگذریم تجربه زیبایی است وقتی که ادبیات را می‌خوانیم و نشیمنش از روی صحنه می‌بینیم. این نوع با تأثیرهای استثنایی‌راه وجودی‌ام از دوزخ من این تجربه را با آن‌گانگ‌نامه اثر تولستوی داشتم. همین نظر با کارهای متفاوتی از چوخوف. آن دوران، دوران فال‌هاده درختان براسی من می‌بود. چون بسیاری از آثار را که می‌خوانیدم سر کلاس یا بچه‌ها و معلم درباره‌اش بحث می‌کردیم.

۱۸ ساله بودم و در شرف ورود به دانشگاه، با خواندن ادبیات فرانسه و بسیاری از آثار نویسندگان بزرگ فرانسه هر کدام به گونه‌ای در آن زمان لای‌نویکنور هر کس طرح بودند. و به این ترتیب بیشتر از تأثیری خاصی آشنا شدم.

کتاب‌ها تأثیر زیادی بر روی من گذاشته‌اند. تصور می‌کنم شرایطی که فرد کتاب را می‌خواند بسیار مهم است. در آن زمان علاقه‌مند شدم یکی از کتاب‌نامه‌های ویکتور هوگو را بخوانم، گاهی اوقات بیان‌گام‌هایی که یومرید داشت در ذهن بازی می‌کند یا آن زنی که او عشق می‌ورزید و آن زن عاشق مرد جوانی می‌شود.

می‌گوید، چه بگویم، کتاب خواندن من نامنظم بود، ولی من، بنده ادبیات بودم و هستم و می‌دانم که ادبیات چقدر انسان ساز است. در همان سال‌های کوچکی با تئاتر من که در زندگی‌ام قدمش قدمش فراموش شده که کسی با ادبیات ایران آشنا شدم. حدود ۱۸ سالگی با آن سبک به سوئیس سفر کردیم، خود اهل‌ام در آنجا دوستی نزدیک با اسید محطعلی جمال‌زاده داشتم، خصوصاً ما پدری، من ایشان را در عمو جمال خطاب می‌کردم و بعد سال‌ها فقط ایشان شامل حال من شد و ایشان من را با نوشته‌های خودشان آشنا کردند.

و من طعنا به دلیلی این همه سفر با ادبیات کلاسیک و حتی معاصر ایران به هیچ وجه آشنا نبودم. زندگی چهل‌یکه‌ای داشتم، نمی‌دانم که خوب درآمد یا نه؟ به هر حال در مورد ادبیات بی‌ثبات بودم و زحمات جمال‌زاده هستم. ایشان قصه‌های کوتاه خودشان را برای من خواندند و به هر حال آثار جلال آل احمد، چوخوف، دیولید پرویزی را به لطف ایشان خواندم. بعد که وارد مدرسه کنادری شدم، چیزهای زیادی، چه ادبی چه غیر ادبی خواندم. بنابراین تجربه ملخ گونه‌ای در خواندن ادبیات داشتم. **می‌رسیم اشاره کرده بودید که مدتی خاطره می‌نوشتید آیا علاقه‌ای به داستان‌نویسی داشتید؟**

می‌گوید گفت کسی مرا به نوشتن تشویق نکرد، فکر نمی‌کنم این توانایی را داشتم.

**چرا؟** چون تجربه‌های پایه‌دار داشتم و هیچ وقت آن تسلط و استمرار را در یک زبان نداشته‌ام که بتوانم در آن زبان چیزی خلق کنم.

**چقدر با آثار شاعران ایرانی آشنا بودید؟**

کمی خوب می‌خواندم، بنا به دلایلی که ذکر شد، ولی در افغانستان این شاعران را داشته که استاد سعید نفیسی آشنا شوم. ایشان بخش‌هایی از شاهنامه را برایم می‌خواندند. کسی از محفل سخنرانی‌اشکی بود ولی بزرگترین قسمت اعتبار فردوسی این است که سنگین نیست در عین حال که زیباترین شکی است.

**جدیدترین کتابی که خواندید بود؟**

در حال حاضر دو کتاب را خواندم که هر دو بسیار جذاب بودند. کتاب تعلیق را کتابی به نام معمربای شبانه از کستر چوپهار اثر رضا قاسمی است که در واقع تصویری از پندنگان ایرانی از زندگی آنها در زیر شیروانی از پاریس است و از خواندم که سبک کتاب آثار گذاری است. مسافانه الان فرصت چندانی برای کتبخانگی ندارم و بیشتر مقالات تخصصی می‌خوانم.

**سخن آخر؟**

اگر کسی می‌خورد که چراغ‌ت خوب و شیر گذاری نداریم، با یادم می‌آید همیشه پدرم عهده داشته که دیدن تاز، رفتن به موزه و مباحث و عمو عزیز تربست مستند.

**روزنامه جوان** شماره ۱۳۷، شنبه ۲۳ شهریور ۱۳۹۳



**این روزها**
شاد مهر راستین؛ فیلمنامه نویس

## مجید اسلامی و کارهای تازه اش



بنا به ضرورت شغلی بیشتر کتاب‌هایی که می‌خوانم یا فیلمنامه است یا درباره فیلمنامه‌ها

که می‌نویسم.

مجموعه فیلمنامه‌های تازگوشنگی که به همت آقایان هادی چیدار و پورخوشبخت می‌باشد به لحاظ حرفه‌ای بسیار پرلیم لازم و اجباری بود که در این دوران سینمایی مغفلی بخوانیم و چیزها یاد بگیریم بخصوص روش نگارش فیلمنامه. از مجید اسلامی کتاب مفاهیم نقد فیلمش هم که باید خوانند و نقدنویسی جدید را آموخت.

چون در حال نگارش یک سریال تاریخ معاصر هشتم سروری و رمان‌های احمد محمود، جعفر مدرس صادقی و منور روزای پور دام که در این میان کتدب اسب مرا به سال‌های ۶۰ برسد.

اما دو کتاب درباره سلولیا پلات که به تازگی چاپ شده کتاب‌هایی هستند که امیدوارم بنیاد کنم و بخوانم.

کتاب آتین مهر، نگارش هاشم رضی شاید اکل همه نظر به‌ها در باب میراثیست است که مدت‌ها بود انتظار آن را داشتیم.

در اینجا دوست دارم درباره نشریه هفت که واقعاً یک مجوز در مطبوعات ادبی فرهنگی ایران است یاد کنم. دقت نظر و حوصله سردبیر و نویسندگان آن قابل تأمل است و بخصوص پرزنده موضوعی این شماره که درباره یک کتاب نادر در تاریخ ادبیات معاصر ایران است. دود دنیا نوشته کفی ترقی، حتی نوشته‌ها به عقاید و ایمان به این کتاب مناسب بوده و حضور نویسنده در ایران مزید طلت است. از طرفی ترجمه‌های سرمدستی از آثار ویرجینیا وولف و ویژنامه‌هایی که دربارهٔ این نویسنده تألیف گلزار ادبیات آمریکا بعد از چهلانی شدن فیلم مسافت‌ها در ایران انتشار یافته تأسف بارنگیز است. وولف یک فرم گرای اساسی است و بافتن، چوبابی باشد گروهی از هنرمندان معنقدند محتوا فرم استنداین هم یک عقیده است نه!

### خبر

## مسعود فروتن و انتشار اولین کتاب

برودی کتابی از مسعود فروتن، یکی از کارگردان‌های نظریون با عنوان اوسر روشنگی، منتشر می‌شود.

این کتاب که نشر آن به عهده انتشارات امیرخانی است، شامل چهار قسم کوتاه با موضوع عشق و دوست داشتن است.

دوست داشتن‌های وحشی که برای نویسنده داستان پیش آمده و او با کنی عشق و برنگ، قصد انتشار آن را به صورت کتاب دارد.

انتشار از سر روشنگی حدود چهار سال به طول انجامید، و بالاخره قرار است تا پایان شهریور ماه روانه بازار کتاب شود.

علاوه بر این، مسعود فروتن این روزها مشغول نوشتن مجموعه داستان‌های کوتاه دیگری است که تصمیم دارد آن را نیز با عنوان قصه‌های بانو منتشر کند. به گفته فروتن، مشوق او در نوشتن داستان کوتاه، یژن الهی بوده است. او همچنین درباره انتشار کتاب دعوی خود می‌گوید: «چون کتاب دوم بستگی به بازتاب و نقد‌های منتقدان دربارهٔ کتاب از سر روشنگی دارد.» یکی از نقدهای «اوسر روشنگی یا قصه‌های بانو» در رادی داستان‌هاست. رادی در قصه‌های بانو، مسعود فروتن نیست و او تنها به نقل داستان پرداخته است.

### زنگنه و لا



سازار الضامی

**گفت وگو با احمد امینی، کارگردان فیلم «این زن حرف نمی‌زند»**

# کتاب‌های معمایی؛ سینمایی معمایی



هم داشت. ماجرای مشاهدات یک خبرنگار آمریکایی بود درباره چگونگی فریبانی حکومت شوروی چون به قسمت‌هایی از تاریخ روسخ می‌کرد و ماجراهای پشت پرده حکومت شوروی را هم آشکار می‌ساخت. علاوه بر این من به تاریخ اراخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی هم علاقه‌مند و کناسی که در این زمینه روزگشایی کند برام بسیار جذاب است.

**در محبت‌هایمان به این نکته اشاره کردیم که نوشتن داستان معمایی در ایران بسیار ناچیز است شما فکر می‌کنید دلیلش چیست؟**

نمی‌دانم. واقعیت این است که الان سینمایی معمایی، پلیسی و جنایی به عنوان یک ژانر جذاب در جهان معرفی می‌شود و مردم به شدت به آن علاقه‌مند هستند. از هیجانات نقل قول می‌کنم که می‌گوید مردم همیشه دوست دارند در سینما مشم و گریه بازی ببینند. و در آن شریک شوند. برای همین به نظر می‌آید یکی از جذاب‌ترین ژانرهاست و تازگی اش را حفظ کرده است. ژانر پلیسی و معمایی از بدو پیدایش سینما وجود داشته و هنوز هم جریان دارد و مورد پسند است. برای همین در سینما به طور دقیق در جریان اینگونه اتفاقات هستیم اما در زمینه کتاب کسی که در این باره آشنای می‌کند می‌تواند پاسخ بهتری بدهد.

**فکر می‌کنید داستان فیلم این زن حرف نمی‌زند، به داستان کدام یک از کتاب‌های معمایی نزدیک‌تر باشد؟ چنین قصه‌ای برای من که به طور دائم در جریان فیلم بودم سخت است ولی شاید مردم عادی که از بیرون به فیلم نگاه می‌کنند بیشتر متوجه این شباهت‌ها شوند. واقعیت این است که این فیلم، حاصل تمام فیلم‌هایی است که دیدم‌ام یا کتاب‌هایی که خواندم. ام. شاید اگر فرد خوش حافظه‌ای باشد، بتواند ما را در این ماجرا کمک کند. خیلی وقت‌ها دیگران به این شباهت‌ها اشاره می‌کنند. مثلاً در این زن حرف نمی‌زند، من خودم می‌دانستم چاقویی که به صورت کتابزن ریاضی می‌خورد فضا را به فضای فیلم «محلّه چینی‌ها» نزدیک می‌کند. اگر چه که داستان کاملاً متفاوت است اما همان فضا را القا می‌کند.**

یکی دیگر از دوستان هم گفت که لحنظاتی از فیلم شبیه فیلم «معماست». حقیقتاً من این شباهت‌ها را پنهان یا انکار نمی‌کنم. چون معتقدم که سال‌ها فیلم دیدن و کتاب خواندن، چهره‌های در ذهن من نه نشین شده است. پس وقتی فیلم می‌سازم طبعی است که از ذهنم تأثیر بگیرم. حتی بعضی مواقع خود ما از این ماجرا استقبال هم نمی‌کنم. کدامیک از کتاب‌ها یا داستان‌های معمایی بوده است که تأثیر عمیقی بر ذهن شما گذاشته و خاطراتن می‌دود؟

چون من به فیلم «سرجه» علاقه‌مندم. ترجمه فیلمنامه اصلی آن را هم خیلی دوست دارم و همین طرر کتاب نام گل سرخ» که هیچ وقت از خاطرم پاک نمی‌شود.

البته وقتی پای معملر وازی به میان می‌آید، خواه ناخواه به طرف داستان پلیسی و جنایی می‌رویم، حتی می‌شود در ملودرام هم معما طرح کرد اما حرف قصه‌های معمایی این است که پای پلیس هم وارد ماجرا می‌شود. مثلاً شخصیت‌های اصلی اینگونه قصه‌ها معمولاً یا کار آگاه‌های خصوصی‌اند یا پلیس و یابکد وکیل.

**عوب شد به این «وکیل» اشاره کردید. چون طبق گفته شما که متفقد ماجرای معمایی و پلیسی به هم مربوط است، در فیلم شما نقش پلیس کم‌رنگ دیده می‌شود و وکیل نقش اصلی را به عهده دارد.**

قصه نفرین شده» که به فیلم «این زن حرف نمی‌زند» تبدیل شد. درباره یک وکیل نسخیری بود که تلاش می‌کرد یک مده به قتل را برینه کند. اما فیلمنامه کسی تغییر پیدا کرد. یعنی وکیل به جای اینکه در صده تیره مهمن بر آید سعی می‌کند، به حل معما ی قتل بپردازد. یعنی سکوت زن برای وکیل اهمیت بیشتری پیدا می‌کند تا جرم. شاید به این دلیل که فکر می‌کند اگر سکوت زن شکسته شود و دلیل سکوت او معلوم شود، حتماً ماجرای قتل هم روشن خواهد شد. اما واقعیت این است که در این فیلم و هم در چتری ران دو نفر که شخصیت اصلی آن هم یک وکیل است. وکیل نقش همان کارآگاه خصوصی و پلیسی را پیدا می‌کند. و خیلی شغل‌های دیگر هم می‌تواند چنین نقشی را ایفا کنند. مثلاً خبرنگار.

یله اتفاقاً من یاد سریال تصویر یک رویاه اقدام که شخصیت اصلی آن هم زن خبرنگاری است که در صدد کشف زندگی کسی است. در واقع آنجا

## زیربنای عادت مطالعه و کتاب خواندن من با داستان معمایی شکل گرفت



هم‌باز من به این داستان‌های معمایی علاقه نشان داده‌ام. بنابراین در فیلم این زن حرف نمی‌زند، با توجه به موفقیت‌های پیش آمده، نقش وکیل به نظم بسیار کارآمدتر به نظر می‌رسد.

**باز به کتاب برگردیم. الان رابطه شما با داستان‌های معمایی چگونه است؟**
اگر دستم برسد بسیار عالی است. مثلاً من به نوشته‌های گرامر گرین و کتاب آمریکایی آرام او علاقه‌مندم. اما چون قصه‌های معمایی کمتر نوشته یا ترجمه می‌شود، تعداد زیادی از اینگونه کتاب‌ها در اختیارم نیست. البته در دوران نوجوانی و جوانی چون فراغت فکری بیشتری هست می‌توان به راحتی نوع مطالعه را هم تعیین کرد. اما در شرایط فعلی به عنوان کسی که فیلم می‌سازد و می‌خواهد حضوری مداوم و مستمر در این عرصه داشته باشد، نمی‌توان تمام وقت را صرف خواندن یک نوع مشخص کتاب یا مجله کرد. باید کمابیش در جریان اکثر روزنامه‌ها و کتاب‌هایی که منتشر می‌شود باشم. من علاوه بر داستان‌های معمایی به کتاب‌های تاریخی هم علاقه‌مندم و می‌خوانم از آنها هم اطلاعات بگیرم. مثلاً کتاب آخرین روزهای امپراتوری شوروی آخرین کتابی بود که چند وقت پیش در این زمینه خواندم و اتفاقاً ماجرای معمایی

احمد امینی، کارگردان فیلم «این زن حرف نمی‌زند» علاقه عجیبی به کتاب‌ها و داستان‌های معمایی و پلیسی دارد. فیلم نقلی او، چتری برای دو نفر تخیلی معمایی بود. به پنهان کردن این زن حرف نمی‌زند» با امینی به گفت‌وگو نشستیم. ایم

**چقدر اهل خواندن کتاب‌های پلیسی و معمایی هستید و از اینگونه داستان‌ها الهام می‌گیرید؟**
من اصولاً به کتاب و فیلم‌های معمایی علاقه‌مندم. دوران نوجوانی که مطالعه را به شکل جدی آغاز کردم، همیشه به خواندن داستان‌های معمایی علاقه داشتم. در آن سال‌ها (دهه چهل) عده قصه‌هایی که در نشریات چاپ می‌شد، یاورقی‌هایی با مضمون معمایی و پلیسی بود. چه خارجی و چه ایرانی. از جمله پاورقی نویسان امیر عشیری بود و از آن قدیمی‌تر، صدراالدین الهی در دهه سی. این نویسنده‌ها به شکلی فضای پلیسی و معمایی را وارد زندگی مردم کردند. همین داستان‌ها باعث علاقه من به ژانر سینمایی پلیسی معمایی هم شد. بنابراین زیربنای عادت مطالعه و کتاب خواندن من با داستان معمایی شکل گرفت. برای همین هم وقتی کسی مطالعه اش را با نوع خاصی از کتاب‌ها آغاز می‌کند، داستان‌ها به نوعی در ذهنش نه نشین می‌شود. به همین دلیل هم در طول سال‌ها تمایل و علاقه خاصی به ماجراهای پلیسی و معمایی نشان داده‌ام و حالا به طور ناخودآگاه متوجه می‌شوم که این علاقه به صورت سلیقه غریزی درآمده است و حتی خودم دست به اجرای کاری می‌زنم - اگر چه می‌توانم خلاف تصوراتم فیلم بسازم - همیشه فیلمی می‌سازم که دوست دارم خودم ببینم.

**البته داستان پلیسی با داستان معمایی کاملاً فرق می‌کند. من خاطرم نیست که یک نویسنده ایرانی، کتاب پلیسی به شکل جدی نوشته باشد.**

بعد از این پاورقی‌ها در زمینه رمان معمایی - پلیسی ایرانی یکی از موفق‌ترین کوشش‌ها داستان بلند قیل در تازگی نوشته هاشمی ژاوست. قسمت‌ادر سال‌های پس از انقلاب اسداعلی فصیح با خلق یک شخصیت ثابت (جلال آریان) بر زمینه چندرمان سعی کرده است. رمان معمایی -پلیسی

ایرانی به وجود آورد که یکی -دو نمونه‌اش موفق‌تر از بقیه هستند.

داستان پلیس در ایران جدید و تازه است و اصل آن برای فرهنگ ما، غربی آمده. این بازی مرده و به روزگی پلیس در غرب و نوع عملکرد آن، که کاملاً با تصویر سنتی ما از پلیس تفاوت دارد. به همین دلیل تلاش برای نوشتن داستان پلیسی در ایران محدود بوده است. در زمینه سینما و تلویزیون هم کوشش زیادی شده که موفق‌ترین آن در ارائه تصویر یک پلیس ایرانی در سریال سرخ اکو مبرست پوراخمد) دیده شده است. همان داستان‌ها و پاورقی‌های دهه چهل را هم که به آن اشاره کرده‌ام، اصلاً در ایران اتفاق نمی‌افتاد. ماجرای پلیسی بود که در غرب فعالیت می‌کرد و الگویی ذهنی آن نویسنده‌ها هم بر اساس داستان‌های غربی می‌بود. این نوع قصه‌پردازی و هیجان‌پردازی در دل قصه‌ها که برای جذاب کردن آنها صورت می‌گرفت، اصلاً مطابق با پلیس ایرانی نبود. برای همین است که تعداد داستان‌های پلیسی ایرانی که همه چیز در آن رنگ و بوی ایرانی داشته باشد، اندک است و نمی‌توان زیاد به آنها اشاره کرد.

**پس شما هم به این اصل معتقدید؟**



مرغزی خاکسار بختیاری متولد سال ۱۳۳۳ در شیراز است. اولین کتاب او برای کودکان و نوجوانان به نام «سینسرخ و درخت زیتونه» در سال ۵۹ چاپ شد. از آن نویسنده و مترجم تا کنون ۳۳ عنوان کتاب برای کودکان و نوجوانان منتشر شده است. وی همچنین یک مجموعه شعر با عنوان «افصل شکنن زبان و قدم» چند کتاب تألیفی برای بزرگسالان دارد. آخرین کتاب بختیاری به نام «ماجرای موس و دوستان» توسط انتشارات خوشبین در سال ۸۰ چاپ شد که این کتاب اثری از «سپیل جاکوئل» و «ولیس جولیویکوت» است و قرار است داستان‌های دیگر این مجموعه به ترجمه و بازنویسی خاکسار بختیاری منتشر شود.

وضعیت ادبیات کودک و نوجوان در سال‌های اول انقلاب با چطور ارزیابی می‌کنید؟
برای سال‌های اول انقلاب نمی‌شود گفت که وضعیت ادبیات کودک، چون آنچه برای کودک و نوجوان چاپ و منتشر می‌شد، به غیر از تولیدات کانون پرورش فکری، به صورت راکده و بازنگ و بوی مذهبی بود.برخی هم با نگاه‌های چپ یا پانترگویی مسائل کودکانه-سیاسی دوران پایان سلسله پهلوی، از کارهایمان در انتشارات قلم بگویند.

کتاب سینه سرخ و درخت زیتون، اولین کتاب من برای کودکان و نوجوانان بود که در انتشارات قلم به چاپ رسید. این کتاب و کتاب‌های دیگر در زمینه ادبیات کودک و نوجوان حاصل تلاش گروهی متخصص بود.البته انتشارات قلم یک مرکز فرهنگی و انتشاراتی است که از سال‌های خیلی قبل با تلاش دلسوزگان فرهنگ و اسلام و انقلاب همچون رهبر معظم انقلاب، مهندس میرحسین موسوی، توسلی، پویان،حقیقی،امیراحمدی و دیگران راه‌اندازی شد که طی سالیان متمادی منشأ خیر و برکت و حرکت در حیطه‌های اسلامی، انقلابی، فرهنگی،سیاسی و هنری بوده است.

ترجمه‌های شما بیشتر از چه زبانی است؟
عبداز زبان انگلیسی و برخی از زبان فرانسه و

### کتاب

### دوست دارم ایران

**گیلان، محمود پروهاب،**
**انتشارات کمک آموزشی، ۶۶ صفحه، ۱۸۰۰۰ ریال.**
کتاب از مجموعه «دوست دارم ایران» است که توسط

انتشارات کمک آموزشی و با همکاری کارشناسان ادبی

این انتشارات همچون نافود فرزند،فرزاد،محمدتاج‌نوری و آفتاب پوری منتشر شده.مکمل‌های کتاب از مسجد آزاد وعضوین آن نام می‌نموسد.

این کتاب در چهار بخش تابلوی طبیعت، یادها و یادگارها، ریشه‌ها و برگ‌ها و پنجره‌های زندگی، استان گیلان را توصیف کرده است. در بخش اول، نویسنده در ارائه اطلاعات جغرافیایی این استان از جنگل‌ها و حیوانات و تاریخ یادها، منطقه مورد بررسی قرار گرفته و بناهای قدیمی، قلعه‌ها، کاروانسراها و آثار باستانی این استان بیان شده است. در فصل سوم کتاب، نویسنده، خصوصیات اخلاقی مردم گیلان، ترانه‌ها و آوازها، معاصر گیلان، آب‌سما، غذاها و بازی‌های محلی و همچنین آداب و رسوم و ورزش‌های باستانی این شهر را توصیف و نیز معماری و ساختمان‌سازی گیلانیان را به زیبایی بیان کرده است.



### نگار بهرام

**گفت و گو با مرغزی خاکسار بختیاری: نویسنده و مترجم**

## شکل ، محتوا و مسائل بازار کتاب



عربی البته ترجمه‌هایم ترجمه صرف نیست، بلکه به نوبی بازنویسی و با بازآفرینی است تا برای مخاطبان فارسی زبان قابل حضور باشد.

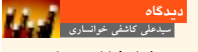
به نظر شما چرا سال‌های اول انقلاب استقبال از کتاب بیشتر بود؟

به دلیل شرایط خاص انقلاب و اینکه انقلاب ما فرهنگی بود.طبیعی است که گرایش مردم به خواندن و دانستن که در هر عصری بر محور کتاب می‌چرخد، بیشتر باشد.

**شمارگان کتاب هم در آن سال‌ها بیشتر از امروز بود**
کثرترین شمارگان ده هزار جلد بود. در حالی که در بخش کودک و نوجوان شمارگان کتاب‌ها به بیشتر از ده هزار تا هم می‌رسید خیلی سریع و راحت هم کتاب‌ها فروخته می‌شد.برخلاف الان که سه هزار تا گاه تا دو سال در انبار ناشر می‌ماند.

**فکر می‌کنید چه عواملی سبب شد که از آن رونق بازار کتاب و کتابخوانی کاسته شود؟**

این سؤال شما را باید به دو گونه جواب داد.بخشی که مربوط به کتب بزرگسالان و علت افول آن است را می‌توان به طور کلی به آماده نبودن یک برنامه فرهنگی از قبل حساب شده اشاره کرد. به این معنی که دست‌اندرکاران انقلاب یا انتظار نداشتند که انقلاب به این زودی به پیروزی برسد، یا فرصت تئوریزه کردن اهداف را نیافته بودند. به همین دلیل، بعد از فروکش کردن شور و حال انقلابی و فرونشستن عطش



### نمایشگاه بزرگ هفته کتاب



نمایشگاه‌های کتاب

کودک و نوجوان که هر ساله به همت مؤسسه تربیت همزمان با هفته کتاب در مدارس کشور برپا می‌شود یکی از بزرگترین اتفاقات فرهنگی و از معدود مجاری ادامه حیات کتاب کودک در کشور است.

اسمال شیده‌ایم که این نمایشگاه به جای ۱۵۰۰۰ مدرسه در ۲۵۰۰۰مدرسه برپا خواهد شد. اولین جای تشکر دارد. خصوصاً وقتی بدانیم که مسؤلان این مؤسسه قصد دارند به طرز آشکار فهرست خریدهای خودرا منتشر کنند. و برای اولین بار اداران و ناظرانی از سازمان‌ها و نهادهای مختلف در کنار مشارکت دارند.

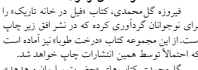
با این حال هنوز این نمایشگاهها از نواقصی رنج می‌برند. در نظام فعلی انتخاب کتاب گرچه اداران متعددی حضور دارند، عملاً نقش نهایی به سروسره‌هایی سیرده شده که کارمندان مؤسسه و آموزش و پرورش هستند و این در سلامت نظام گزینش خدشه وارد می‌سازد.

نکته دیگر سهم چشمگیر کتاب‌های کمک‌درسی و آموزشی است. متأسفانه نظام آموزشی ما سبب شده که اوقات فراغت دانش‌آموزان به جای آنکه صرف کتاب و مطالعه شود همه مصرف طول برنامه‌های آموزشی می‌شود.

تفصیلاًچین کتاب‌هایی نه ارزش فرهنگی دارند

و نه اکثراً از نظر علمی و آموزشی مورد تأیید هستند.گاش این بوجه محدودی که می‌تواند به تداوم جریان نشر کتاب‌های کودک در کشور کمک کند صرف کتاب‌های خلاق، ادبی و ارزشمند می‌شد

و نه تست‌ها و حل‌مسائل‌ها.



### دوستان ما مولانا

فیروزه گل محمدی، کتاب قیل در خانه تاریک، را برای نوجوانان گردآوری کرده که در نشر افق زیر چاپ است. از این مجموعه کتاب فرخند طویله، یاد آمده است

که احتمالاً توسط همین انتشارات چاپ خواهد شد. گل محمدی کتاب‌های «حسرت سلیمان و دهده» و «حسرت سلیمان و بلقیس» «معمش نظیر مظفر» «دانشان‌های سه‌پودی»و در جلد از داستان‌های شاهنامه فردوسی را برای گروه سنی نوجوانان آماده چاپ دارد که هنوز به نشر نرسیده است.

### کاربردهای آسون

کمال‌پهروز کیاپارک ترجمه کتاب کاربردهای آسون نوشته تپانهم راه به پایان برده است. این کتاب پیش از این از زبان‌های انگلیسی و فرانسه به فارسی ترجمه شده بود اما پهروز کیا این کتاب را از زبانی آلمانی به فارسی برگردانده است که با ترجمه‌های قبلی تفاوت دارد. در این کتاب ۳۳ مقاله به سبب روانشناسی از جمله فرود، پانگ و پیاده گردآوری شده است.پهروز کیاکتاب «مفروضه کافکا»را نوشته یازدهنگار ترجمه کرده که قرار است در انتشارات علمی - فرهنگی چاپ شود.این مترجم مجموعه شش‌جلدی به نام «مهر،خوشبخت‌ساز»را ازچک‌نویسنده آلمانی ترجمه کرده که هر کتاب یک اسم جداگانه دارد. پهروز کیا قرار است بزودی این کتاب‌ها را برای چاپ دست‌نشر بسپارد.

### سه زندگینامه زیرچاپ

عباس جهانگیریان همچنان مشغول گردآوری و نگارش فرهنگنامه هنرمندان معاصر ایران است. دابوالمعارف زندگی هنرمندان از سال ۱۳۴۰ازمروز در پی‌ری گردانن نویسنده اخیراً یک نمایشنامه برای چهچه نوشته که قرار است در جستارها تأثیر فخر توسط او را توسط کانون پرورش فکری چاپ خواهد شد.

### کتابخانه شماره ۱۳۷ شنبه ۲۳ تیرماه ۱۳۹۲

هفدهمین نشست نقد آثار غیرتخیلی کودک و نوجوان که به همت نشریه کتاب‌ماه کودک و نوجوان در خانه کتاب برگزار شد، به موضوع «واژه‌گزینی در عنوان علمی کودک و نوجوان» اختصاص داشت.

در این نشست که روزیکشنبه، شانزدهم شهریورماه با حضور ننی چند از منتقدان، پژوهشگران و نویسندگان کتاب‌های علمی کودک و نوجوان برپا شد، مهندس علی‌با به شرح زبان علمی و خصوصیات آن پرداخت و در این باره از شرایط نگارین و «ماتیوره‌یاد کرد و اظهار داشت: «خصوصیات یک زبان شامل دو قسمت است، تثبیت‌شدگی زبان و پختگی و توانایی‌های ذاتی زبان. از نظر کاربون و ماتیور، زبانی می‌تواند ملّی باشد که تثبیت شده باشد».

مهندس کافی در ادامه سخنانش به بررسی تاریخی زبان فارسی پرداخت. وی در این بررسی از نظر جهانی‌های زبانی سه گونهٔ زبان عمومی، ادبی و معیار را متذکر شد و در ادامه فرمود: «در ابتدا، زبان فارسی عمدتاً در حوزه زبان عمومی کاربرد داشت و آنچه که در نظر بود، در حوزه همین زبان برآورده می‌شد». سخنران این نشست در بخشی دیگری از سخنانش گفت: «الفحالی که تمام شئون زندگی از جمله زبان گفتار» و رود و اشاره اسلامی بود.نماین اسلامی تأثیرات خود را روی تمام شئون زندگی از جمله زبان گفتار» و وی در ادامه به طرح دو پرسش اساسی پرداخت: «در گذشته دانشمندان ما با زبان فارسی و با زبان عربی، به عنوان زبان تمدن اسلامی چه کردند؟ اکنون که ما تمدن غرب مواجهیم، آیا می‌توانیم با مسألهٔ زبان انگلیسی یک الگو بسازیم و به نتیجه برسیم؟»کافی در ادامه گفت: «دانشمندان ایرانی، علم را به زبان عربی می‌آموختند و این علم عربی می‌نوشتند. اما زبان فارسی نتوانست در تجربهٔ خویش، یعنی از قرن چهارم تا قرن هفتم که حواصهٔ نصرالدین طوسی آخرین گشایش را نوشت، زبان علم شود».

در پایان وی با اشاره به برخی از مشکلات زبان فارسی از منظر پختگی و واژه‌سازی، اشاره کرد و گفت: «یا توجه به مجموعه شرایط فعلی ایران، راهکاری که پیشنهاد می‌شود، این است که ما باید برای حوزه اطلاعاتی خودمان یک سقف را مشخص کنیم و در قیل این سقف به تقویت زبان فارسی بپردازیم».



سید مرغزی بر تریلیاب

## واژه‌گزینی در متون علمی کودک و نوجوان

هفدهمین نشست نقد آثار غیرتخیلی کودک و نوجوان که به همت نشریه کتاب‌ماه کودک و نوجوان در خانه کتاب برگزار شد، به موضوع «واژه‌گزینی در عنوان علمی کودک و نوجوان» اختصاص داشت.
در این نشست که روزیکشنبه، شانزدهم شهریورماه با حضور ننی چند از منتقدان، پژوهشگران و نویسندگان کتاب‌های علمی کودک و نوجوان برپا شد، مهندس علی‌با به شرح زبان علمی و خصوصیات آن پرداخت و در این باره از شرایط نگارین و «ماتیوره‌یاد کرد و اظهار داشت: «خصوصیات یک زبان شامل دو قسمت است، تثبیت‌شدگی زبان و پختگی و توانایی‌های ذاتی زبان. از نظر کاربون و ماتیور، زبانی می‌تواند ملّی باشد که تثبیت شده باشد».

مهندس کافی در ادامه سخنانش به بررسی تاریخی زبان فارسی پرداخت. وی در این بررسی از نظر جهانی‌های زبانی سه گونهٔ زبان عمومی، ادبی و معیار را متذکر شد و در ادامه فرمود: «در ابتدا، زبان فارسی عمدتاً در حوزه زبان عمومی کاربرد داشت و آنچه که در نظر بود، در حوزه همین زبان برآورده می‌شد». سخنران این نشست در بخشی دیگری از سخنانش گفت: «الفحالی که تمام شئون زندگی از جمله زبان گفتار» و ورود و اشاره اسلامی بود.نماین اسلامی تأثیرات خود را روی تمام شئون زندگی از جمله زبان گفتار» و وی در ادامه به طرح دو پرسش اساسی پرداخت: «در گذشته دانشمندان ما با زبان فارسی و با زبان عربی، به عنوان زبان تمدن اسلامی چه کردند؟ اکنون که ما تمدن غرب مواجهیم، آیا می‌توانیم با مسألهٔ زبان انگلیسی یک الگو بسازیم و به نتیجه برسیم؟»کافی در ادامه گفت: «دانشمندان ایرانی، علم را به زبان عربی می‌آموختند و این علم عربی می‌نوشتند. اما زبان فارسی نتوانست در تجربهٔ خویش، یعنی از قرن چهارم تا قرن هفتم که حواصهٔ نصرالدین طوسی آخرین گشایش را نوشت، زبان علم شود».

در پایان وی با اشاره به برخی از مشکلات زبان فارسی از منظر پختگی و واژه‌سازی، اشاره کرد و گفت: «یا توجه به مجموعه شرایط فعلی ایران، راهکاری که پیشنهاد می‌شود، این است که ما باید برای حوزه اطلاعاتی خودمان یک سقف را مشخص کنیم و در قیل این سقف به تقویت زبان فارسی بپردازیم».

### کتابخانه شماره ۱۳۷ شنبه ۲۳ تیرماه ۱۳۹۲

در جهان دیگر نمی‌توان مطالعه را کاری سخت و فرساینده دانست. در این روزها با پیوستن دانش‌آموزان به شبکه‌های اجتماعی و استفاده از اینترنت، دسترسی به منابع آموزشی بسیار آسان‌تر شده‌است. در این مقاله به بررسی راهکارها و روش‌های نوین برای یادگیری در عصر دیجیتال می‌پردازیم.

عصر ما عصر تخصص است. در این عصر، تخصص‌گرایی اهمیت بیشتری پیدا کرده‌است. هر فرد باید در یک زمینه تخصصی عمیق‌تر شود تا بتواند در بازار کار رقابت کند. در این مقاله به بررسی راهکارها و روش‌های نوین برای یادگیری در عصر دیجیتال می‌پردازیم. همچنین به بررسی اهمیت یادگیری مستمر و به‌روزرسانی مهارت‌ها در این عصر خواهیم پرداخت.

مشارکت به سرعت افزایش می‌یابد، کارهای حرفه‌ای و فنی و صنعتی رو به کمال می‌روند و بدون شک شایانِ ستایش و احترام برای ترقی به اجرای برنامه‌های توسعه فرهنگی، اقتصادی و فرهنگی است. در این مقاله به بررسی راهکارها و روش‌های نوین برای یادگیری در عصر دیجیتال می‌پردازیم. همچنین به بررسی اهمیت یادگیری مستمر و به‌روزرسانی مهارت‌ها در این عصر خواهیم پرداخت.

- ماحی‌در دوازدهگی از دیدگاه علوم اجتماعی، امیلیا ریسینسکی، تهران: سازمان میراث فرهنگی، کشور (زیرسنگ)، معاونت پژوهشی، پژوهشگاه مردم‌شناسی، ۱۳۸۲، ۲۸۸.
- ژن و قدرت، بررسی مردم‌شناختی عرصه‌ها و مضامین قدرت در چند خانواده نژادی، پردیس گندهاری، تهران: سازمان میراث فرهنگی، کشور (زیرسنگ)، معاونت پژوهشی، پژوهشگاه مردم‌شناسی، ۱۳۸۲، ۲۵۶-۲۵۷.
- ژرفای‌های ژرف‌شناسی محمود، دیدش‌های شفاهی از مناطق روستایی آق‌آستان، گردآوری و تألیف: اسدالله شعور، تهران: سازمان میراث فرهنگی، کشور، ۱۳۸۲، ۴۴۲صفحه، قیمت: ۸۰۰۰۰۰.
- راه آهن در ایران، منوچهر استخرامی، تهران: دفتر پژوهشگاه فرهنگی، ۱۳۸۲، ۱۰۸صفحه، ۹۵۰۰۰ تومان.
- حاجرات سعد علی‌رضا شافعی، تهران: نشرنخبین، ۱۳۸۲، ۲۶۶صفحه، ۱۵۰۰۰ تومان.
- دایره المعارف فولکلوریک رضایی، رامین رضایی، بیبا، ۱۳۸۱، ۱۱۵صفحه، ۲۰۰۰۰تومان.
- ارویلی: از ایران چه می‌ماند؟، داریوش به آیین، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۲، ۱۸۸صفحه، ۸۰۰۰۰ تومان.
- فرهنگی‌شناسی از دیدگاه محققان فرانسوی - جنبش کلاسیک، پیر، تهران: مؤسسه انتشاراتی فرهنگي دفتر مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۲، ۲۶۶صفحه، ۱۰۰۰۰ تومان.
- عبدی ازمنی، راهی به سوی تصمیم‌گیری اخلاق، پردیسو رفیق آل، کنس، مترجم: وحید وحیدی مطلق، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشارات کرانه علم، ۱۳۸۰، ۲۸۰تومان.
- سوسنگ کازانک، رضا آفریدیان، مترجم: تیره توکی، تهران: فرگون، ۱۳۸۸، ۹۲صفحه، ۹۰۰۰۰تومان.
- کارنامه نونو، محمود پورآبادی، تهران: فرگون، ۱۳۹۲، ۱۳۸صفحه، ۱۲۰۰۰تومان.

## یادداشت

سید کاظم حاشاییان رضوی

مرد مکتوب و مضروب به دست یابرو در زندگی و کار و برنامه‌های خود از آنها بهره‌گیر و در توفیق خود و دیگران از هموار کنند. گذشته از این جنبه گرانهایی از دانش و پیش به دست می‌آورد که به هنگام گفت و شنود با دیگران و توجیه نظرات خود از آن استفاده می‌کند. مصاحبتش برای دیگران فرح انگیز و پربار می‌شود. همه شما در طول دوران تحصیل آموزان کاران گوناگونی داشته‌اید که برخی از آنها به دلیل دانش شش‌لایم جهت‌گیری و اراده به تلاش و اخلاق حسنه همیشه در اختیار کار می‌مانند. زیرا از حرف دانش‌هایی که از راه مطالعه آموخته‌میزند نه تنها خود بهره گرفته‌اند بلکه دیگران را نیز بهره‌رسانده‌اند. و به رشد معنوی

## اگر چشممان افق نمی‌دید، کتابخانه بجزیره‌ای را به وسعت جهان هستی به رویم کشود

و اجتماعی و اقتصادی جامعه کمک نموده‌اند.

تجارباحت و درس‌های مدرسه برای رسیدن به نتیجه غایی تعلیم و تربیت، یعنی دریافت هر چه بیشتر دانستی‌ها و مهارت‌ها، کافی نیست. در جامعه امروز هر فرد نیاز دارد که به موازات آنچه در برنامه رسمی به او آموخته می‌شود در زمینه مسائل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، علوم، صنعت و حرفه و فن، سلامت و جسم و روح تفریح و سرگرمی استفاده از اوقات بیکار، آسایش و تفریبات ادملی و خارجي دانش کافی به دست یابود. بسیاری از این آگاهی‌ها جز از راه خواندن و مطالعه کردن به دست نمی‌آید و نمی‌توان آنها را یکجا، آن هم پس از فراغ از تحصیل به دست آورد.

دوران کودکی زمان شگفتی‌های صفت‌ها و عادت‌هاست. عادت به مطالعه باید از دوران کودکی فرارگرفته شود. این کار را پدرب و مادر و کسان کودکی از راه تعلیم زبان شیرینی (شش‌دانگی گفتن) و برانگیختن کودک به دیدن و پرسیدن و تجربه کردن و عمل کردن پیش از آنکه به مدرسه بیاید. به او می‌آموزند البته به شرطی که چنین برخوردی و تجربه‌گرایی و آگاهانه را کسان کودک داشته باشند. مدرسه بر پایه این آموخته‌ها آن را تثبیت می‌کند. و به اوزبان یادگیری

### از میان کتاب‌های رسیدید

**فهرته گذشته کتاب‌های زیر به دفتر کتاب هفته رسید:**

- مشتری محمود: سپیداحمد خاوری کاشانی، فیم افق فردا، ۱۳۸۲، ۹۶ صفحه، ۶۰۰۰۰تومان.
- جهان دانش: شرف‌الدین محمدبن مسعود مسعودی، مصحح: جلیل انصاری نجاتی، تهران: مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۲، ۲۰۰صفحه.
- اصول و مبانی، سازمان و مدیریت، ابوالفضل صادقی پور، تهران: مؤسسه فرهنگ و تندرسته، ۱۳۸۲، ۳۸۸صفحه، ۱۰۰۰۰ تومان.
- عبدی ازمنی: حافظ امروز، مولوی امروز، مقدمه، انتخاب و شرح و واژه‌ها، بانک یک‌تکلیف، تهران: نشر افق، ۱۳۸۲، ۱۹۰۰صفحه.
- نخچه الملوک: علیربن ابی‌فضل بن قتیبه، محمدجمهدی جعفری، تا ملوک، که به کوشش علی اوجی؛ دارایی، تهران، مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۲، ۱۵۷صفحه.
- همای رحمت، تألیف دکتر سپیدجمهدی جعفری، تا ملوک، که به کوشش علی اوجی؛ داراب‌نامه، که کوشش دکتر بهروز ثروتیان؛ طبع وقت، که کوشش محمدرضا موحدی؛ میرمحمدصادق؛ سرگذشت غوریان، که کوشش ابوالحسن مبین و مثنیٰ مسافره، که کوشش دکتر محمدحسین کریمی، از مؤسسه اهل‌قلم.
- نوریه آستانی (اسیرت و ست ظلمه زهرآغ) (عظمت‌الاسلامی، جمع‌آوری، پژوهی، مهدی مهریزی، آستانی از اصل چهار توم در ایران، مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری، دو جلد، شامل: مجیدان، غفران، قتیبه، مجتهد، طارف و موسوی، کاتب محمدی و لاقانی، طوایف جانان، کلاغی دیگر به جمله گریلا، دکتر نوالله حسین‌خان؛ شعر کودک از آغاز تا امروز، سپیدمصلحی، موسوی گرمارودی، عقاید، حضرت آینه‌الله العظمی حاج سپیداحمد خونساری، ترجمه علی‌رضا مسجدجامعی؛ هزمت علم دینی، کلاغی معرفت‌شناختی به نسبت دین با علوم آستانی، دکتر خسرو باقری، از سوی سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر شد.

(خواندن و نوشتن) و بازم دیدن و پرسیدن و تجربه کردن و عمل کردن می‌آموزد، و باید یادبیاورد. منظور از خواندن و مطالعه چیزی جز درک مطالب نوشته‌شده و شناخت ارزش‌ها و مفاهیم کلمه‌ها و عبارات و جمله‌ها و دریافت دانستی‌ها از راه فهمیدن پیام نویسنده و آندیشیدن درباره آن نیست. مسلماً کودکانی که در خانه با آنان زیاد گفت و شنود نمی‌شود، برایشان قفسه و دانسته‌های مناسب نمی‌گویند، کجنگار پاراشان می‌آورند و به پرسش‌هاشان پاسخ‌های درست نمی‌دهند. برایشان کتاب‌های قصه و داستانی و علم به زبان ساده نمی‌خوانند و با کتاب‌ها و مجلات خاص کودکان، آموزشی که لازمه این سنین است به آنها نمی‌دهند. پس از شش‌دانگی برنام‌های ازادیعو یادبیدن فیلسی از تلویزیون یا آنها گفت و شنودی ندارند. خواندن این ادبی می‌آموزند و رغبتی به مطالعه نشان نمی‌دهند. یا مطلب کتاب‌های درسی و نوشته‌های مجلات و کتاب‌های دیگر را، بدون اینکه درک کنند، فقط می‌خوانند. کودکی که با روش درست از همه این امکانات در خانه بهره‌مند بوده است، وقتی که به مدرسه می‌رود، به بازی و محرمات درسی که آموخته‌است می‌تواند پیوسته حرف بزند. پدتر فرزند، کجنگار باشد و تجربه یابود و بهره بخواند و آنچه را می‌خواند، دیداید و چون دیداید از آن سود و لذت ببرد.

خواندن، اضافه بر شناختن خط، مهارتی است که باید آن را از کودکی در خانه و کودکستان و دبستان و دبیرستان به کودک و نوجوان آموخت. اگر کودکان امروزی ما تصویرخوانی، نگاهخوانی و تذخوانی را بیاموزند و در خواندن و مطالعه کردن به موقع مهارت بیابند، در جوانی دوران کارآمدی و کارایی از بی‌بروری‌های زندگی و کار خود محروم خواهند بود. هر کس بیشتر بخواند و بیشتر بیاندیشد، بیشتر می‌رود. به شرطی که قوانین و مقررات جاری در جامعه پیشروانه و تفریحی و علمی‌اش را بشناسد و ارزش‌ها بر اساس لایف‌ها و کارایی‌ها برآمده بگیرد و واگذار شود.

### چرا کتابخانه؟

کتابخانه علاوه به عنوان اولین نهاد و پراندر، مادر و کسان کودک به عنوان اولین افرادی که کودک با آنها سر و کار دارد مؤلفنده در جهت رشد فکری و جسمی کودک تلاش می‌کنند. ولی این تلاش خودتایاره آگاهی را در نگاهم جامعیت واقعیت را به‌یاد می‌آورد. هر کس بیشتر بخواند و بیشتر بخواند، بیشتر می‌رود. به شرطی که قوانین و مقررات جاری در جامعه پیشروانه و تفریحی و علمی‌اش را بشناسد و ارزش‌ها بر اساس لایف‌ها و کارایی‌ها برآمده بگیرد و واگذار شود.

کتابخانه کودک و نوجوان باید آنچه را که گروهی بزرگ از نویسندگان، مترجمان و ناشران، برای اصلاح دانسته‌های کودکان و نوجوان فراهم می‌کنند تا رغبت و انگیزه در آنها ایجاد نمایند و میان کودکان، جوانان و نوجوانان از یک سو و جامعه از سوی دیگر پیوندی استوار برقرار کنند. در صورتی آنها قرار ندهند.

برای رشد ذهنی، و به دست آوردن آگاهی‌های ملی و جهانی و تألیف و تهیه پیشرفت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فاضحاری هنری و علمی و ادبی قدیم و جدید و موقعیت سرزمینشان در نقشه روابط جهانی تبدیل کند. یکی از مهمترین اوزان این تلاش دانش مجموعه‌ای غنی و مطمئن از کتاب‌ها، نشریات، عکس‌ها، نقشه‌ها و دیگر امکانات آموزشی و تکنولوژی است و این مهم جز در کتابخانه‌ها میسر نیست.

از طرف دیگر، کتابخانه‌های کودکان و نوجوانان از همان آغاز یادگیری خواندن و نوشتن) به‌شود بهره‌گیری از کتاب و کتابخانه یکی از طراف مهم‌ها، بایداداران و مربیان فرهنگی و هنری است. نگارنده در دوران کار در دبیرستان، محل نشو و بهره‌گیری از مجموعه کتابخانه که جای خود داشته، ختم کلامی اینکه بایدیم در مدارس کتابخانه و کتابخانه را جدی‌تر بگیریم.



**به مناسبت آغاز سال تحصیلی (مهر)**

# با کتاب، مرا با جهان آشنا کن عزیز



زهرا صفوی صاهید

**ذکر صفوی سواد و حرف نیست جز دل آسید همچون یوف نیست مولانا جلال‌الدین**

شهپرورد

شبهای تابستان - جهان باغ خاتهای کویکت-تحمل رهـا. کـردی و خیال سـرشار. ابرهای شهپرورد، را شـبـهـا در خیال به شکلی دیدن- شبیه کوهی، شبیه درختی، شبیه پرندهای، شبیه استاتی، شبیه خانه‌ای، و ابرها که در آن خلوت شایان ما - که آرام بود و بی صدا- لاجظه به لحظه شکل عوض می کردند، و شکل نهایی ابرها، مدرسه‌ای که تا همین چند روز آینده باز می‌شد، مهر.



بی صدا - لاجظه به لحظه شکل عوض می کردند، و شکل نهایی ابرها، مدرسه‌ای که تا همین چند روز آینده باز می‌شد، مهر.

در نوجوانی اما شهپرورد بر ایمن نه شادی داشت و نه غمی، که نه مدرسه‌ای بود و نه تحصیل پیداری، همه نوجوانی - به جای مدرسه و کتاب و کیف و دفتر - کار و خستگی کار و تلاش روزانه دیدن کارگاه و کارخانه، ورود به خواب می‌زدند، اگر چه روزهایهم سرشار بود از حسرت درس و مدرسه و کیف و کتاب که از آنها دور بودم و محروم بودم؛ چه زلفی که همه ماهه‌های بکی فصل گلزار کردی، و زندگی حقوق سرفروزم.

بر ایمن یعنی پیدا کردن یک مدرسه و دو ماهی سپاه کرجکولو، خواندن و سرتی گرم به ماهونه ها و شخصیت‌ها.

شهپرورد، ماه صید پهنیگی بود و ماهی سپاه کرجکولو، که دهها بار با این ماهی سپاه کرجکولو همسفر دریاهای

شهپرورد آن احمد، که بیچه مردمش از جنس و جنم آدم‌های پیرامونی خود بود و بعدها پنج داستان که مرا می‌رزد به حمله‌هایی آشنا و سرکنی هم با دو ستانم می‌کشیدیم، به همه‌اش فرورز آیدوی، و بر سر آن سرازیر می‌شدیم و با خنده و هزول، هم یکی از فاشلی شهپرورد، ما من، همین رفتن به مسجد فیروز آباد است.

میدان (رله) مسجد مقدم، مقابل حسینیه علامه یحیی نوری، تیراندازی، در خانه‌ای باز و پناه گرفتن به یکس خانواده‌ای در حیاطی، جمعه مقدم، روز مردم، جمعه از پرسی خون می‌بارد...

سیدمخدومه طالقانی، مهربانی مجسم دین، صدای آرامش، ایودر زمان، فراغت امروز، پیراهنی سپاه و جاری شدن آب قابونی تا زام با پشت زهار، پیوستی از آزاد که پیش و پیش از هر چیز بر جان خوش تابدید بود، درفش گلشنی قرآن بود.

کتلی زبونی، که بعدها فهمیدم، رفتن تود و چند سالگی‌اش با طالقانی در یک روز بود، کسی که همان سال‌ها که تود هم در شعر شروع کرد به نقسش در هوایی ناز، او هم دو موشی چنین کرده بود، اما هر چه نیا در

شعر، آقای و بعضی پروداور در فراموشه مایه بود، او یگانه موشی، یعنی شاکردشت سپاه، با همه بزرگی‌اش شان، توانسته بودند تنهایی موشی‌ها را شنود؟ چرا؟ آهنش باید پاسخ بدهند، برگ کتل هم بر سایه اشاق افتاد.

سیدمخدومه ملسن، نماز جمعه لهجه‌ای که مرا به یاد شهرهای مرا انداخت، اجین پرانه و اوداندن.

سی و یکم شهپرورد، اولین شهبدان جنگ، جنگ‌های هوایی، اما تا آن جنس فراموشی، آن هم برای ما که جوانی‌مان در دنشایش همین شهبدان ایران و ایلهبان، به اوج رسانده.

مهدی پهنش روز، روزنامه نثار، توه شیخ آقازورگ نهانی، که این خاندان بزرگی‌شان در گرو همان شیخ بود.

آقا موسی صدر، تابندی، دانشش، آن هم با خاطراتی که سال‌ها بعد از نیا می‌خواندم آقا موسی صدر، خاطراتی مکشتمه وار، از سال ۱۳۳۴ یا ۱۳۳۵، در خواب سید موسی صدر را می‌بینید و...

دکتر محمود حسینی، که در این سالها بیشتر شناختمش.

دکتر زین کوبی، مظهر داناتی و فراوانگی و تحقیق (د) به دنبال حقیقت بودند، که اگر کتاب‌های ارجمنش را روی هم بچینند از قد و فرازه من امثال من بالا تر می‌زدند، کرجکی چون منی و بزرگی چنینی.



سهیل محمودی

## برای مردی آفتابی

دستان سلام فراهنگ مردم، سیدابوالقاسم التجری شهزادی، شب‌های با حوصله در پای رانین نشستن، صباهی مهربان و لحنی باوقار و پیام و کلامی آشنا از زندگی خود،ام شهپرورد، ناصر شاعران این روزگار نهی، یکی از معدود شاعرانی که از حیاه، نفس روح آفتابی، که با زندگی درموه بدیده خود، یادشده، در کنار سراسر وظل و مویلو و وسعتی و حافظ و مناسبت، مجربه غزل فارسی شد.

اخوان، شک و بی‌قراری، شاعری بزرگ، پهلوانی که سر اندازگاری با این فکر آین قرن دیوانه داشت، خلف نورزیده فردوسی و خیام و عطار و رمانی احمدی صدای نیما یزدی.

محمد پروین گشادبی، لغت نامه دهمخدا، از شور جوانی تلف شده در آن حرب گناه، تا سر پیری در بنیاد فرهنگ.

و پروین نائل خاتری، تانقنق، که هنوز باید، به چه‌ها کیوبگی فضایل ادبی و خدمتشن را فرقی نگذارید، با آلودگی‌اش به سیاست مبارز سوز در آن سال‌ها، به قول بزرگی، الان در می‌یابم که «حسناشن پیش از سیاحتنش پروده‌است».

شهید وحید دستگردی، از همان خائزده حسن وحید دستگردی، یاد و خاطره یکی از نشریات ادبی ازمغان، که با آن خانواده جنده هفندم جاودم افتاشد.

فرهاد مهرداد، آن صدای خشکگی ما، یاد ازنج هامان، شنبه‌شدایی از ایمان با نطقن حکیم و وحدتیی، صدای نسل ما شنیده، گروه‌های پازیرکن، درکتابتن، ونگار و ویا تابعند، اولیا سپاس محمد، هم سر تاله سرکن، بوزیک، که

بر سر و موشن نشسته بود، خانه این برف از دیگر سر باز ایستادن نیست».

ماهره، مدرسه ابتدایی، مدرسه امرسپهانلی، کلاس آقای عبدالله پور، درس دینی و قرآن، و نوستدگان آن کتاب‌ها، آقای عبدالله پور می‌گفت، اینها عالمان تحصیل کرده و از رشدندایی اند،محمد جواد باهنر، سیدرضا

رفعی، علی گزارده غفوری، کسبئی که بعدها چند بار از تولیدی عیدمتشان را با آواز آشنا نمودیم.

کافعی، صراف سواد، از جلوبا پار دشتن سنگ بزرگی که همان صراف میرا بود، در جامع المقدمات.

و این یکی، هم محلی خودمان، در میان آن همه

نوستدند و صاحب اثر و تألیف و نزار و صداه این یکی زندگی‌اش یک کتاب بود، مگر طبیعت یک کتاب کشوده نیست؟ آسان تیز، کتاب همواره کشوده‌ای به نام

مخدومه زلفی، کتابی غریبانه اما سرشار از امید، کتاب همیشه نوشته مردم، اگر مقبول از کتاب‌ها، اومخنت

تأثیر پذیرفتن، و در اوج «حکمت» و «دکر» باشد، حیات

و مرگ این یکی همانترین کتاب‌ها بود.

رحمانی، هم محل خودمان، هر روز که از چهارراه

آسردار و کویچه «آقاجانلو» رد می‌شود، اول فاتحه‌ای برای او می‌خوانم، تکلی تکسی که هر روزم در تهران با خودم از کویچه «آقاجانلو» خاطره‌اش زنده می‌شود، او از جنس ما

بود و از ما بود، ما بود، امسروزه راستین این زمانه نهی.

چهارراه آسردار، آقاجانلو، خیابان ایران»

یشتیم برای او شعر می‌گویم، بعد از سال‌ها ادای دینی به من تود و هم زنجیر و همکل و هم محلی.

بگذار به من بگویند، ناصر دفونی، شاعر لؤلؤ، مگر که در

این سال‌ها، از این زمین زبان‌هاوشش و کتاب‌ها شنیدم، ام

بگذار بازم بگویند، شاعران ادبوتوزیک، ای بلبل! از

اول جوانی تا امروز، ذهنم داختم و فکر می‌کنیم باید

مقشظن کرد، اینکه چشن بر عظمت شهبدان ندیدیم تنها

گاه من و دوستانش که آن سال‌ها سناشنگر لاداران جبهه

بودیم، همین سناشنگری لاداران جبهه است، و اگر

این گناه ماست، خوشیار ما معنویت و عدالت، دفعده

همیشگی‌مان یاد، بگذار هرچه می‌خواند به من یک لا قیاب‌گویند، کرجچه زلفده چپ و راست بودیم، و یاز خوشا

بر ما، که شهبداتی که برای ایلهبان و ایران و دنان مردم،

شیگانه، سمدوجان، مایلند یاد این شهبدان دفعده

همیشگی‌مان یاد، که از طرف طرفه نشدید و مشکوک

نگاهمان کردند، که نمی‌خواستیم سر سرجز آسان صدای

شهبدان و شهبدان، فرود آویزم.

نه ارزش‌ها و مقدمات را انان، ادای خودمان گرمیم

و جانمنازی با آقایان آب کشیدیم، و نه دهن کچی به

مقدمات را تمام ادای خودمان گرمیم و در پسله‌های

شیکاطر کشیده با کسی دمخور نشدیم، به همین زندگی

در جزب و شهر و هم محلی بودن یا راجایی دلخوش بودیم.

و از سر سر کرجچه‌ای که در شنیدم با ندین نام شهبدی بر



سرکنذر

آن، یاد و خاطره‌ها در دلمان طراوت ایجاد کرد، و اساساً نشری که «صفاهای شهبدان راه دلشغرفی ماان» و تمام با ییی ودایی پاسخ ندیم، و دلخوش نشدیم که زندگی و سطح زندگی‌مان با همه نبهت و هنر و صبر و کتبه‌ها که نیازمان شده، در حدامشان زندگی ساده بیخه و هفتی است»؟ زندگی به هم ریخته‌ای که نه کاربندی، جایی را در می‌داند و نه به استخدام و خدمت اداری است، هر چه هست، «حق التحریر» است، «حق التألیف» و «حق الزحمه» و «حق التدیس»، اگر چه سخت معتقد که همیشه حق با دیگران است، حق ما همین دست‌های نهی است و ذلی بر.

می‌خواهم از اختلاف آمداعات کام بگیرم، در کتاب هفتد ستون و صفحه‌های مستقل برای شعر در نظر گرفته

نشده، و این سرکنذر، هم برای چاپ شعر نیست، برای

یاد یادآورزی است، اما می‌خواهم این شعر را که در همین

روزها نوشته‌ام، به یاد رحمانی در همین جا نقل کنیم.

مازم هم می‌گویم، این اعداد نیست به خودما، به ما،

که وجایی بزرگه خود ما بود، و این شعر سید پرآمده

از همین جنس است، شعری سید، میری مردی آفتابی.

کسی که کتابی نوشته است، در کتاب هفتد، از کتاب

و کتاب‌هایش یاد کنم و به چندن و چون آنها بیروادم، اما

زندگی‌اش یک کتاب بود، یک شاکهنگ جاودانه.

**آوازی برای نومی نویسیم**

- دستپهارم راه کدام چکلوک
- پزند برتم
- تا این قلم سبز
- آوازی برای تو نویسد
- آوازی برای تو نویسم
- آوازی برای تو نویسم
- برای مهرگان
- آگر چه هوران سال
- آن سوی تو، بر تاب شدم
- اما مرغ و صخره‌ها
- آبشارها و سنگ‌ها
- فاصدگناها و بادها
- آوازهایم را
- به دیدار تو می‌آورند.

- نهان برای تو
- آوازی برای تو نویسم
- دسته جمعی‌های
- تا بچه‌های خیابانی
- تا سون گرفتارم
- تعیجاشان را به نان فرودشد.
- نگاهم را نگهبانند
- و سال‌های خشکگی
- دستنگی‌ام را
- به یاد بسازند.
- آوازی برای تو
- آوازی برای تو نویسم
- تا شناسمگی کلایی
- تا ن‌زن‌های کنار خیابان
- دست‌هایشان را پایین
- دسترخانی.

- آوازی برای تو
- آوازی برای تو نویسم
- تا شناسمگی کلایی
- تا طراوت زیتون
- دسترخانی کلایس

- آوازی برای تو
- تا شناسمگی کلایی
- تا شناسم اثر
- یاباده به خانه برگردند.
- تا بخنجرهای باز
- آوازی برای تو نویسم
- تا کویچه‌های گشاده
- پرواز...

**پاوروق‌ها:**

۱-ای کائن جهانی، در این ستون بود تا دیده‌اشست شما را درینده امام موسی صدر، در این حاشیه، بی‌ادام، خواهد داشت، و چون کشید، گزیده آواز نیا-دفتر فوج لشکر، به کوشش سیرود حاکمان، دستورات بزرگه، چاپ اول ۱۳۴۹

۲-شادروان احمد شادلو

۳-در کویچه باریک دین بسی که خانه شهبد رحمانی

است، نوشدند، «خانه شهبد رحمانی» که موزه جعلی است برای عبود و انگریستن، « خانه اما جایی برای عبود و

زیستن».

۴- تودت بیخده و هفت‌ها عقب مونتی دافاش، از دست

منظومه مذبح عاشقی، «جدا جاوشی باید، در دست

چاپ و ازانه به صورت تو از و می‌دی.



راسته کتابفروش‌ها

نشرالله حدادی

### سرزمین دوست



یک افغانی عاشق که

سیست سال است در کشور ما افغان تارده، در امروز ۱۳۷۷خون

کتاب در زمینه تاریخ ادبیات و

عرفان سرزمین مشترک ما و

افغان‌ها، به چاپ رسیده و یک

عنوان از نشر اولش مشترک

بین ما با نیکی‌ها و افغان‌هاست.

برندان، خویر و برایش نام آن کتاب است. دفتر می‌گویم، چراک عنوان می‌گویم، مگر بی‌غریبان است؟

می‌گویم، مگر کتاب‌های ما در آنجا اهلان و بحراری

همه‌ی دراره می‌گویند، اگر بیشتر از اینجا بلدان کسبتر نیست و

افغانه می‌کند، مجال است فرهنگ و تمدن در آنجا بلدان،

بدون کتاب‌های چاپ این، بشری روزگاری داشته افتاد.

می‌گویم، پس این همه کتاب‌های چاپ شده برای

آنجا می‌خواهی؟ می‌گویم، من می‌خواهم کتاب‌های

نشان خوشام و تو کار ایرانی را هم در افغانستان عرضه

کنم و امید مساهلتن و همکاری تمام و پس از سقوط

طلابان، در خیابان شهید جدید گلک، در زندگی چهارراه

شهبدان، یک کتابفروشی به راه انداخته‌ام، تا تو از و نشانی

نشان ایرانی را به صورت تبلار، در خواهر آورد و اعلام

افغانه می‌گویم، امکان چاپ کتاب، آن هم به این صورت

می‌گویم، امکان چاپ کتاب، آن هم به این صورت

که در ایران روح دارد، از آید در افغانستان امکان پذیر است،

خبیثی کنسرت، کتاب‌ها را به صورت انقدت به چاپ رسانم،

اما نمی‌شود، چه هدف کتابتشن ایرانی را از خیرباد بکنم

و نشان ایرانی باید بماند، حالچه کتابکتاب در افغانستان

خیابان داشته باشد، به قدر علوب رعایت نشان جهانی

کیهان راستی، با روش آن روش کرده و دیده فروش

رسانده می‌چند کیفیت چاپ کتاب در ایران بالاست، اما؟

غین در آینده تزکیک ما نیز می‌توانیم با کیفیت مطلوب

کتاب در افغانستان به چاپ رسانیم.

نگاهی به کتاب‌هایش می‌اندازم، طرح جلد مناسب،

صفحه آرای مطلوب، چاپ و صحافی خوب، همراه با

گریش مطلوب خوب و دل‌نگار، جمع‌ویحات کاروبست.

مهربانی و بی‌زیاری، گل برزیر، تازه با صدقه‌ای، رویت.

مستی جلالت، گنگان قوس زندگی، جانن چگریگی هونت

علم افغانستان، و سازه‌های ناصح، هونت علم.

پشت پاک تری افغانستان، از همچن تا جنگ داخلی، محافظ

به اهتمام آیب بر ومنت، و- از جهت کتاب‌های ایرد.

به کتاب همزبان و بی‌زیاری‌اش، نگاهی می‌اندازم.

چه کتاب خوب و شیرینی است، چه قدر جلد و کلمه

نیز و با افغان‌ها جور بود، یاد آنها به نات خنده، شامان خانه

می‌گویند و به همین نسبت، آید برای به نشان برای:

استکان سینه‌المصلح، آوازی نشوده، شاکهنگ راکتگی، افاق

هیدیکوان، آخست- سناشایش، «شاکهنگ» و سلفیقه و

چقدر کلمه‌ها آشنا هستند، یاد می‌آید، چه قدر

نهان به کسی که نان از تور در آورد، ندیده می‌گفتند

و با خوقلمه بودم، زاری مکن و دور مزنه، و بفرستس پس

زادوی، یعنی انسان.

به هر حال افغانستان با مشترکات تاریخی بسیار با

ایران، «سرزمین دوست» است، و در روزگاری نه چندان

دور، دوز، لایفک این آب و خاک بود، است، و امروز به

فرم جدایی غلغری و ایجاد مرزهای جغرافیایی، آن قدر

رسمته‌های فرهنگی و تاریخی مشترک دارد، که هیچ

اثر ایرانی در افغانستان اساس غرت نمی‌کند، یا کس

میلون‌ها می‌افغانی، طی سال‌های اعلان آن توسط دولت

و طالبان، و باطنی هممان سرزمین ما بوده‌اند.

از محمد ابراهیم شرعی، عشق سرزمین سوال کنده‌کنش

عرفان در ایران چه شکستگی داد می‌گویند، به عنوان داکتر

مؤلف فعالیت مکتب و اداری و پرتله نشر چشم و دست

دارم کتاب‌های خوب نشان ایرانی را در افغانستان معرفی

کردیم، فرورش برسانم، چه نوشته‌ورفته این، چه کتاب

باشقیق «چرفی» که مر چشمشش مرچ می‌زند، نشان از

یگانگی نگاره را با دومی‌تولی از خودم، سرتی، کسنگ

سرزمین بلادینه افغانستان، می‌دی دهنه جنگ،

خونریزی و برادرتی، نایز، مرهم ای‌ایم، در هدایش

دارد و محمد ابراهیم شرعی، با تمام شکر و لافلاش، ام

با زکو کشده آن دره‌ها در ایران است، به کفک او شناسیم

عنوان همزبان و هم فرهنگ ما معزوره آزادانه.

**ایران‌کتابی** است که **آبهای آن از سوی داناتی حکیم و آگاه استوار و پایدار گشته** (که به کتابی دیگر منسوخ نشود) و **آن‌گاه به تفصیل درآمده است.**

قرآن کریم، سوره خود(۸۷)بخشی از آیه ۶

بزمین با شمشیر و زبان خود جهاد می‌کند. سونگد به آن که جانم در دست اوست، سخنان شاعران مؤمن چون تبری است که به دلمین می‌زند. رسول اکرم(ص) با گزیده میران‌المنکنه، حدیث ۳۳۲۲، به نقل از تفسیر نورالتقین

## دلیله

به انگیزه ۲۷ شهریور روز **نیز** **کاشت** **سیدمحمدحسین شهبازی** **(روز شهبواد فارسی)**
**نظر لطف**

سید علی محمد رفیعی

دانشان با سخن ما تو قیوتش کردی،
دایر آری سخن عشق نشانی دارد.

حافظ

برخی بنیاده‌ها در تاریخ دین و دانش و ادب و هنر که مایه ماندگاری و گسترش نام و یاد برخی افراد شده‌اند نشان ازین دارند که علمای دیگر،دورای ثقیلثت و کوشش

و محاسبات و حتی وسعت و عمق دانش و مهارت و ذوق و زهد و تلاش، تعیین می‌کند که کدام اثر در یادها و درونها تکرار شود و کدام نام در ذهنها و زیانها حضور داشته باشد.
نومنه‌ها در هر زمینه کم نیستند. آقا شیخ عباس قمی:مردی در عصری زاد و رنگارش فیهشتان سالیه ما و زندگینامه‌ها گذرانده‌است،به درخواست دوستی به نگارش کتابی در اعیان دست می‌زند و «مفاتیح الجنان» برپا می‌آید.
فران فرآن فار می‌گرد،مستادی شریفه در حکمت و ادیب، به نگارش ترجمه ای روان از قرآن کریم می‌پردازد و پس از آن،سالیان‌سالم مهدی‌اللهی قمشه‌ای با ترجمه قرآن فرین است. معلوم نیست که عجم دانشمند ریاضیاتی دانسته است یا نه، اما نام او به خاطر ریاضیات حیات در شرح و تریب می‌گسترده،چون۱۹۱۸ ساله در یک دولت و عصری نگاری می‌خورد و در آخرین ساعات عمر، به نگارش نظریه‌های ریاضی خود می‌پردازد و نام «اولیاست کالوا» در جبر عالی، جودانه می‌شود.
در زندگی برخی مراجع محبوب و صاحبان امر اگر نگاه کنید می‌بینید که انگار شرایط بیرون و درون به گونه‌ای فراهم شده تا آنها به برجحت برسند و محبوبیتی بلامنازع بیابند.
گاه چند رهبر، چند پاپ یا چند عالم همراز در فاصله ای اندک در می‌گذرند یا حتی یک اشتباه یا اتفاق رخ می‌دهد تا یک تاریخساز، ریاست رسیده، در عصر حکومت دواته‌ها و ضعف تعبیراتی نوشته‌های نئی گنجد، مشرق و غرب عالم را فرا می‌گیرد و شکفتی می‌آورد، نام می‌کنی، روایتگ می‌سازد، نام می‌گسترد، نام برخی آهنگسازان، موسیقیدانان، مقاله‌گذار شده‌ است که یک اثر آنها - که آنجا تنها اثر آنهاست - ملت یا جهانی را توانسته است تسخیر کند.
اگر محشتم کاشانی، هانف افغانستان، رضی‌الدین آریزبانی، کلیم کاشانی و از این دست شاعران افغانستان که محشتمی تر میان آن همه سروده خود، ترکیب کنند، ترجیحی نهند، سالیانه با سروده تألیف‌گذاری دانشمند، کردار یاد آنها را تنها در لایه لای ذخیره‌ها و تاریخهای آبادی می‌شد یافت.

دوست و دشمن اعتراف دارد که شعر «همای رحمت» شهروزار، شاهکار نیست، اما این شعر سالیان سال محافل مذهبی را تسخیر کرد، فارسی زبانان اهل ادب و هنر نیز شهروزار را از غزل «حالا چرا، شناختند و آردی زبانان با سطرده «مهدر یاباد، شهروزار را در هر مرتبه‌ای از ادب پارسی بادییم این چراچند سروده، کشورهایی را کشوده و کشورهایی را فتح کرده است.
چنگاها نظریه‌ریزی در بیان آن همه سروده دارد، دلیل «براندازی» به خاطر باید آن زن زاهد بر براندازی چیزی می‌گوید به این معنوس که من سالیانه‌اوت جوامع را، سالیان را و شادابی و در در خدمت به خدا صرف کرده‌ام، چنان این تجلیات باید برای تو رخ دهند؟
مطالعه شرح حال این افراد و ویژگی‌های فردی و اجتماعی آنها شاید کمکی در یافتن پاسخی و گرفتن پیامی باشد.

## زندگی

**نوشین احمدی خراسانی** متولد ۱۳۴۸ در تهران و دانش‌آموخته بهداشت محیط زیست از دانشگاه تهران و برنمی زبان انگلیسی از دانشگاه آزاد اسلامی است.از سال ۱۳۶۹ تاشر و مدیر مسئول انتشارات توسعه است. در برخی مجامع فرهنگی عضویت دارد و فعالیتهای اجتماعی متعددی در مرکز فرهنگی زنان برگزار کرده و چندین سخنرانی در ارتباط با مسائل زنان داشته است. افزون بر همکاری علمی با نشریات ایرانی و خارجی در زمینه نگارش مقالات ژانری، ترجمه‌ای و فعالیت‌های سمپوزی قضاوت‌ها (۱۳۷۹-۱۳۸۰) و فصلنامه فرهنگی زنان برای نوجوانان(۱۳۷۹-۱۳۸۰) و فصلنامه فصل زنان( ۱۳۸۱ تا کنون) و پروژه‌نامه زنانه نشریه فرهنگ توسعه را به عهده داشته است.

در زمینه کتاب، این آثار از او به چاپ رسیده‌اند:
- ترجمه کتاب **جامعه‌شناسی در ایران**« نوشته دکتر **علی اکبر مهدی و جده‌الملق حسینی زاده، چاپ اول در سال ۱۳۶۹ و چاپ دوم سال ۱۳۷۵ توسط نشر توسعه**
- ترجمه کتاب **هنگ میکنشانی** و **راز قلعه قدیمی»** (کتاب داستان برای نوجوانان) نوشته **لوسیندا لانتین، سال ۱۳۶۶، نشر توسعه**
- **زنان بی گذشته** (مجموعه داستان)، **نشر توسعه، ۱۳۶۷**

- **پودوخ و چاپ «اولین سالنهای زنان ایران»**، **نشر توسعه، سالهای ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶**
- **پودوخ و چاپ سالنهای زنان ایران»** به زبان انگلیسی، **نشر توسعه، سال ۱۳۷۸**
- **توجه کنهائی دانشجویی برای نوجوانان**، **نشر سالن**

- **توجه کتاب «هنگ نظریه‌های فمینیستی»** **همی»**د **پافروزه مهاجر و فرخ فراهانی**، **نشر توسعه، ۱۳۸۲**
- **زنان زین صیبه پرخونده‌ها**، **نشر توسعه، ۱۳۸۴**
**چاپ پنجم بهار ۱۳۸۷**

**با توجه به اهمیتها** که در نگارنهای فمینیستی درباره فمینیسم و نسبت آن با آموزه‌های اصیل دینی **مشاهده می‌شود، گفت و شنودی با نوشین احمدی خراسانی در این باره داشته‌ایم**

**دغدغه شما در نگارش آثارتان چیست و نوشته‌های شما کدام جای خالی را پر می‌کنند؟**

اگرچه خیلی موزج و مختصر پاسخ بدهم، باید بگویم گرایش و انگیزه‌ام در پس کارهای کسی که انجام داده‌ام مسئله‌ای است به نام مسئله زن. البته برای من مسئله‌زنده‌ای خلاف برخی از زنان کشور در سطح خوادام مطرح نشد چون در چارچوب خانوادام، مشکل خیلی غریب و حسنی ندانمش، بلکه مسئله زن را در سطح جامعه بود که برای اولین بار احساس کردم. به همین دلیل در دوران دانشجویی به جمعها و گرایشهای خروان توسعه، جذب شدم. من هم به دنبال شاهراههای بزرگ بودم، شاهراههایی کلان به بزرگی توسعه، تحولات زینتی، برنامه‌های کلان اقتصادی، صنعتی شدن و از این جور چیزها.حیثیتله این معارهای کلان و گنده در حرف، به نیست در عمل منتهی می‌شد.تا سرانجام متوجه شدم گیز اصلی در جای دیگری است یعنی جامعه‌ای مظاهر کوچکتر، که در نظر جامعه سنتی و مردسالار ما، بی‌اهمیت آند. خسته‌های خیلی کوچک و حریف مثل برابری افراد جامعه در حقوق و زندگی و معاش دورتره چیزهای کوچکی آند. حق ارائه انتخاب نوع زندگی و انتخاب نوع پوشش، کارهای من و امثال من است. کدام جای خالی را پر می‌کنند. باید بگویم که من وقتی می‌نویسم به فکر پر کردن خلی نیستم بلکه به فکر ایجاد انگیزه و گفت‌وگو با زنان دیگر بروم. اما اگر از رویه دیگری نگاه کنیم به هر حال آن قدر

در این جامعه خلأ که نامالکه چادوبیلهایی خالی است که هر کسی و هر حرکت و تلاش فکری چه در قالب نوشتاری، تصویری، ادبی، هنری وغیره بالاخره جایی را پر می‌کند. اگرچه آن قدر خفلی زیاد است که حالا حالاها شاید نتوان آنها را پر کرد. اتفاقاًمشکل اساسی و تاریخی ما شاید این است که خیلی کم کار می‌کنیم.

**تعریفی از فمینیسم بدهید؟**
وعدایمنه زندگان به این سؤال سخت است. چون به دست دادن یک تعریف کوتاه از فمینیسم را از هر جنبه فکری دیگر به خصوص اگر آن مکتب در فضای جامعه به عنوان سوبای متنوع مطرح شود، پیامی داشته باشد از به سادگی امکانپذیر نیست. برای همین شرح مختصری از

## فمینیسم؛ گرایش ها و تعبیرها

در این مقاله چادوبیلهایی خالی است که هر کسی و هر حرکت و تلاش فکری چه در قالب نوشتاری، تصویری، ادبی، هنری وغیره بالاخره جایی را پر می‌کند. اگرچه آن قدر خفلی زیاد است که حالا حالاها شاید نتوان آنها را پر کرد. اتفاقاًمشکل اساسی و تاریخی ما شاید این است که خیلی کم کار می‌کنیم.

**تعریفی از فمینیسم بدهید؟**
وعدایمنه زندگان به این سؤال سخت است. چون به دست دادن یک تعریف کوتاه از فمینیسم را از هر جنبه فکری دیگر به خصوص اگر آن مکتب در فضای جامعه به عنوان سوبای متنوع مطرح شود، پیامی داشته باشد از به سادگی امکانپذیر نیست. برای همین شرح مختصری از

در این جامعه خلأ که نامالکه چادوبیلهایی خالی است که هر کسی و هر حرکت و تلاش فکری چه در قالب نوشتاری، تصویری، ادبی، هنری وغیره بالاخره جایی را پر می‌کند. اگرچه آن قدر خفلی زیاد است که حالا حالاها شاید نتوان آنها را پر کرد. اتفاقاًمشکل اساسی و تاریخی ما شاید این است که خیلی کم کار می‌کنیم.

در این جامعه خلأ که نامالکه چادوبیلهایی خالی است که هر کسی و هر حرکت و تلاش فکری چه در قالب نوشتاری، تصویری، ادبی، هنری وغیره بالاخره جایی را پر می‌کند. اگرچه آن قدر خفلی زیاد است که حالا حالاها شاید نتوان آنها را پر کرد. اتفاقاًمشکل اساسی و تاریخی ما شاید این است که خیلی کم کار می‌کنیم.

در این جامعه خلأ که نامالکه چادوبیلهایی خالی است که هر کسی و هر حرکت و تلاش فکری چه در قالب نوشتاری، تصویری، ادبی، هنری وغیره بالاخره جایی را پر می‌کند. اگرچه آن قدر خفلی زیاد است که حالا حالاها شاید نتوان آنها را پر کرد. اتفاقاًمشکل اساسی و تاریخی ما شاید این است که خیلی کم کار می‌کنیم.

اصلاحی، علیه نظام مردسالاری ارائه می‌دهد. و دیگر روی همانندنهایی آن در وزن ( مرد کادر دارد و بر برابری علمی در عرصه‌های مختلف تأکید می‌کند و نظرانها را عددتأثانی از تربیت و فرهنگ مردسالارانه می‌پندارد. گروه اول را فمینیسم «فادونگرا» یا فمینیسم زن‌مدار می‌گویند. گروه دوم را که عمدتاً فمینیسمهای لیبرال را در بر می‌گیرد، فمینیسم مارکسیستار می‌نامند که خواستار برابری کامل زنان در مقابل قانون بودند.

این دو گروه دارای تکنیکها و استراتژیهای متفاوتی هستند.
بعدها در موج دوم جنبش فمینیستی به ویژه در آمریکا و اروپا، فمینیسمهای رادیکال، به وجود آمدند که در واقع به نوعی، تمام دمویم نگرش گروه اول یعنی تکیه بر تفاوت، بود. این‌گرش در تحول خود از دهه ۱۹۶۰ به شانه‌های کوچکتر تقسیم شد. مانند فمینیسم سوسیالیستی، فمینیسم مارکسیستی، فمینیسم فرهنگی، فمینیسم روانکاو، فمینیسم اگزیستانسیالیست و ….

به هر حال تاریخچه پیوسته فمینیسم نشان می‌دهد که «اولاً فمینیسم مثل هر مفهوه اجتماعی دیگر، خود مفهومی است غیر استوار و متغییر و گوناگون، و در ذاتی فمینیسم یک مکتب ایدئولوژیک نیست بلکه به مجموعه‌ای از تئوریه‌ها و گرایشهای گوناگون در جنبش زنان اطلاق می‌شود. اما با وجود این گوناگونی‌ها رشتک آرمانها و اهداف آنها وجود دارد که از مزهای تجربیایی هم فراروی می‌کنند. به طور خلاصه، شاید بتوان گفت فمینیسم یعنی به رسمیت شناختن برخورد بیعوض امیز و متفاوتی که به زنها می‌شود و تحت شتم پوششان فقط به عاظر زن بودن است، و پذیرفتن این که در این باره باید اقدامی کرد. از این منظر، فمینیسم نیز به هر فرد عدالت طلب، و برابرخواه، ماهر فکری و ایدئولوژی که در ارتباط با مسئله زن مشکلات عدیده زنان اعمال می‌کند می‌تواند اطلاق شود. وجود شاه‌های متنوع و گرایشهای گوناگون در فمینیسم هم نشانگر همین قضیه است. در واقع آن‌طور که نخله‌های مختلف فمینیستی نشان می‌دهد، هر کسی را هر ایدئولوژی، مشکلات زنان را از منظر خود مطرح کند و با توجه به ایدئولوژی خود تعریفی در راه برترتظقی از وضعیت ناسامان زنان ارائه کند و خواسته‌هایی را برای رسیدن به آن مطرح سازد، فمینیست است. حالا می‌بینید که فمینیسم مفهومی گسترده و بی‌پایان د.

این خیل بلند زنان آن چنان بسزوره‌های موجود آورد که به عنوان چالش هم قرن به حساب می‌آید. اگرچه در ایران هنوز جنبش فمینیسم در ابتدای راه است ولی از همین ابتداء جامعه را با برسرشمش مواجه ساخته و چالشی به وجود آورده که ارزشهای کهن و سنتی را دچار بحران کرده است و تا پاسخهایی آن داده نشود و بحران به وجود آمده همچنان تعمیق خواهد شد و در نهایت به شکافی عظیم منجر می‌شود. شانه‌های آن هم در سطح شهر و در مقرونه‌های حتی روستایی، در محلههایی شکل می‌گیرد. میان کلان خانواده‌ها، می‌تواند ببینید. به نظر من این حرکت در حال تربیت نسلی از مرد جدید است، یعنی مردی که برابرخواهی را نه دل می‌چند دهه گذشته و نه مثل پدران سنتی خود، در زن و مرد جست‌وجو می‌کند و سعی در نقد خود و بازراهی سنتی خود دارد.

**با توجه به این که گفتید گرایشهای گوناگونی در فمینیسم وجود دارد، به نظر شما گرایشها یا تعبیرهایی مانند فمینیسم ایرانی یا فمینیسم اسلامی می‌تواند وجود داشته باشد؟**
**گرازی** «**چه تعریفی از گروه «مرد»**
به نظر من فمینیسم اسلامی هم می‌تاند وجود داشته باشد. چون مثلا وقتی می‌توان فمینیسم سبسی داشت یا فمینیسم یهودی، یا فمینیسم مارکسیستی، چنان‌طورا می‌توانیم فمینیسم اسلامی داشته باشیم. البته اینجا همه به تعریف و نوع تلقی ما بازمی‌گردد.

اما فمینیسم ایرانی یک کم مسئله را متفاوت می‌کند. فمینیسم ایرانی، به کدام زن ایرانی بازمی‌گردد؟ زن ایرانی کرمی؟ یا زن ایرانی کشاورز یا زن ایرانی

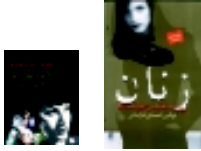


## ♦ هر کس با هر ایدئولوژی، مشکلات و نژان را از منظر خود مطرح کند و با توجه به ایدئولوژی خود، راه برترتظقی از وضعیت ناسامان زنان ارائه کند و خواسته‌هایی را برای رسیدن به آن مطرح سازد، فمینیست است

به وجود آمدن فمینیسم شاید کمک کند به این که تعریف آن را خیلی باز و بسیار متنصف و سیال کنیم.

اولین بار یک مرد این لغت را به کار برد و آن هم با مفهومی مثبت. در اولین نوزدهم چارلز فوریه- یک سوسیالیست فرانسوی- «فمینیسته» را تعریفی ازین جلدیه به کار برد: زنی که هم خود تحول یافته است و هم جامعه را دگرگون‌توریه. بر سبباری از زنان تأثیر مثبت این تعریف بود. به طوری که از ابتدا فمینیسم به معنای «همای خوددر پیوند با راههای جامعه، تحول فردی را به معنای جزئی جدایی‌ناپذیر از تحول در اجتماع دید،» به کار رفت. بعدها به مرور و به تناسب ارتباط زمانی و مکانی و تاریخی، مفهوم فمینیسم و عکس‌العملها نسبت به آن تغییر کرده است. در اواخر قرن نوزدهم یعنی در دهه ۱۸۹۰ در انگلستان این لغت را برای توصیف زنها به کار گرفتند که در راه گرفتن حق رای می‌بازدم می‌کرند. در اوایل قرن بیستم در آمریکا و اروپا، فمینیسم در توصیف شاه‌ها یا زشته‌های خاص از جنبشهای زنان به کار رفت که به جای کبچه بر حقوق مساوی و مطالبات مساویجورانه، مردان، بر تفاوتهای مردون وی و گیوهایی زنانه تأکید داشتند. یعنی نوعی اصالت زندگی و زندگی‌های خاص که به برتر دانستن زنان و «طبیعت زنانه» در قیاس با «طبیعت مردانه» و لذا برتری فرهنگ زنانه» در فرهنگ مردانه و این که می‌توان جامعه‌ای بهتر بر محور خصوصیات فرهنگ زنانه، سازمان داد و شرایط زندگی مردم آخم از مرد و زن را از این طریق بهبود بخشید. می‌توان حتی تا امروز نیز در کنار شاه‌ها و مکتبهای گوناگون بزرگ، کوچک که از درون فمینیسم شکل گرفت، دو برخورد اصلی موضوع وجود دارد که یکی بر تفاوتهای زمانی و نسبت‌شناسی هومونی و زندگی و بیولوژی زن مرد تأکید می‌کند و بر اساس این تفاوتهاست که برنامه و روشهای سیاسی و





طبقه متوسط در تهران با شهرستان با...ایران که یک کل واحد بایک اپدیلوژی و مذهب و قومیت و حتی فرهنگ واحد نیست. یعنی تنوع فرهنگی و قومی در آن بسیار زیاد است. به نحوی که نمی‌توان یک زن ایرانی با ویژگی خاص دانست که گویم یک فیلسوف ایرانی هم برای آن داریم. اگر منظور شما آن است که به خاطر جغرافیای ایران، فیلسوف ما هم متفاوت است، هم می گویم آری و هم نه.ما در ایران بایک جامعه چندفرهنگی با اقوام و مذاهب مختلف روبه‌رویم.پس چه چیزی ایها راجع حاکمی در آن زندگی می کنند از دیگر جوامع جدا می‌کند؟اگر ما بتوانیم تعریفی از زن ایرانی به دست هم ندیم شاید فیلسوفی ما هم که برای او در نظر می‌گیریم فیلسوف ایرانی باشد. اما من که قومی‌تلم این همه تنوع قومی، مذهبی،فطرتی،زبانی و...در او یک تعریف واحد خلاصه کنم و گویم زن ایرانی یعنی این بنابراین به نظرم بای مسئله ملی را در این جنبش کشیدن عملی نیست.

البته هر اندیشه‌ای بسته به کسانی که حامل آن هستند نوع روشهایی که به کار می‌نندند، در هر محیط جغرافیایی، فرهنگی، زبانی و...خودیه خود متفاوت می‌شود.

اما فیلسوف اسلامی، برخی می‌گویند این واژگان در بطن خود دارای تناقض است یعنی همان نقدی که مثلاً به واژه دموکراسی اسلامی یا مومدسازی اسلامی مطرح می‌کنند. به هر حال هیچ مشکلی وجود ندارد که یک زن مسلمان و معتقد در حالی که باورهای دینی دارد بخواهد در راه اخلاق حقوق حقه خودش مبارزه و تلاش کند. هزاران زن مسیحی در جنبش فیلسوفی شرکت داشته‌اند. هزاران زن کلبی در خود اسرائیل فیلسوف و مخالف مسلح و برابری با زنان فلسطینی هستند و کشورهای اسلامی مثل مصر، نیگالاند و... (که اصولاً خاکستگاه این جمله تکرری یعنی فیلسوف اسلامی از آنجاست) در راه اخلاق حقوق زنان مبارزه می‌کنند. به هر حال نمی‌توانم انکار کنم که میلیونها زن مسلمان خواهسته‌های دارند و از نابرابری و ستم چندگانه، از خشونت، از قلنامه بودن برخی قوانین، از تحقیر و هتک حرمتی که هر روز در زندگی محیطهای کار و تحصیل و حتی در خانواده به آنها تحمیل می‌شود در رنج‌اند و نمی‌خواهند در این منجلاب بی‌حقوقی و نکتیت درجا بزنند. پس باید کاری بکنند. برخی، اعتراضی‌های و جوی...، حیوانی، حرکتها و اعتراضی‌های می‌توانند در قانها و هویتهای تئیم هم صورت بگیرد.

**به نظر شما چه نسبتی میان فیلسوف و اسلام اصیل وجود دارد؟**

رابطه بین فیلسوف و اسلام دولتی یا فیلسوف و اسلام فردی اساساً متفاوت است. در جوامع زبانی، دینداری و اعتقادداشتن به یک دین معین، در حیطه اختیار فرد است ولی در جوامع استنادی و پیشامدن، متولیان

دین و چه بسا حکومتها، این حیطه اختیار فرد را در کنترل دارند و افراد معمولاً در انتخاب و باگزینش خود آن قدرها آزاد نیستند. اگر این تعریف و برداشت درست باشد پس صورت مسئله شما را باید این گونه مطرح کرد: چه رابطه‌ای میان فیلسوف با اسلام در یک جامعه آزاد وجود دارد؟ پاسخ به این سؤال این است که، همان رابطه‌ای که این جنبش اجتماعی با اسلامگرایان در کشور مصر یا پاکستان، نیگالاند و با در اندونزی دارد. در این کشورها که اکثریت مردم مسلمان هستند، حتی عده‌ای از جنبش فیلسوفی را زنان مسلمان تشکیل می‌دهند و کارکرد مثبت نیز دارند و دین اسلام و زنان مبارز مسلمان در آن جوامع تنها مانع جنبش فیلسوفی نیستند بلکه به عنوان یک متحد، علیه نظم موجود و نظام مرمسالار مبارزه می‌کنند.

**وقتی آموزه‌های اصیل دینی با آداب و رسوم و سنتهای قومی درمی آمیزد چگونه می‌توان در نگاه‌های فیلسوفی، از تضادها دقیق‌تست به دین و آموزه‌های دینی برخورد کرد؟**

سؤال شما نه در تراز و تخصص بنده و نه در جایگاهی است که من برای خود تصور می‌کنم. من همواره در کارهایم در ارتباط با مسائل زنان همیشه از زاویه حقوق بشری به قضیه نگاه کرده‌ام و در واقع سعی کرده‌ام از این منظر به نقد اجتماعی بپردازم و نه



**♦ در کشورهای مصر، پاکستان، نیگالاندش یا اندونزی، بخش عمده‌ای از جنبش فیلسوفی را زنان مسلمان تشکیل می‌دهند**

نقد اپدیلوژیک، این سؤال شما می‌تواند برای کسی که به نقد اپدیلوژیک باور دارد کارکرد داشته باشد. ولی کسی که منتقد اجتماعی است معیارش این نیست که مثلاً آیا فلا نلابی که بر سر زنان می‌آید روشه اپدیلوژیک دارد یا نه؟اومی گوید این اتفاق نباید بیفتد چون «انسانی نیست، چون با معیارهای حقوق بشری که مورد اتفاق همه مردم دنیاست در تضاد است. نمی‌گوید چون اسلامی یا مسیحی یا کنونیست نیست نیاید این اتفاق بیفتد. چنین دغدغه‌ای که شما از آن یاد می‌کنید دغدغه کسانی است که اپدیلوژی‌شان را، دینشان را و ارزشهای اعتقادی و حاصلصانه‌شان را در خطر می‌بینند و می‌خواهند آن را از شر سنتهای بازدارنده‌ای که با آن آمیخته است، نجات دهند» که

## کتاب

## احیای اثری در اخلاق و عرفان شیعی

**عین الحیات: تالیف ملا محمدباقر مجلسی، تصحیح علمی دستنوشته مؤلف و کهنترین نسخه‌ها، به همراه گفتارها و پانوشتهای توضیحی؛ به تصحیح و توضیح سیدعلی محمد رفیعی؛ چاپ اول، طبع وزیری، ۱۳۶۶ صفحه، ۲۰۰۰ نسخه انتشارات قدیانی، تهران، ۱۳۸۲. بهای ۷۰۰۰۰ ریال.**

این کتاب تصحیح علمی و توضیح دشوارپزایی عین الحیات مجلسی به همراه یک پیشگفتار، گفتاری درباره مؤلفات و گفتاری درباره روش علمی تصحیح است.

عین الحیات یکی از آثار مشهور فارسی ملامحمدباقر مجلسی

(۱۰۳۷-۱۱۱۰ ق.ه‍. ش) است که عبارت است از متن و ترجمه و شرح و مصایب پیامبر اکرم(ص) به ابوغفرانی، اثر حاضر را یکی از بهترین و روانترین آثار در اخلاق و عرفان شیعی می‌توان دانست که از زمان تألیف تاکنون بارها و بارها، اما پرغلط -به‌کثرت و چاپ رسیده و مورد استقبال نسلها بوده است.

طبع حاضر از عین الحیات، تصحیح علمی این اثر براساس

البته کوشش مثبت و مسئولانه‌ای است. اما منتقد اجتماعی دغدغه انسانهایی را دارد که در این اتفاقات نابومی‌شوند.حالا می‌خواهد این اتفاقات ناشی از یک اپدیلوژی باشد یا ناشی از سنت یا ناشی از علم، یا...، چه فرقی می‌کند؟

البته من متکر آن نیشم که برای تغییر و اصلاح شرایط زنان می‌توان از بی‌پشتوانه کردن سنتهای بازدارنده و عقلمانه استفاده کرد آنها را نامشروع جلوه داد. یعنی اگر سنتی را از پشتوانه‌های اپدیلوژیک آن حالی کنیم و ثابت کنیم که مثلاً تنگ زدن زن در اسلام جاری‌ست آن‌گاه بهتر می‌توانیم با مشروع کردن آن در جهت زودن ظلم و خشونت و گام برداریم. در واقع این هم یک راه است که رفتاری را با توجه به یک اپدیلوژی خاص، رفتاری غیراخلاقی نشان میدهیم. اما این فقط یک راه است که به نظرم شاید همیشه نشود از آن استفاده کرد. زیرا احیاناً این نظمای اخلاقی که از بیرون و نه از درون فرد جاری می‌شوند بسیار بی‌عقد هستند و احیاناً اثر متولیان دیگری از آن اپدیلوژی پیدا نموده که مثلاً تنگ زدن زن را در اسلام جایز بشمارند، و این متولیان نیز قدرتشان در سلسله مراتب حکومت بیشتر باشد آن وقت چه؟ بنابراین، ما باید به دنبال معیارهای انسانی و نظام اخلاقی درونی برای افراد -از طریق معیارهای علوم بشری- باشیم و گرنه با تفسیر مختلف از یک اپدیلوژی، مسائل اجتماعی حل نمی‌شوند و چه بسا بیخ و تاب بیشتری پیدا کنند زیرا در هر موقعیت زمانی آن متولیان که قدرت بیشتری دارند می‌توانند تفسیر خود را بر جامعه مسلط کنند. ولی وقتی می‌گویند فلا ن رفتار انسانی نیست گفتم قایل تفسیر به تعق قدم‌دماندان و احیاناً استفاده ابزاری از آن در جهت منفعت آنان است.

به نظرم راه‌حل اصلی آن است که جوهره نظام مرمسالاری را ازین سؤال بریم و آن همانا نقد رابطه مسلط و نقد قدرت است و این معیار که کسی با گروهی نباید بر دیگری یا گروه دیگر تسلط داشته باشد. این جوهره فیلسوف و جنبش فیلسوفی در همه نیاست. مسئله آن است که نظام مرمسالاری را هر ازواری برانی بازتولید و تمام قدرت خود استفاده می‌کنند. جلا ابزاری که استفاده می‌کند می‌تواند اسلام، مسیحیت، فنگاری، علم ابزاری، کمونیسم و...باشد. حال آن‌که میان ابزارها، نقد و اصلاح کنیم با آن‌که مستطما به این رابطه قدرت پیروانیم بستگی به روش و بنشی دارد که ما برای تغییر شرایط موجود به کار می‌بریم. البته این‌که چه روشی را برای کمونیست بستگی به هزاران متغیر از جمله جایگاهی دارد که در آن قرار گرفته‌ایم.

**به نظر شما مشکل نگاه‌های فیلسوفی در ایران چیست؟**
به نظرم سانسور، استبداد، خشونت و هر چیزی که جلوه رشد اندیشه فردی و جمعی را می‌گیرد به نوشتار فیلسوفی مانع سرخ نوشتار دیگری قطع می‌زند. من تجربه خودم می‌گویم. در این سالها من حتی نوشتارم از یک جمله بیوسم که همراه ترس و دلجو، برای عدم چاپ، سانسور و... نودها داشته و مسلماً این بزرگترین آسبی است که بر رشد‌راندیشه و حرکتی وارد می‌شود. در جوامعی که ممیزی وجود دارد و آن ممیزی هم قانونمند نیست و مجوز دائمی کتاب در نظر آنگانهای مسلط، اختیاری ندارد و حرفها و نوشته‌ها با برخوردهای فیزیکی مواجه می‌شوند و... در چنین فضاهایی اندیشه‌های فیلسوفی حتی بیش از دیگر متناسب می‌بیند.



### England and Islam 1877

### انگلستان و اسلام ۱۸۷۷

نویسنده: **آدمارد مایلتند**
**Edward Malland ۶۵۱ صفحه، ناشر: Kessinger Publishing Company**
**زاتویه: ۲۰۰۳، بهای: ۴۰ دلار**

این کتاب که امیراتورهای انگلستان و عثمانی را در کنار یکدیگر قرار می‌دهد، عنوانهای زیر را در برمی‌گیرد:

- «تفسیر ترکیه»
- «طبیعت و آلمان همه آیدان»
- «گسترش خودکامی مذهبی در اسلام»
- «منظومه ششمی به منابه انداموارهای قدی شعور و زند»
- «کاشف‌کنشای نیک‌آیندی (orthodoxy)»
- «مشکلات کنونی ما، پیامد نظام ما»
- «ره‌ران ما»
- «عصر طلایی بدون اسطوره»
- «آینده جهان در گروه مشاخره و اختلاف نظر میان طرفداران علوم تجربی محض و پیروان اشراق الهام»
- «معای تمدنین عده‌میزده»
- «ترک و اسرائیل»
- «جشنها و اعیاد مسلمانان و مسیحیان»
- «معنی مسیح بودا»
- «غیر و نشر»

منبع: www.Amazon.com

## The Monotheists: Jews, Christians and Muslims Volum 1: The Peoples of God

## یکتاپرستان: یهودیان، مسیحیان و مسلمانان

### جلد ۱: مردمان خدا

نویسنده: **فرانک پیترز**
**Frank Peters ۶۶۸ صفحه، ناشر: Princeton University Press**
**۱۹۰۳، بهای: ۳۳۶ دلار**
**اکتبر ۲۰۰۳**

در میان ادیان بزرگ جهان با وجود داشتن ریشه‌های توحیدی یکسان و ظهور در سرزمینهای مشابه و گاه مشترک، همواره رذایها و مغایرتهای دیده می‌شود. این کتاب دوجلدی پاروشی ویژه و جامع و طبقه‌بندی تطبیبی ادیان بزرگ را عهده‌دار شده و نویسنده که از برجسته‌ترین محققان علوم دینی است با طرح مشترکات اساسی اسلام، مسیحیت و یهودیت به شرح وجوه تمایز و شباهت اصول و موازین آنها پرداخته است. جلد اول این اثر با عنوان «مردمان خدا» به چگونگی پدیداری بنیانی و تکوینی جوامع یکتاپرست پیوند با گذرش و حضور تاریخی آنها نظر دارد. جلد دوم «عشیت الهی» به موضوع حیات معنوی بشر در بنسرت شعور بخشیدنی و لغفد آسبز باری‌تعالی اختصاص داده شده است و به گونه‌ای کلی درباره بخش‌های خداب و پرشور از مذاهب یکتاپرست می‌کند که عبارت‌اند از: متون مقدس، قوانین و احکام، کیفیت بناگذاری ادیان، اهداف پیش رو و نیل به رستگاری هستند. در انتها نیز به مقوله بررسی دعاها و توصیف شیوه‌های ستایش خداوند و روشهای برخورد با مسائل و مشکلاتی مانند تمیز کواکبتی از نیک آیینی (orthodoxy و heterodoxy) در تقابل با الحاد و لامذهبی می‌پردازد.

منبع: Barnes and Noble.com

## کتابخانه شماره ۱۳۷ شنبه ۲۲ تیرماه ۱۳۹۳



مجید برسنی

## زندگی و یادگار

آنچه که در حوزه تاریخ معاصر در طی سال‌های اخیر رخ داده این است که ما با این نوع تاریخ گوئی و یا تاریخ نویسی آشنا نیسیم و بر ایمان بسیار موضوع تازه‌ای است اما در غرب لفظاً تاریخ با سابقه‌ای یاد داشته باشد. آقاخانیم من این است که تاریخچگی‌ای از کارهای برسنی تاریخ شفاهی در جهان چه در مورد ایران و چه در مورد کشورهای دیگر را مورد بررسی قرار بدهیم. پس از اختراع لفظ تاریخ حسبت سواد در دهه ۱۳۴۰ اولین برنامه تاریخ شفاهی در دانشگاه کلیسایی نیویورک به همت آئن نیوزه تأسیس گردید و اقدام به ضبط خاطرات بعضی از شخصیت‌های تاریخی نمود در سال ۱۹۶۶ پس از نقل ریژیمت کندی، برنامه‌ای برای ضبط خاطرات همکاران او براساس شیوه تاریخ شفاهی باران کلیسا تدوین شد. در نتیجه خاطرات ۱۱۰۰ نفر از باران رئیس جمهور فیدل کست در به کتابخانه کندی در حومه شهر بوستون سپرده شد که اینک مورد استفاده پژوهشگران زیادی قرار می گیرد.

عین این برنامه پس از پایان دوره ریاست جمهوری لیتدون جانسون اجرا شد و نوازه‌های ضبط شده در کتابخانه جانسون در شهر اوسین تکراس نگهداری می‌گردد. در حال حاضر صدها طرح تاریخ شفاهی در سراسر آمریکا و کشورهای دیگر جهان در حال اجراست. تاریخچه طرح تاریخ شفاهی ایران در دانشگاه تاریخی پایانه تانگه دزگاری بود. در سال ۱۳۴۰ بر می‌گردد. در آن زمان من به دیدارن کرده بودم و در جست‌وجوی فعالیتی بودم که هم آگهیکنک دهم و محیط باران باشد در طی مشورتی با تعدادی از دست‌ان و همکاران قدیمی «ادوارد گنبر» استاد تاریخ دانشگاه هاروارد ایجاد طرح تاریخ شفاهی ایران را با من در میان گذاشت. کینن در مقام مورخ شایع‌هلی میان انقلاب روسیه و انقلاب ایران ای دید ونگری می‌کرد که مهاجرت سدهامان از مقلات حکومت پیشین ایران به غرب فرصت استثنایی برای جمع آوری و حفاظت از این اطلاعات تاریخی فراهم آورد است.

در طی یک سال بعد که جواب طرح تاریخ شفاهی ایران را بررسی می‌کردیم به این نتیجه رسیدیم که منابع معتبره‌های مطالعه تاریخ معاصر ایران بسیار محدود است. کمبود مدارک تاریخی در مورد ایران دلالتی گویاکنی داشته به عنوان مثال یادداشت‌ها و گزارش‌های رسمی در آن تدوین تاریخ سیاسی مملکت نقش مهمی دارد. در مورد ایران تقریباً وجود نداشت چرا که به سبب ماهیت نظام سیاسی، به ندرت در ایران پیش از تصمیمات ساده و پس از رویه‌های مهم، مستررسی نهی می‌شد. علاوه بر این از استاد مهمی هم که تهیه می‌گردید به طور منظم نگه‌داری در عمل نمی‌آمد. و در مواردی هم که چنین اسنادی موجود بود معمولاً به آسانی در دسترس پژوهشگان قرار نمی گرفت.

منابع اطلاع‌اتی نیز به همین ترتیب ناقص بود. مثلاً مطبوعات زیر سانسور دولت قرار داشت. شمار اندکی از مقامات پیشین دولتی خاطرات خود را نوشته بودند. از میان آنان که این کار را انجام داده بودند کمتر کسی موضوعات اساسی مملکتی را مطرح کرده بود زیرا هراس از عکس‌العمل دولت وقت آنان را داشته بود که خودشان نوشته خودشان را سانسور کنند.

انتشارات گروه‌های سیاسی خارج از کشور تبلیغاتی جایگه جالبه داشت. بهترین مجموعه اسناد در باره امور سیاسی ایران گزارش‌های سفارتخانه‌های خارجی بود که محدودیت‌های آشکار و ذاتی خود را داشت و تازه پس از چندین دهه، تنها بخشی از آنها در دسترس بود. به این لایال روش بود که ضبط خاطرات و هیروان پیشین ایران تلاش بارزنی است. از این رو در

### زندگی و یادگار

در یک روز تابستانی وقتی که تصمیم گرفتم تا چند و چون پروژه تاریخ شفاهی در ایران را بشکافم در نظر همب تنها لاجوردی مهم و اثر گذار بود و وقتی که از او خواستم از تاریخ و سابقه زندگی‌اش بگویم در چند جمله خود را چنین تعریف کرد: «من از سال ۱۳۴۰ تاکنون رئیس طرح تاریخ شفاهی ایران در دانشگاه هاروارد هستم. من در سال ۱۳۲۲ در ایران زادگشتم و فعالیت خود را در گروه سنتنی پشهر آغاز نمودم. در سال

۱۳۲۸ سوزولت تأسیس مرکز مطالعات مدیریت ایران را که با همکاری دانشگاه هاروارد ایجاد شد» به عهده گرفت و تا سال ۱۳۵۷ در آن مؤسسه تدریس کردم. در سال ۱۳۶۰ از دانشگاه آکسفورد به درجه دکترای مثال شدم و کتاب احادیه‌های کاریز و خودنگاشتی در ایران را به رشت تحریر نمودم.» وپس‌های ما و پاسخ‌های او را در پی خواهید.

کفت و گو یا دکتر حبیب لاجوردی

# تاریخ شفاهی ایران ؛ زاویه دید هاروارد

همکاران شما در این طرح چه کسانی بودند و چه بخش‌هایی را تهیه می‌کردند یعنی نقششان در این طرح چه بود؟
همکاران من در این طرح عبارت بودند از شادروان شیه‌صمدی که قسمت عده‌ای از مصاحبه‌ها را انجام داد و علاوه بر آن سوزولت مطالقت‌موزن ماشین شده جوانی با نوازه‌های صوتی را بر هنده دادند.نایتی‌توده در دوران تربیت با تاریخ معاصر ایران و شخصیت‌های سیاسی آن دوره آشنا شده بود. شیه‌صمدی توسط یکی از همکاران دانشگاهی در دانشگاه آکسفورد به من معرفی شد و حدود نود درصد مصاحبه‌ها توسط شیه‌صمدی و من صورت گرفت. بقیه مصاحبه‌ها توسط دکتر شاهرخ مسکوب که در پاریس زندگی می‌کرد و دکتر شهلا حناری و دکتر احمد محمد مزه‌هی که در وسترن دوره دکتری خود را گذراندند انجام شد. کارهای ماشین نویسی به عهده خانم‌ها شهنی بصیری و اما دلخانیان بود.

اما اینکه چرا شیه‌صمدی نقش پیشترتی داشت و عده کارها توسط او انجام گرفته این است که شیه‌صمدی آدم متعهدی بود و مطلق به تاریخ ایران من در طی عهمر بندرت می‌توانم به یاد بیاورم که کسی همانند شیه‌صمدی به آن خود با بدین اندازه داشته باشد. من در مورد شیه‌صمدی تنها می‌توانم یک خاطره بگویم که شما عمق علاقه و تعهد او را نسبت به این طرح می‌بیرد آن اینکه شیه‌صمدی در سال‌های ۸۵۸ برای مصاحبه‌ای به پاریس می‌رود و وارد هتل کوچکی می‌شود و در آنجا مشغول مطالعه می‌شود. در نتیجه‌های جنگ هوا به هتل تعلیمی جوار حریق می‌شود و می‌سوزد. شیه‌صمدی در آن حاله حضور داشت و خود را نجات داد. نکته مهمی که وجود داشت اینکه هیچ روز بعدگی از روزنامه‌های فرانسوی عکسی از آن آتش‌سوزی به چاپ رساند که به طور اتفاقی از صدقی گرفته شده بود. در آن عکس که من پس از مرگش متوجه این نکته شدم که خیلی اهمیت داشت این بود که نشان می‌داد شیه‌صمدی در آن حریق هیچ چیز به جز ضبط صوت و کیف مصاحبه برایش مهم نبوده او در آن عکس چنان ضبط و کیف را محکم در بغل خود گرفته و قرار می‌گرد که گویا در داخل آن گنجی جاسازی شده است. او تعهدی که به تاریخ داشت هر مصاحبه شونده‌ای را تحریک می‌کرد تا خود را در آن جای دهد.

برای یافتن و هماهنگی با افراد مصاحبه شونده چه فرآیندی را طی نمودید؟
چرا برخی از افراد در میان سال‌های نخست حاضر به مصاحبه شدند اما بعداً در مصاحبه با افراد دیگر زن به مصاحبه نماندند؟
در مجموع چه فرآیندی در این طرح شد؟ چه ترتیبی از برای مصاحبه‌ها در نظر گرفتید؟
وسواس‌های شما چه اندازه در این مجموعه کار را شکل داد؟

در آغاز طرح فهرست اسامی نزدیک به ۳۵۰ نفر برای مصاحبه تهیه شد.صورت مزبور تقریباً سوزولان تمام گروه‌ها، احزاب و نهادهای سیاسی را شامل می‌شد؛ اعضای خاندان پهلوی، تمام نخست‌وزیران پیشین، اعضای مهم حیات دولت، قوه مقننه و قضائیه، رسانه‌های جمعی و بخش خصوصی سران عشایر احزاب سیاسی گروه‌ها و شخصیت‌های مخالف و رژیم پیشین (منحمله کسانی که در دولت جمهوری اسلامی ایران شرکت کرده بودند) افسران عالی‌رتبه نیروهای مسلح،اموران تبلیغیه مبارک و رهبران و فعالیت‌های خارجی را که در رویدادهای سیاسی ایران نقش عده‌ای بازی کرده بودند.در بر می‌گرفت. مصاحبه با تمام کسانی که نام آنان در فهرست مقدمه‌ای آمده بود.به امکان داشت و برای مقابله با ضروری بود. از این رو ما شمار کثرتی که تقریباً

برجسته‌ترین افراد مذکور در فهرست مقدمه‌ای مصاحبه شد. نخست اینکه سالمدترین آنان احتمالاً عمر قدری آخرین رئیس شهربانی مصدق و اولین رئیس شهربانی کاتیه سپهبد زاهدی و صبیح قیسى اعتماد وزارت کار در همه ۱۳۴۰ نظرات یک سال پس از انجام مصاحبه در گذشتند. روشنده لاملعلی اوسیس از برنامه تریزى زمینى و مصطفی فاتح املوی شرکت ملی نفت ایران پیش از آنکه فرصت مصاحبه با آنان فراهم آید فوت کردند. غلامحسین ساعدی به هنگام در گذشتن در سال ۱۳۶۹ چهل و نه سال داشت ولی توانسته بود یک سال و نیم قبل خاطرات او را ضبط کنیم.

برجسته‌ترین افراد داده بودیم این بود که فکر می‌کردیم اعضای این گروه کمتر از بقیه امیدوار به رسیدن به قدرت مجدد هستند. بابراین احتمال می‌دادیم که نه تنها پیشتر از سایرین مایل به مشارکت باشند بلکه گزارش‌های صادقانه‌تری نیز ارائه دهند. (بقین ندام که این فرض درست از آب درآمد باشد، بسیاری از روایت‌کنندگان جوانتر خاطرات و تجارب خویش را صمیمانه شرح دادند، در حالی که بعضی از روایت‌کنندگان سالمدتر چندان صریح شونده).

پیش از آغاز نخستین جلسه مصاحبه، یک موافقت‌نامه رسمی میان روایت‌کننده و دانشگاه به امضا می‌رسید که تمام حقوق چاپ و نشر خاطرات آن‌ور دانشگاه هاروارد متعلق می‌شایریای جنب حد اکثر همکاری، روایت‌کنندگان امکان داده می‌شد که استفاده از خاطرات خود را برای مقصد محدود نمایند. در حال حاضر استفاده از حدود ۷۷ درصد از خاطرات آزاد است.

تعهدی که دانشگاه هاروارد در مورد پذیرفتن محدودیت‌های گویاگون روایت‌کنندگان عهده گرفت موجب شد تعداد پیشترتی از سیاستمداران ناتا و محاطات ایرانی در طرح ما شرکت کنند. با وجود این کسانی بودند که از مشارکت خودداری ورزیدند و چنان که انتظار می‌رفت دومردی با بسوطن احتمالی روایت‌کنندگان روینه خود تسلیم این وضع، به ویژه طی نخستین سال اجرای طرح نبودند. در ابتدا با جذبت گرتیشیدیم این تصور را که تلاش خودی کار منفی است، از ذهن آنان دور کنیم. با این همه ترتیب در دریافتیم که توضیحات ما در کسانی که برای چنین ظنی دارند یز از است. بر عکس، به نظر می‌رسید که گهگاه اینکهتر عطرز فکر به سود تمام می‌گردد زیرا برخی از کسانی که برای مصاحبه در نظر گرفته شده بودند دقیقاً به سبب اینکه باور داشتند ما ریفقه تقسیمیم با مقامات دانشگاه داریم، بیادگی کردند که با ما گفتند. به یادرم که یکی از روزدی رژیم پیشین ایران در پایان مصاحبه اظهار امیدواری کرد که مقامات ایالات متحده آمریکا پس از گوش کردن به گزارش‌های وی، برای اصلاح وضع ایران اقدامات مؤثری را عمل آورند. سچیمان که در تبلیغ گروه‌ها و افراد گوناگون و شناخته شده‌ی در طرح ما شرکت کردند، هدف علمی و دانشگاهی طرح ما مورد قبول همه پیشترتی قرار گرفت.

با این همه به نظر می‌رسد که شما با هدای مصاحبه

## ◆ به شک برخی از روایت‌کنندگان کوشیدند تا از فرصتی که این طرح برای آنان فراهم آورده بود استفاده کرده. اعمال گذشته خود را به سود خویش وصف کنند

تکرید و یا آنها تن به مصاحبه ندانند.

می‌توانم ناشان را بیرسم؟

تقریباً. چون به جهت اخلاقی موافق نستم که به پاروای از گفته‌های آنان اشاره کنم. اما یکی از آنان ملکه سابق ایران بود که اصلاً حاضر به مصاحبه نشد. او در یکی از شهرهای دور اندکه اطراف ماساجوست بود و من برای رفتن به آنجا راه درازی ناپذی‌خ می‌کردم. بعد که رفتم و دفترش رسیدم به رئیس دفترش گفتم که می‌خواهم ایشان را مصاحبه کنم. فرج آمد، وقتی به او گفتم که می‌خواهم مصاحبه کنم چندان تمایلی نشان نداد. من هم گفتم که شما به عنوان همسر شاه یک وظیفه مشترک دارید. آنچه که در مورد شما گفته این بود. تنها اتفاق است. آیا شما نمی‌خواهید در برابر همه اتفاقات از خودتان دفاع کنید؟ پاسخ داد: نه! من نمی‌خواهم پیش از این کرد و خاک بلند شوم.

با ملا برادران شاه هیچ کدام حاضر نشدند تن به مصاحبه بدهند. اما یاسفندیاری هم در همین لیست بود که حاضر به مصاحبه نشد. وقتی که به او اصرار کردم چند سؤال دیگر هم در منضم فضا که شاید بتوانم تحریکشان کنم. بعد از مدتی بیکسر شدم دیدم که از نظر ایشان سؤال هیچ‌تکریدی برای پاسخ ایجاد نمی‌شد. انگیزه آنها چه بوده؟ تکریمی چند چراه این سؤالات پاسخ نمی‌داد؟

آنها احساس می‌کردند این کار برای آنها هیچ نفعی ندارد و ظرف دیگر امکان داشت که حضور هم بشوند. در میانه لیستی که شما تهیه دیدید یک نام در آن دیده نمی‌شود. آن هم چشمتی آرزوگار است. مردی که در بسیاری از سال‌های دور و نزدیک در رأس قدرت بود. کارآفرین بود و بسیار مطلع بر حوزه اقتصاد و بین‌الملل. آن هم در سطح جهانی، چه شد که ایشان را از قلم نگذاشتید؟

می‌توانم بگویم هم رسه یا پیش مام با ایشان تماس می‌گرفتم تا بلکه بتوانم ایشان را راضی کنم اما ایشان علاقه نداشتند. اتفاقاً ایشان این بود که زندگی الگوسازی گذاشته و خود را آدم مهمی نمی‌دید. به همین جهت به نقاضی بنده پاسخ منفی داد.

در مجموعه کارهای تاریخ‌شاهی ایران با کشورهای دیگر

صدبارگی و خط سوری دیده می‌شود اما در کار شما یک پرانگهی رسمی دیده‌شده است. آیا تعمداً در کار بوده یا از دیده‌گاه این پرانگهی رومدولند؟

درختن من طرح بود. دوازدهم که کار ما به سیط غلیظ و سحرآمیزی‌های کسی چنانچه که می‌خواستند خود را متوجه کنند و موفقیت و تقاب را به گردن دیگران بیندازند. از این رو در آغاز مصاحبه تأکید می‌کردیم که در هیچ‌آوردی شخصی‌نستیم و هدف اصلی ما در سیط خاطرات و تجارب است. تنها در موارد ویژه و بر حسب برشی‌هایی که از پیش تعیین شده بود.

روایت‌کننده درخواست‌های نظرم می‌کردیم.

یک شک برخی از روایت‌کنندگان کوشیدند تا از فرصتی که این طرح برای آنان فراهم آورده بوده استفاده کرده. اعمال گذشته خود را به سود خویش وصف کنند. برای مقابله این امر چند اقدام احتیاطی صورت گرفت.

نخست، معیار عمده‌ای که در تعیین افراد برای مصاحبه به کار رفته بود، گویانگیز نظرگاه و موضع سیاسی آنان بود. در میان افرادی که خاطرات‌سیط شده است، همه گونه عقیده سیاسی قابل‌تصوری را می‌توان یافت؛ سلطنت‌طلبانی مانندراهبر هاشمی، وزیر خارجه، شهید محسن هاشمی‌نژاد، فرمانده گارد شاهنشاهی، داریوش همایون، روزنامه‌نگار و وزیر اطلاعات، یا رهبران جبهه ملی مانند دکتر ستجدی و دکتر مهدی‌آزرا. همچنین مسعود رجوی، علیرضا محطوشی، چریک فدایی، دکتر فریدون کشاورز و مصطفی لشکری از حزب نوده؛ مقامات ساواک از قبیل سرلشکر حسن علوی‌کیا، قائم مقام ساواک و سرلشکر منوچهر هاشمی، رئیس اداره ضد اطلاعات و مقامات جمهوری اسلامی از قبیل سعید رجایی خراسانی، نماینده پیشین جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد با‌نشاری از افراد که بلافاصله پس از انقلاب در دولت جدید سرکشت داشتند، مانند احمد مدنی و آرواح‌حسن بنی‌صدر نیز مصاحبه به عمل آمد. اقدام احتیاطی دوم این بود که به روایت‌کننده اطلاع دهیم که مصاحبه با چهروهای گوناگونی در دست اجراءست. شما تا یک یا دو نفر را به مخالفت ذکر کنیم، تجربه ما نشان می‌داد که هنگامی که روایت‌کنندگان در می‌یافتند که تنها به فاصی نمی‌روند، اظهاراتشان با بیانات سایرین مفیدتر خواهد شد، با صراحت بیشتری صحبت می‌کردند. به ویژه هنگامی که سخن از دیگران در میان بود، گرچه احتمالاً درباره خویش یا آنان به صراحت سخن نمی‌گفتند.

هنگامی که امکان داشت مصاحبه با چهروهای برجسته سیاسی، در دو مرحله انجام می‌شد. مرحله اول مصاحبه، در اختیار روایت‌کننده بود. یعنی پرسش‌ها از پیش آماده شده بود. این ترتیب روایت‌کننده فرصت داشت به شرح حال خود پرداخته و جنبه‌های از زندگی سیاسی خود را که به نظر خود او مهم بود عنوان کند. شما نیز در مرحله اول به ما فرصت می‌داد با هم تجارب و زندگی روایت‌کننده آشنا شویم. در مرحله دوم مصاحبه، با توجه به اظهارات مرحله اول روایت‌کننده و آشنایی ما با او، پرسش‌هایی که از ایشان آماده شده بود مطرح می‌شد. در این مرحله افرادی که کارهایان را دنبال می‌کردند با اتفاق آراء مستفاد که شما در مصاحبه‌های پیشین شترونده هستید، خیلی سعی نمی‌کنید که وارد و مباحث شوید، یا ملا سالیانی ملا مطرح نمی‌کنید، در برابر شما کسی همانند حمید شوکت گامی از قتان چنان چاشنی با مصاحبه شترونده دارد که خواننده اطلاعاتی نمی‌تواند بداند بر این زمین بگذارد و در نتیجه مطالب مهمی هم می‌گیرد. دلیل خاصی برای این کارتان دارید؟

کاربرستی که آقای شوکت انجام می‌دهد، شما در آنجا با یک حزب وارد مصاحبه می‌شوید که در تمام زندگی خویش خود را در معرضه و خویش را در حق می‌داند. اما من با کسانی مصاحبه کردم که برای یافتن آنها واقع کردنشان گاه سال‌ها طول می‌کشید. با راضی بشوند، به همین نسبت وارد شدن به مسائل حساس زندگی افراد گاه کل مصاحبه را به مخاطره می‌انداخت. شما نمی‌توانید ماها را کسی نقضا کنید. راضی‌اش کنید تا به مصاحبه تن دهد و سپس از او پرسید که چه حجم پولی را از ایران خرج کردید و انتظار هم داشته باشید که در جیب رفیق یا به شما بگذارد. ما تا بیا بر بومیم که هر آنچه که آنها می‌گویند بشنویم و سیط کنیم.

یک چیز که برای خواننده تاریخ‌شاهی ایران بسیار مهم است این است که بدانند چه گفته‌های را دنبال می‌گردید.

اساساً انگری کار شما چه بوده؟

فلسفه طرح تاریخ‌شاهی ما این بود که به برای فرصت دهد داستان زندگی خود را این زبان خود و طبق سبیل خود بیان کنند. حداقل نتیجه مورد نظر ما این بود که ملتانی که سیط می‌شود جایگزین خوبی برای خاطراتی شود که در روایت‌کننده در صورت داشتن وقت و تمایل، به رشته تحریر می‌رد. از آرد، بنابراین نقش اصلی مصاحبه‌کننده این بود که می‌بایست روایت‌کننده را بر حسب اهمیت تاریخی مطالبی که اظهار می‌داشتند، به شرح و سیط و یا اختصار اظهاراتش ترغیب کند. وکیل مدافع یا خیوکار عمل نکنند. برعکس، وظیفه مصاحبه‌کننده این بود که با علاقه به سخنان روایت‌کننده گوش کند. آنان مجاز بودند روایت‌کننده را تحت فشار یا در رواییاتی قرار دهند تا درباره موضوعاتی که مایل نبود صحبت کند. در عین حال، مصاحبه‌کنندگان ما نه از عقیده‌ای می‌تواندند، و نه اظهارات روایت‌کننده را

ناید با تکلیب می‌کردند.

یکی از نظروهای تحسین آمیز درباره شیوه مصاحبه شباه صدقی را سرلشکر آزموده که دادستان محاکمه دکتر صدوق بود بر زبان آورده، شباه که یکی از طرفداران وفادار صدوق بود از آزمون‌ی که در پیش داشت آگاه بود. او می‌دانست که باستانی جعل احساسات خویش را بگیرد و بی‌طرفی را حفظ کند. سرلشکر آزموده در پایان مصاحبه که پیدا بود از آن رضایت کامل داشته است. به همکار من رو کرد و گفت: «جان من راستش را بگو، من صدوقی بودی؟»

روایت‌کنندگان ما از دو جهت با هم تفاوت زیادی داشتند. اول، توانایی آنان در ارائه اطلاعات تاریخی و دوم، تمایل آنان به بیان آن اطلاعات برای ثبت در تاریخ. در یک سو کسانی بودند که می‌توانستند اطلاعات بسیار زیادی درباره رویدادهای عمده تاریخ ثبت شده ارائه دهند و در سوی دیگر کسانی که خاطره ترفانی به یاد آوردن جزئیات و رویدادهای مهم تاریخی را نداشتند و در طرف دیگر می‌توان تمایل روایت‌کنندگان به سیط شدن خاطرات آنان مطرح بود که در گفت‌وگو سودمندی خاطرات‌شاهی تأثیر داشت. با در نظر گرفتن عوامل میزبان توانستیم افراد مورد نظر برای مصاحبه را به چهار گروه تقسیم کنیم. نخستین و با ارزش‌ترین گروه را افرادی تشکیل می‌دادند که هم اطلاعات تاریخی فراوانی داشتند و هم تمایل بسیار



## ◆ روایت‌کنندگان ما از دو جهت با هم تفاوت زیادی داشتند

زباید به ارائه آن برای ثبت در تاریخ، مصاحبه با این گروه واقعاً لذات‌بخش بود. گروه دوم دارای اطلاعات اندک و تمایل کم و گروه سوم دارای اطلاعات اندک و تمایل بسیار زیاد به ترئه آن بود. در مواردی که روایت‌کننده اطلاعات محدودی داشت، احتیاط و ظرافت مصاحبه را خاتمه دهد. در راه طولانی که طی کردید و از لیست بیندوایی که تهیه نمودید قطعاً کسانی از دست شما و فرقه‌اند که به مصاحبه تن داده‌اند، اگر حقیقت وارد شد، آنها را و نیز دلائیل رد و امتناع آنها را با ذکر مثال شریف فرمایید.

از میان چهار گروه روایت‌کنندگانی که به‌شردم در آن همه دشوارتر، مصاحبه با گروه چهارم بود که اطلاعات تاریخی بسیار زیادی داشتند ولی تمایل اندکی برای ارائه آن داشتند. هنگامی که با چنین روایت‌کننده‌ای روبرو می‌شدیم، گوشش می‌کردیم که دلیل بی‌میلی او از نسبت به سیط شدن خاطراتش تشخیص دهیم. شمار دلائلی مانند شمار روایت‌کنندگان به این گروه بسیار زیاد بود. برای درک این مشکل بهتر دانستیم که آن را در چهارچوب سود و زیان بررسی کنیم. بی‌شک این پرسش در ذهن روایت‌کنندگان بی‌میل به مصاحبه مطرح بود که ادر مقایسه با ضرر احتمالی که در نتیجه انجام این مصاحبه محتمل می‌شوم چه نفعی نصیب من خواهد شد؟ یکی از اعضای خاندان پهلوی گفت که از آنجایی که نمی‌تواند حقیقت را تمام و کمال بگوید، ترجیح می‌دهد که هیچ بگوید. حضور دیگران این خانواده اظهار داشت: اما به اندازه کافی دشمن داریم. با این مصاحبه نمی‌خواهیم به تعداد آنان بگریزیم» برای برخی از این افراد علت امتناع، نگارگری از اتهام خیانت به رژیم بود که در آن لحظه کرده بودند. یکی از وزرای ارشد پیشین گفت که در سراسر زندگی سیاسی‌اش شاه را ستایش می‌کرده است. ولی پس از دق مام ۱۳۵۷، وقتی شاه ایران را ترک کرد،

نظرش نسبت به او تغییر کرد. زیرا شاه می‌دانست با خروجش از ایران رژیم سلطنتی فرد می‌رود. با توجه به بدبینی که نسبت به شاه در او وجود آمده بود نامرده احساس می‌کرد هر که نوح اظهار نظر نسبت به گذشته او را در معرض سرزنش قرار خواهد داد. تکراری برخی دیگر این بود که اگر درباره گذشته صحبت کنند، ممکن است به مکاتبات آنان فایده قطعه وارد آید. کسانی بودند که می‌ترسیدند انجام مصاحبه، خویشاوندان و اموال آنان را در ایران به خطر اندازد. شماری از مقامات بلندپایه پیشین از مصاحبه سر باز زدنند زیرا، به عقیده من یاد آوردن خاطرات تلخ گذشته آنان را رنج می‌داد.

برخی از چهروهای سیاسی اصلاح‌تر به دلایل اخلاقی از مصاحبه امتناع کردند. به نظر می‌رسید احساسات آنان این بود که آنچه حیلان آنان و سایرین گذشته است نباید به گور برود. علاوه بر ایشان کسانی بودند که اعتماد به نفس خود را از دست داده و می‌ترسیدند وجهه بعد از انقلاب آنان در قیاس با دورانی که در رأس کارهایی خود پیشو کرده‌شد مسئولان گذشته‌های کمالی به‌خاک تکریر شده‌شد. این بود که خاطرات آنان تا هر زمانی که پخواهم محفوظ خواهد ماند. به افرادی که برای مصاحبه در نظر گرفته می‌شدند اطلاعات می‌دادیم که دانشگاه هاروارد استاد تریسکی را برای چنین هدفه زیر لاک و مهر نگه‌داشته است و با خاطرات آنان نیز چنین خواهد کرد. هر چند اینگونه استدالات قاطماً مؤثر بود یا این همه، چنانکه پیشتر گفته‌امی بودند که مقاعد نشدند.

تغییراتی‌شده که این طرح به شما رسیده و شما ایجاد و تکمیل کردید. خردان را از دانشگاه هاروارد جمع‌آوری نمودید. لطایح این بیان چه بوده؟ چگونه طرح جامعی مانند

ترجیح خاصی برای این روش می‌بینی یا بیان می‌دهی؟

پشتنسی نگاشتم، اما در سال‌های اخیر اقدام به انتشار تعداد دست‌چهارم از مجموعه تاریخ‌شاهی ایران نمودم. از دست‌چهارم این استاد با منوعه‌هایی از آن آشنا شده‌ام. پاییز اسال همین و احتمالاً آخرین شماره این سری نشر خواهد شد. بنابراین طرح تاریخ‌شاهی همانند دانشگاه هاروارد مستقر و عمل است.

مطمی به امر اخیر مشغول تهیه طرحی بودیم برای دیجیتالیز کردن تمام مواد و نیز ماشین شده مجموعه تاریخ‌شاهی. در انگیزه در تهیه این طرح بغه است؛ اول اینکه با انجام عمل دیجیتالیزیشن تراوا برای مدت طولانی (میدوریم همیشه در کتابخانه دانشگاه هاروارد محفوظ و قابل استفاده خواهد ماند) و مهم‌تر زمان آسپ نخواهد رفت. دوم اینکه تراوا هرگز ماشین شده آن از طریق کتابخانه دانشگاه روی اینترنت قرار خواهد گرفت.

محققان در سراسر دنیا خواهند توانست از آن استفاده کنند. برای انجام این طرح حدود ۳۰۰ هزار دلار مورد نیاز است که اقدامات اولیه‌ای بجلب کمک تعدادی از بیندوهای فرهنگی را آغاز کرده‌ام. میدوریم تقریباً این طرح را از اول ژوئیه ۲۰۰۲ آغاز کردیم تا دسامبر ۲۰۰۵ پایان برسانی.

اگر در ایران کسی کتابتان را بدون اجازه شما به چاپ برساند، این کار را چگونه ارزیابی می‌کنید و با اساساً کسی این حق را دارد؟

مجمی طور که در بالا گفته شد تمام حقوق چاپ و انتشار مجموعه تاریخ‌شاهی ایران منضم شد. دانشگاه هاروارد است و بدون اجازه کسی نتواند هیچ‌یک از آن استفاده تجاری نموده (بهبی‌است استفاده‌ای امور تحقیقاتی و شخصی آزاد است) در مورد حقوق چاپ و جلد خاطراتی که تاکنون توسط خود دانشگاه منتشر شده است، دانشگاه موضعی نمی‌گیرد. ولی در مورد چاپ و فروش خاطراتی که روی اینترنت است دانشگاه مسلماً

برای دفاع از حقوق خود اقدام خواهد کرد.

به عنوان آخرین سؤال در میان ۱۳۳ مصاحبه‌ای که انجام داده‌ام آیا هیچ‌کدام شده از نکته‌ای خیلی تعجب‌بکنند

و چیزی خیلی بران احساس‌کننده؟

این نوع تخریب که شامی گویند بسیار مرسوم و مرسوم آمده اما نکته‌بیز که همین الان هنگامی مرسوم می‌یادم آمد برخوردی بود که با یازده نفر استادیار دانشم، روزی که رفت برای مصاحبه بار بار در حال جوری همان بود. شهری که ایشان در آنجا زندگی کرده و بزرگ شده بود. با به واسطه مادرش تکر می‌کرد که آلتی بود. اما وقتی که با او مواجه شدم در این بابوری دیدم که با آنچه عقید اخلاقیی صحبت می‌کند.





## چه کتابی خوانده‌اید؟

### مرید خراسانی: مترجم

**عالم خراسانی شما در حوزه ادبیات یا در حوزه فلسفه کتاب تازه‌ای خوانده‌اید؟**  
بله، می‌خوانم. ما جلسات فلسفی داریم که روزهای جمعه برگزار می‌شود. در همین رابطه اخیراً کتابی خواندم به نام تاریخچه آثار آنتونیوس.  
**این کتاب به فارسی ترجمه شده است؟**  
بله، نویسنده این کتاب «جورج رود کاکس» و مترجمش آقای هرمز عبدالملکی است.

**می‌توانید درباره این کتاب بیشتر توضیح بدهید؟**  
این کتاب به این خاطر برآمده است که ما گفتن‌های اصلی قرنیسم از جمله مارکسیسم، لنینیسم، فینیسیم و... را در ایران از طریق ترجمه شناخته بودیم ولی آنتونیوس یکی از مکاتب مهم فلسفی است که از قرن هیجده تا حال در عرصه جهانی هم حضور دارد و هم حرف داشت و هم عمل، به درستی شناخته بودیم. به همین دلیل این کتاب درجه‌ی اولی در سمت جهانی شناخته و یک جهان نظری و عملی آنتونیوس.

**نویسنده در این کتاب «آنتونیوس» را در چند حوزه مورد بررسی قرار می‌دهد؟**  
این کتاب دو بخش اصلی دارد. در بخش اول راجع به نظرهای آنتونیوس بحث می‌کند. در بخش دوم راجع به جنبش‌های عملی آنتونیوس در کشورهای مختلف و همچنین در سطح بین‌المللی.

**این کتاب آیا برای مخاطبان عام هم مناسب است؟**  
بله. کاملاً مناسب است. چون ترجمه بسیار روانی دارد و متن اصلی کتاب هم خیلی ساده نوشته شده. در عین اینکه مسائلی که چندان ساده‌ای را مطرح نمی‌کند. این متن برای همه قابل فهم است.

**آنتونیوس در این کتاب از منظر سیاسی مطرح می‌شود یا از منظر فلسفی؟**  
در بخش اول که راجع به نظریه‌های آنتونیوس است. هم نظریه فلسفی را توضیح می‌دهد. هم نظریه سیاسی را. بخش دوم هم مربوط به تلاش‌های عملی و بین‌المللی آنتونیوس است. تاریخچه این طرز تفکر را در فرانسه، اسپانیا و انگلیس و ایتالیا و در سطح دیگر نقاط جهان بررسی می‌کند. کدام یک از فیلسوفان آنتونیوس را بیشتر مورد توجه قرار می‌دهد؟

پرودم، یا کونی و ترادسکی سه فیلسوف هستند که نویسنده بیشترین توجه را در این کتاب به آنها دارد.

### علیرضا سیف‌الدینی: مترجم

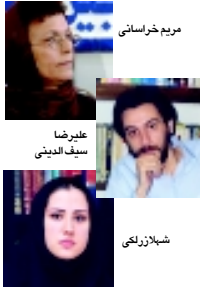
**آقای سیف‌الدینی، تازه‌ترین کتابی که از منظر یک منتقد خوانده‌اید چه کتابی بود؟ چون شما اغلب آثار را به دقت می‌خوانید.**

حقیقتاً این است که کتاب‌های زیادی برای مطالعه خریدم. ولی به صورت کامل تمام نگردم که بتوانم درموردشان نظر بدهم.  
**آخرین کتابی که خوانده‌اید چه بود؟**  
واقعیتش این است که الان حضور ذهن ندارم. برخی از کتاب‌ها را به صورت ناقص خواندم.  
**یعنی چه؟ چگونه ناقص خوانده‌اید؟**  
چون چند کتاب را هم می‌خوانم و به همین خاطر تمام نگردم که درباره آنها حرف بزنم. وقت آن قدر تنگ است که نمی‌توانم این کتاب‌ها را تک تک بخوانم.  
**لاان چه کتاب‌هایی را یا هم می‌خوانید؟**

	<b>بزرگداشت استاد</b>
<b>بزرگداشت شش‌دهم تیر تلاش استاد اصغر بیخوده در نشر ثالث</b> تلاش ادیبان کیم خان زند برگزار می‌شود. افتتاحیه این مراسم جمعه ۲۷ شهریور ساعت ۱۷:۳۰ تا ۱۷:۴۵ خواهد بود. ۲۹ شهریور تا ۱۰ مهر صبح‌ها ساعت ۱۲ تا ۱۴ و بعد از ظهر ها ۱۶ تا ۱۷:۳۰ ورود برای عموم آزاد است.	

متنوع است، این کتاب‌ها هم فلسفی است. هم کتاب‌های توریک است. البته تئوری ادبیات، بعد کتاب‌های زمان است. رمان خیلی قدیمی است.  
**می‌شود اسم این کتاب‌ها را بگویید؟**  
نمی‌توانم بگویم چون زمان‌های اینترنتی یک‌اندازه به‌بعد نام این آثار را نمی‌توانم بگویم.  
**خوب به نام کتاب‌های فلسفی و کتاب‌های توریک را بگویید.**  
شما صحبت کنید. شماره تلفن خودتان را بدهید یک ربع دیگر به شما زنگ می‌زنم.  
**شماره ساعت بعد**  
**آقای سیف‌الدینی فرماید**

از میان آثاری که خواندم یکی اش «آسمان خالی نیست» رمانی از شیوا ارسطویی است. مجموعه قصه «من مجردم» خاطره‌المرغی کریم‌الی لوست. اما رمان‌هایی که در حال خواندن آنها هستیم، یکی «سلوک» دولت‌آبادی است.



**مرید خراسانی**  
**علیرضا سیف‌الدینی**  
**شهاب‌زولکی**

و این بررسیم، پیچیده به‌لای خود تا کم‌رمانی از محمدرضا صفدری است. رمان دیگری هم به اسم «کوه خدای» خواندم که ویژه جوانان است. یک کتاب هم به اسم «گفت‌وگو نقد» اثری خواندم از دکتر پاینده.

**سلوک را چگونه دیده‌اید؟**  
سلوک را دارم می‌خوانم، آن چه که خواندم به نظر رمان سنگینی می‌آید. به نظر می‌رسد حرکتش سنگین است ولی یا همه اینها کاری جدید از سوی دولت‌آبادی است. آن ترکیب‌هایی که در این رمان دیدم چندان دینامیک نیست.  
**یعنی چه دینامیک نیست؟**  
یعنی ترکیب رمان مکتوبی است. آن خطوط سبک در متن یا خود متن ترکیب نمی‌شود. البته هنوز رمان را تمام نگردم تا این‌جا که خواندم. چنین احساسی دارم. ترجمه نویسنده هم به جزئیات است و جز به جز نوشته می‌شود. این نوعی رویکرد به مدبرانه است.

**شما دولت‌آبادی را با روزگار سپری شده و سلوک که رویکردی تازه به رمان‌نویسی دارد بیشتر می‌پسنید یا دولت‌آبادی کلیفر.**  
اگر بتواند در رمان مدرن حرکتش حساب شده باشد،

	<b>خفته در تنگنا</b>
<b>کتاب خفته در تنگنا زندگی‌نامه خواننده موسیقی ملی ایران فریدون فروغی نوشته یوسف یزدانی با مقدمه نوح شیماخانی به وسیله نشر ثالث با قیمت ۲۰۰۰ تومان روانه بازار کتاب شد.</b>	

یعنی دانش این حرکت را داشته باشد، به نظر من در رویکرد جدید بهتر است.  
**درباره چه کتاب دیگری تمایل دارید حرف بزنید؟**  
من کتاب گفت‌وگو از پاینده را خواندم که متناسفته خیلی آسانی در فهرست اعلام دارد ولی متفان مسلکی که در ایران صاحب نام در حوزه نقد بوده‌اند، حرف کرده است. مثل برای، برای من در گفت‌وگو سی‌وهفت نوشته شده است. درست است.  
اگر بخواهیم این اسم را در نقد نویسی حذف کنیم به نظر من اضافی محسوس است.

### شهاب‌زولکی، منتقد

**عالم زولکی، می‌توانید در مورد تازه‌ترین کتابی که خوانده‌اید برای ما بگویید؟**  
تازه‌ترین کتاب من رمان سلوک، با و دو یکم و می‌خوانم. تجربه تازه‌ای داشته باشم و متنک است. با محققتم هم روبه‌رو می‌شود. با مورد انتقاد قرار بگیرد.  
به نظر من بیرون کشیدن دولت‌آبادی از آن راه و روش قدیمی‌اش، همراه با موفقیت نبوده است. خلاصه‌ش این است که بیرون کشیدن دولت‌آبادی از آن راه و روش نبوده.

**حالا به صورت مختصر به ما هم بگویید چه نوشته‌اید؟**  
این رمان یک چیزی بود، مثل پلاکتیفی در میان سنت و مدرنیته، البته خود دولت‌آبادی در گفت‌وگو می‌گوید. من عمداً می‌خواستم از آن دست باکوف فاصله بگیرم و می‌خواستم تجربه تازه‌ای داشته باشم و متنک است. با محققتم هم روبه‌رو می‌شود. با مورد انتقاد قرار بگیرد.  
به نظر من بیرون کشیدن دولت‌آبادی از آن راه و روش قدیمی‌اش، همراه با موفقیت نبوده است. خلاصه‌ش این است که بیرون کشیدن دولت‌آبادی از آن راه و روش نبوده.

**اتفاق در جامعه این رمان با دو دیدگاه ازبانی می‌شود. گروهی منتقد دولت‌آبادی حالی سلوک و کلیفر بهتر از دولت‌آبادی روزگار سپری شده مردم ستانفروده و سلوک است و گروهی دیگر ممکن این نظر را دارند.**  
بله، البته درست است.

**دولت‌آبادی در روزگار سپری شده مردم ستانفروده و سلوک به فرم و ایجاز شیوا بها مهد.**  
به نظر من سلوک در شخصیت‌پردازی خیلی ضعیف است. محور این رمان که همان قیس باشد، آن قدر به این شخصیت پرداخته نمی‌شود یا رابطه‌اش با عقیقه‌ها که قیس دارد، چندان موفق نیست در ترسیم عشق، یعنی رابطه چندان خوبی با مخاطب برقرار نمی‌شود. عشق مرده در قرن جدید را که نویسنده مطرح می‌کند، نوشته خوب بیان کند.

**از نظر فرم رمان سلوک، موفق است؟**  
از لحاظ فرم هم می‌شود گفت دولت‌آبادی می‌خواند. ساختار شکنی کند که کرده است. اما خود نوشته از آن قالب قدیم بیرون نیاید. به همین خاطر می‌گویم این رمان پلاکتیفی مانده است. بین سنت و مدرنیته از بین رمان کلاسیک و رمان مدرن، نه سنتی است نه مدرن.  
**با این نگاه می‌که دارید، رمان روزگار سپری شده را هم موفق نمی‌دانید.**  
به نظر من دو جلد اول روزگار سپری شده، موفق بوده. در جلد سوم این رمان هم ضعف‌های زیادی در جلد سوم گریز آنتونیوس، به این نتیجه رسیده بودم که سبک و شیوه گذشته را باید ترک بکنم و به همین خاطر مشکلات سلوک در جلد سوم روزگار سپری شده به شکل دیده می‌شود.

**آقای مهاجرانی هم گویا مطرح کرده‌اند که رمان را سه پار خوانده‌اند و هنوز تمام وجوه رمان را کشف نکرده است.**  
برای من جالب بود که خود آقای دولت‌آبادی هم گفته‌اند که این رمان باید چندین بار خوانده شود و من یوق کورا را ۱۵ بار خواندم و...  
دولت‌آبادی چندان خواندن را تری را امتحان می‌کند. فکر نمی‌کنم برای فهمیدن یک رمان، چندبار خواندن امتحان باشد. یوق کورا را اگر ۱۵ بار هم بخوانند، خواننده هر بار از متن لذت می‌برد.

**در مورد «دو دنیا» از گلری ترغی چه نظری دارید؟**  
من فعلاً دو داستان از این کتاب را خواندم تا همین جا اضافه‌ام. تمام کاری بسیار لطیف و زیباست. بخصوص از نظر زبانی خاتم ترقی بسیار قوی است. من از خواندن داستان‌های این کتاب خیلی لذت بردم.  
**به نظر شما «دو دنیا» از دیگر آثار ترغی ستر است؟**  
نمی‌شود گفت، ستر است. من چندسال قبل کتابی از ترغی خوانده بودم به اسم «من چه کارا هستم» که موضوعش لادن در خاطرم نیست. با خواندن «دو دنیا» علاقه‌مند شدم. همه کتاب‌هایش را باخوایم.

## چهاردها و شانزدها

### ضیاءالدین سجادی

ضیاءالدین سجادی پس از اتمام دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران با همکاری چند تن از دوستان هم‌فکر در سال ۱۳۳۵ در دوره کتاب فارسی و دستور و تاریخ ادبیات فارسی را با مشغول تدریس در مراکز مختلف آموزش عالی و با عنوان «دیوان عشاقی شروانی» که همراه با تصحیح و تعلیقات بود، در سال ۱۳۸۸ منتشر کرد. ضیاءالدین سجادی در سال ۱۳۹۸ در مشهد به دنیا آمد و به سه زبان فارسی، انگلیسی و عربی تسلط داشت و شاید به همین دلیل شاید سال‌ها عضو شورای نویسندگان برنامه‌های آدیو و رادیویی بود و تهیه و اجرای برنامه‌های آدیو و رادیویی را در رادیو ایران به عهده گرفت.

سال ۱۳۴۰ کتاب «کارنامه بزرگان ایران» شامل شرح حال شاعران کلاسیک را تألیف کرد. دکتر سجادی که به زبان و ادب فارسی عشق می‌ورزید، کتاب «در مکتب استاد» را در سال ۱۳۷۵ به دست چاپ سپرد و سال بعد «مجموعه نامه‌های عشاقی شروانی» را تصحیح و همراه با شرحی موجز منتشر کرد. گزیده اشعار و سنیایی نیز با مقدمه و توضیح و شرح لغات مشکل در سال ۱۳۸۰ از او منتشر شد. شرح قصیده مسیحیت، کتاب دیگری که تفسیر منظومه ای از شمس‌الدین محمود لاهیجی است، در ابتدای دهه به بازار آمد. دکتر سجادی در پنجمین دهه از عمر، متأثر از ادبیات عرفانی - اسلامی و دیگری جدید در آرایش دیده می‌شود و به سمت تألیف آثار جدیدی در زمینه «مباحث عرفانی و دستوری فرهنگ لغات قرآن»، «انسان در قرآن کریم»، «مقدمه ای بر مثنوی عرفانی و تصوف» و «سیری در اندیشه و شناخت» کارنامه دوره دوم فعالیت فکری او را تشکیل می‌دهد.

دکتر ضیاءالدین سجادی، مستحان گزیده دربار فردوسی و شاهنامه، «شرح اسطوار و آثار ابن عبید» تصحیح و شرح «مثنوی ختم الغرائب خاقانی»، «دیباچه نگاری در قرن هجده» را هم در کارنامه دارد و در آخرین سال‌های عمر کتاب فرهنگ لغات و تعبیرات با شرح افعال و مشکلات دیوان خاقانی شروانی را و در دو مجلد منتشر کرد. دکتر سجادی در سال ۱۳۷۵ به علت ناراحتی قلبی در تهران درگذشت و در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

<b>کتابخانه صاحب امتیاز: خانه کتاب ایران</b>
<b>مدیر مسؤول: احمد مسجد جامعی</b> <b>سرمدیبه: علی اصغر رضائیان</b>
<b>امور فنی: کلیتر گرافیک</b> <b>لینوگرافی و چاپ: ایرانتچاپ</b> <b>نشانی: خیابان قائم مقام فرغانی</b> <b>اثر فجر (جم)، شماره ۹، طبقه دوم</b> <b>صلوبق پستی: ۱۳۳۵، ۳۱۳</b> <b>تلفن: ۸۸۹۰۹۹۹، ۸۳۸۹۵۶</b> <b>نشانی اینترنتی:</b> <b>http://www.ketabehafte.com</b>





## محمدسعید حبانی کاشانی، مترجم

ترجمه هفت- هشت کتاب را در دست دارم که همه آنها ناتمام است، جدیدترین کتابی که از من منتشر خواهد شد، «فلسفه رئالیسم» است. نویسنده آنان این کتاب ریچارد آشمیت و برای آن کریم‌پهلوان نویسنده گان محمدرضا نکبند هستند. البته یکی از این نویسندگان در نیمهٔ راه تألیف کتاب فوت کرده و دو دیگر نویسنده کتاب آن را تمام کرد. این کتاب از مجموعه کتاب‌های تاریخ فلسفه است. این کتاب در واقع جلد سوم تاریخ فلسفه غرب آکسفورد است. این مجموعه ۸ جلد است که ترجمه‌اش را چند سال قبل شروع کرده بودم. تاریخ انتشار این مجموعه از ۱۹۸۸ شروع شده بود و با استقبال فراوان مواجه شد و تا سال ۲۰۰۱ به پایان رسید.

این کتاب در واقع سعی می‌کند تاریخ فلسفه رئالیسم را از قرن شانزدهم برای خوانندگان توضیح بدهد. تاریخ فلسفه رئالیسم، جیمز کیم جلد از آن مجموعه است و به پاینده صلحه می‌رسد.

این کتاب دو مکتب مهم فلسفه رئالیسم را که ارسطوییان و افلاطونیان باشند، مورد بررسی قرار می‌دهد. می‌فانسد، که در دوره رئالیسم سبیلی نقش مترجم را داشته‌اند، یعنی کار مهم مترجمان دوره رئالیسم ترجمه و انتقال آثار اصیل یونانی بود، البته این کاری مهم بود، به همین دلیل فیلسوفان برجستهٔ آن دوران رئالیسم ناپدید نبودند. رئالیسم دوران قرون وسطی نسبت به افکار آن‌کتابی داشته‌باشند، یک کار بزرگ فیلسوفان رئالیسم این بود که زمینه را برای فلسفه جدید آماده کردند. ناشر این مجموعه انتشارات صدیده‌سا خواهد بود و تا دو، سه ماه دیگر اقلهٔ فلسفه رئالیسم، را به بازار می‌فرستد.

## بنیام کریمی: محقق

من بنازکی کتاب «أسیب شامی شهقت جنگل» را نوشته‌ام که انتشارات صدیده‌سا منتشر کرده است. اما کتاب دیگری هم در دست نوشتن دارم که در آنجا سعی کرده‌ام برخوردی أسیب شامسانه با تحولات جامعه ایران در دهه بیست داشته باشم. در رابطه با فعالیت سیاسی گروه‌ها و احزاب در آن مقطع، این کتاب بررسی تاریخ ایران پس از ورود معتقد به ایران تا شکل‌گیری جبهات مختلف و سرکوبن‌هایی که در دوره جبهات محدودشا صورت گرفته بود، مورد براد روند سیاسی اجتماعی آن دوره را بررسی می‌کند. فعالیت مشغول کار هستم و هنوز اسم این کتاب از منخض نکرده‌ام. بسیاری از مقالات و مطالب خود را پیش از این در مجله گنجینه چاپ کرده‌ام و غیر از این هم کار دیگری در دست ندارم.

## محمدتقی فرامرزی: مترجم

کتابی به نام «ورزش و تغذیه مردان مریخی، زنان نوسنی از جان گری را ترجمه کرده‌ام که انتشارات مازیار تا چند روز آینده منتشر می‌کند. اسنان از زمانی که پای در عرصه خاک نهاد، همواره خوستانه و کوشیده‌است در درجه اول خود و تمام پیچیدگی‌های دنیای درون و ورزش را بشناسد و درواظ بهتر، دوستانه‌تر و انسان‌تر با انسان‌های بیرومن خود، با همسر و با اعضای خانواده خود برقرار سازد پس از این، تلاش برای داشتن زندگی شخصی همراه با ناملخ و راهی از جنگل‌خوبل گریگون اجتماعی و زیست‌شناختی

و پیدا کردن فرمولی مناسب برای پایدار ساختن

سلامتی و اعتدال و عشق و شادمانی و غلبه بر بیساری‌های بار خطر مملدن از آنها. بیساری آرزوهای دیگر، دومین عرصهٔ این خراست‌ها و کوشش‌ها بوده‌است. کتابه ورزش و تغذیه مردان مریخی و زنان نوسنی، کارشنی‌است جدید و همه‌جانبه در این زمینه‌ها.

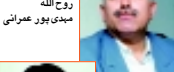
دکتر جان گری نویسنده کتاب برآوزه مردان مریخی، زنان نوسنی، کارشناس نامدار بین‌المللی در زمینه روابط بین‌الناس‌ها، این بار در آخرین کتاب خود با نام تغذیه و ورزش مردان مریخی و نوسنی، به موضوع تغذیه و ورزش با هدف تولید

ترکیب شیمیایی مغزی لازم برای دستیابی به سلامتی، شادمانی و عشق پایدار پرداخته‌است. خوانندگان در این کتاب می‌بینند که تغذیه و ورزش متعادل چگونه ممکن است. سرچشمه آرامش و هماهنگی درونی باشد، چه غارت‌هایی بین زنان و مردان وجود دارد، چگونه می‌توان راه‌های برقرارسازی ارتباطی پایدار و سرشار از روح و علاقه‌ت بین دو جنس را آموخت. در این کتاب که همچون یک راهنمای عملی تدوین شده است، چگونگی در هم آمیخن تغذیه ورزش و مهارت‌های ارتباطی و متورق‌واقع شدن آنها در تولید مولد شیمیایی سالم مغزی یادگرمی شود.

نویسنده با برخورداری از اطلاعات و ژرفنگری می‌پایان خود در کتاب تغذیه و ورزش



محمدسعید حبانی کاشانی



مردان مریخی و زنان نوسنی، به تک تک نیازهای مشخص مردان زنان، مسائل حیاتی و احساسی، حالت‌های روانی، انگیزش و شور و علاقهٔ مردان و زنان می‌پردازد و غارت‌های موجود در کاهش وزن زنان و مردان و ابزارهای لازم برای ریشه‌کن‌سازی انواع افتدعاها و هوس‌های ناسالم رامعروف می‌کند. دکتر جان گری نظرات خود را در قالب یک برنامه جدید و انقلابی گنجانده و گام‌های اجرایی آن را در صفحات کتاب شرح کرده است. در این برنامه بر موارد زیر تأکید می‌شود: مسائل ارتباط شخصی و اجتماعی به شکلی که در ایجاد تعادل بین هورمون‌ها و ترکیب شیمیایی مغزی متورق‌واقع می‌شود؛

استفاده از مکمل‌های غذایی برای ایجاد

آرامش جسمانی، روانی و احساسی؛ مدیریت رژیم غذایی، تغذیه و مدیریت وزن مشخص هر یک از دو جنس؛ تمرین‌ها و ورزش‌های جسمی لازم برای برانگیختن دستگاه لنفاوی، دستگاه عده، مایع مغزی، نخاعی و دستگاه مغز؛

مدیریت تنش و حالت‌های روحی برای عمری طولانی، سالم‌تر و شادتر.

دکتر جان گری در طی سی سال گذشته با متخصصان گریگون که منظرهٔ تعیین این برنامه آسان و اتفاق‌بخیز را هر شبه زندگی همکاران و تحقیق کرده‌است، شما شایه کار مشترک دستورها و توصیه‌های کتب تغذیه و ورزش مردان مریخی و

زنان نوسنی خواهد نوشت. تانوست ترکیب شیمیایی لازم برای دستیابی به سلامتی، شادمانی و عشق پایدار را در مغزتان تولید کنید.

دکتر جان گری که از کارشناسان بین‌المللی در زمینه روابط فردی و اجتماعی و رشد شخصیت به شمار می‌رود، در مقام درماتگر رسمی خانواده‌گی (از آکادمی ملی درماتگران خانواده‌گی، مشهور سرعبر مجله خانواده (The Family Journal)، عضو هیأت برجسته مشاوران انجمن بین‌المللی ازدواج و مشاوران خانواده‌گی و عضو انجمن مشاوران آمریکا نیز فعالیت می‌کند.

## روح الله مهدی پور عمرانی؛ نویسنده

الان کتابی زیر چاپ دارم به اسم «آواز فریادخه» در گلدی ما که یک مجموعهٔ قصه است. ناشر این کتاب نشر مرسوس‌است و الان در مرحلهٔ محنتی است. این مجموعه شامل یازده قصه کوتاه است که مربوط به سال‌های ۱۳۷۹ تا ۸۱ است. این داستان‌ها دارای مضمون‌های گوناگونی است و از نظر سبک و شکل هم شیوه‌های مختلفی دارد و مثال از قصه‌های گریگون است. کتاب دیگری هم در اسنان مازندران توسط نشر شروین در دست چاپ دارم که از آثار جواد قاضی ناقصه نویسان امروز را گردآوری کردم. هم‌راه انتشار مرسوس این داستان‌ها همه از نویسندگان مازندران است.

## فیروز زَنوزی جالبی؛ نویسنده

می‌دانید که در سال‌های آخر زندگی احمد محمود، مقدار زیادی به او نزدیک شدم. قلاب هم نقدهایی حسنه و گریخته‌انجا و آنجاد مورد آنازش نوشته و چاپ کرده بودم. مثل ملار صفر درجه و دوست انجیر معابد که این آخرین نمایش را در فرهنگ‌سازان یعنی در حضور نوروز و سنگناشتن به اتفاق عوادای از اهل قلم نقد و بررسی کرده بودم. به هر حال من خواهم سرجمع گویم بعد از گذشت ایشان، جاذبه شخصی‌اش و آن طامع که داشت و طریقم ترلالی‌اش باعث شد که من مشتاق شوم ماجصل نوشته‌هایم را در مورد آنازش نقد بکنم. طری‌افراددی با وزارت فرهنگ و ارشداسلامی پژوهشنامه‌ای در ارتباط با نقد آناز احمد محمود و نقد تحلیل رمان‌هایش تدارک دیده‌ام. تصور اولیه من این بود که این قدم‌ها خاتمه به ۸۰ صفحه برسد. ولی الان که وارد عرصه کار شده‌ام، می‌بینم که فقط نقد حسبایه‌ها یا این حجم رسیده است. الان شش ماه می‌شود که من روی آنازش مشغول کار هستم، تصوم بر این است که تا چهار ماه دیگر کار به پایان برسد که به حدود ۶۰۰ صفحه خواهد رسید. فکر می‌کنم نگاه‌های مابعد از منظر تحلیل مقاله‌ای من با من، مثلاً در مورد شخصیت خالد در روند تحلیل اینکه آیا تبدیل به مبارز سیاسی شده است یا خیر، از خود من شاهد آزرده‌ام. من برای هر ادعا گام به گام با اثر جلد آید، مثلاً خلیجی که از شخصیت خالد در ادبیات نقد و مورد در نقد تحلیل نشانه‌های است. یکی از ده‌فقه‌های محمود استفاده از اساحت اجتماعی - سیاسی طی چند دهه از تاریخ ایران است. استخواندندی آنازش روی فریادهای از نقطه عطف‌های تاریخ معاصر ما قرار گرفته است. به نوعی که می‌توانیم یک تاریخ‌نگارگی معاصر در آنازش ببینیم. جدا از مقم‌های که در مورد شخصیت احمد محمود نوشته شده، برای خود کتاب از لحاظ ساختار و درونمایه و شخصیت پردازی از خود من جهت آزرده‌ام. محمود شش رمان را با احتساب رمان آدوده‌اند که به عنوان ترجمه‌های از یک نویسنده عراقی به چاپ رسیده، من روی این شش اثر کار کرده‌ام. اسم این کتاب ایران در سرزمین آفتابی است. البته این اسم تحلیلی است. پاران شخصیتی است که خود محمود از خودش تصویب می‌کند.

این کتاب را به احتمال زیاد برای چاپ به انتشارات معین ناشر آثار محمود - آذکار می‌کند. الان هم به دنبال نقدرت‌ها، هستم. می‌دانید که رمان محموق و نقدرت‌ها به کتاب سومی که خواهم داشت یک سه گانه است. شکل من معند الان تحریر اول نقدرت‌ها تمام شده است.



### تاریخ تشیع

تاریخ تشیع از آغاز تا پایان غیبت حضرت<sup>ع</sup> به قلم غلامحسین محرمی از سوی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) طی روزهای آینده بارز بازار کتاب خواهد شد.

### رویکردهای شعر معاصر عرب

ارویکردهای شعر معاصر عرب<sup>ع</sup> عنوان کتابی از دکتر احسان عباس است که انتشارات ناز بزردهی چاپ و منتشر می‌کند.

### مورغ بشتنی

امرغ بشتنی<sup>ع</sup> از مجموعه چهره‌های شعر معاصر ایران نوزدهمین کتاب از نشر ثالث است که به زندگنی و شعر محمدحسین شهریار می‌پردازد. نویسنده این کتاب مریم مشرف است و ناچنددی دیگر کتاب یاد شده منتشر می‌شود.

### ترانه پیمان

ترانه پیماره<sup>ع</sup> گزیده اشعار سیروس شالموست که مؤسسه انتشارات نگاه در دست چاپ دارد. سیروس شاملوش پیش از این در حوزه پانومیم کتابی منتشر کرده بود.

### مهراب

مهراب<sup>ع</sup> عنوان کتابی تألیف جیمز موریه نویسنده حاجی‌بابی اصفهانی است که با ترجمه حسن ناصر از سوی نشر علم هفته دیگر منتشر می‌شود. مهراب، قسمتی ازوقایع سلطنت آقاغاجمحمدخان قاجار است.

### السطور و رویا راز

السطوره، رویا راز<sup>ع</sup> عنوان کتابی از میرجالبابده است که با ترجمه رویامنجم از سوی نشر علم چاپ و منتشر می‌شود.

### ماحکمه و انشیاوه

ماحکمه و انشیاوه<sup>ع</sup> مجموعه ۳۱ داستان معتبر قضایی از ۳۱ نویسنده معروف جهان چون والتر اسکات، چارلز دیکنز، مارک تواین، هرمان ملویا، فاکنر و... است که شهریار بهترین ترجمه را کرده و نشر روزنه کار در دست انتشار دارد. این کتاب از جمله تحقیقات دانشگاه آکسفورد به شمار می‌رود.

### مشکلی تکیتر ناماد روی کوان

مشکلی تکیتر ناماد در کودتاه ای از آزان پیازه، با ترجمه زینت

### خطرات آتزان کاپنور

اِبشت دیواره‌های بلند<sup>ع</sup> (یا کاخ تا زمان) خطرات آتزان کاپنور که پیش از این از سوی انتشارات ایتیه سه بار تجدید چاپ شده بود، در این هفته از سوی انتشارات ورجلاند نیز چاپ و منتشر خواهد شد.

### ذهن لاسکان، طب لامکان

ذهن لاسکان، طب لامکان<sup>ع</sup> عنوان کتابی از دکتر لاری دوسمی با موضوع افراز و ذهن و جسم در عصر شناختشی توسط دکتر فرخ سیف بهزاده به فارسی برگردانده شده و از سوی انتشارات مازیار چاپ و منتشر می‌شود.

### باغ راز

باغ راز<sup>ع</sup> عنوان رمانی از فرانسسیس هاجسن برنت با ترجمه شهلا ارزنگ از سوی نشر مراد منتشر خواهد شد. این رمان که اولین بار در سال ۱۹۱۱ چاپ شده تاکنون به چاپ چندم رسیده، داستان دختری است که با شیوخ ویا پدر و مادرش را از دست می‌دهد و...

### تعام مردان شاه

تعام مردان شاه<sup>ع</sup> با داستان غلغ بد و کودتای ۲۸ مرداد بر اساس اسناد CIA از اکتیگرز را نشر اختران در دست چاپ و انتشار دارد. همین ناشر جلد دوم کتاب «کارل مارکس، زندگنی و دیدگاه او» به قلم مرتضی محیط را بزدهی منتشر خواهد کرد.

### ناتوانس دریایی

افانوس دریایی<sup>ع</sup> عنوان رمانی از سیمارزیعی است که انتشارات تهران صدا در دست چاپ و انتشار دارد. همین ناشر رمان ایی نام از آریا نکین ناجی را منتشر خواهد کرد.

### دولت یبکنانه

اسناد حضور دولت‌های یبکنانه در شرق ایران<sup>ع</sup> کتابی است که به اهتمام الهه محبوب فرمبانی از سوی سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی در مشهد چاپ و منتشر خواهد شد.

### عسکی از یازده سپتامبر

گزیده اشعار و سیراواپیوریومسکا شاعر لهستانی و برنده جایزه ادبی نوبل با ترجمه علیرضا دولشاهی از سوی انتشارات پال طی هفته آینده به بازار می‌آید. از این شاعر پیش از این مجموعه شعر «آم‌دهای روی بی<sup>ع</sup>» چاپ و منتشر شده بود.

### بازاریگاه تو، گریاب من

بازاریگاه تو، گریاب من<sup>ع</sup> رمانی از پائینتیا رضا با ترجمه اختصار نیوی ژاد توسط انتشارات عطایی بزدهی چاپ و منتشر می‌شود. این اولین رمان رضا است که در ایران ترجمه و منتشر می‌شود.